

# هوای بهاری کتاب های زمستان

۶



شنبه ۱ تیر ۱۳۸۷  
۱۷ جمادی الثانی ۱۴۲۹، ۲۱ ژوئن ۲۰۰۸  
شماره ۱۳۶، پیاپی ۷۸۷  
صفحه ۲۰، تومان

ISSN:1029-3345

صاحب امتیاز: خانه کتاب  
سردبیر: پدram پاک آیین  
نشانی: خیابان انقلاب اسلامی  
خیابان برادران مظفر جنوبی، کوچه  
خواججه نصیر، پلاک ۱۰، طبقه چهارم  
تلفن: ۴-۶۶۹۶۱۵۱-۶۶۹۶۱۵۱  
سازمان آگهی ها: ۲۲۲۵۵۲۴۶  
چاپ: ایرانچاپ

www.ketabehafteh.ir

## فراخوان ارسال آثار به «گام اول»

نویسندگان و مترجمان نو قلم کتاب های خود را برای دوری در دومین دوره «جایزه گام اول» به دبیرخانه این جایزه در خانه کتاب ارسال کنند. دبیر دومین دوره جایزه گام اول ارسال کنند. نویسندگان نو قلمی که کتاب هایشان در سال ۸۶ منتشر شده، می توانند آثارشان را تا سوم مرداد ماه سال جاری به دبیرخانه دومین جایزه گام اول ارسال کنند. قبل در چهار بخش شعر و داستان کوتاه بزرگسال و شعر و داستان کودک و نوجوان دوری می شود. بر اساس این گزارش مراسم اهدای جوایز دومین دوره جایزه گام اول آبان ماه سال جاری همزمان با هفته کتاب در سراسر کشور برگزار خواهد شد. سال گذشته مؤسسه خانه کتاب جایزه گام اول را با هدف کشف استعداد و تشویق هر چه بیشتر پدید آورندگان که در سی سال اخیر متولد شده و برای نخستین بار کتاب منتشر کرده اند، برگزار کرد.

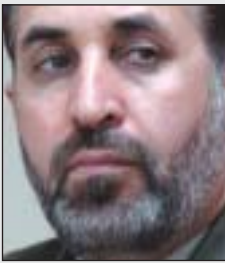
۲

## با دکتر حسن بلخاری درباره «عکس مه رویان، خیال عارفان» و چند اثر دیگر

### عرفان در قاب خیال

کنگره آماده بود، اما به دلیل حروفچینی و ویرایش عملاً کار تا اردیبهشت به درازا کشید. ضمن این که چکیده و عصاره مطالب هم به عنوان یک مقاله به کنگره ارائه شد.

بلخاری در توضیح بخش های مختلف کتاب می افزاید: در بخش اول کتاب، مفهوم خیال و آراء مختلفی که در حکمت یونانی و حکمت اسلامی درباره خیال وجود دارد را مورد بحث قرار دادم و به اختصار آراء افلاطون و ارسطو را مد نظر داشتم. بعد وارد فلسفه اسلامی شدم و آراء کندی، فارابی، ابن سینا، غزالی و شیخ اشراق به ویژه ابن عربی را بررسی کردم البته از میان تمامی کسانی که نام بردم ابن عربی مباحث گسترده تری درباره خیال در آثارش دارد. به شکلی که برخی عرفان او را تحت عنوان فلسفه خیال نامگذاری کرده اند. من این موارد را در فصل اول کتاب مورد بحث و بررسی قرار دادم. در بخش دوم کتاب به یک مسئله بسیار مهم پرداختم و آن این که آیا مولانا تحت تاثیر اندیشه های ابن عربی بوده یا نه؟ چون ابن عربی در سال ۶۶۸ هجری - قمری از دنیا رفته و در آن تاریخ هنوز مولانا، شمس رازیارت نکرده بود و تنها یک طلبه جوان و پرشور بود.



تقریباً از سال ۶۵۰ است که مولانا سرودن مثنوی را شروع می کند. بحث بسیار مهمی در تاریخ وجود دارد که آیا مولانا از فتوحات مکیه و از فصوص الحکم ابن عربی تاثیر پذیرفته است یا نه؟ که من در این بخش از کتاب آن را به تفصیل بررسی کردم و ادله مختلف تاریخی در این مورد را از مناقب العارفین و از خود آراء مولانا آورده ام که امکان تاثیر پذیری مولانا از ابن عربی در حد صفر است به ویژه که مراد و مرشد مولانا یعنی شمس تبریزی ابن عربی را قبول نداشت و در مقالات خود او را در متابعت نمی دید. بنابراین نتیجه گرفتم که باید آراء مولانا را با خود مولانا تفسیر کرد نه با آراء و آثار ابن عربی.

۱۰

«عکس مه رویان، خیال عارفان» کتابی به قلم دکتر حسن بلخاری درباره مفهوم شناسی خیال در آرای مولانا است که به مناسبت هشتادمین سال تولد مولانا تالیف شده و هفته گذشته از سوی انتشارات فرهنگستان هنر چاپ و منتشر شده است. حسن بلخاری متولد ۱۳۴۱ اصفهان دارای دکترای فلسفه است. وی علاوه بر دانشگاه تهران در دانشگاه الزهراء و دانشگاه هنر نیز تدریس می کند و در کارنامه اش حدود دوازده عنوان کتاب منتشر شده دارد. «حکمت، هنر و زیبایی»، «کتاب دوجلدی «مبانی عرفانی هنر و معماری اسلامی»، «اسرار مکنون یک گل» یا تجلی نیلوفر در هنر و معماری شرق، «سرگذشت هنر در تمدن اسلامی» و ترجمه «دین و ارزش ها در فیلم های عامه پسند» عناوین برخی از این آثار است. دکتر بلخاری هم اکنون ترجمه کتاب «معماری هندو» را زیر چاپ دارد و کتاب «مفهوم زیبایی در المناظر و تنقیح المناظر» از ابن هیثم و کمال الدین فارسی و... را برای چاپ آماده کرده است که در ماه آینده منتشر خواهد شد.

وی درباره اینکه با چه انگیزه ای به سراغ تالیف کتابی درباره مولانا رفته است می گوید: واقعیت این است که به مناسبت هشتادمین سال تولد مولانا، قرار شد کنگره بزرگداشت مولانا تشکیل شود و بنا به پیشنهاد کنگره بین المللی مولانا که سال گذشته در ایران برگزار شد، درباره مفهوم خیال که یکی از مهم ترین مباحث بنیادی در فلسفه هنر شناخته می شود، تصمیم گرفتم کتابی بنویسم و آرای مولانا را در این زمینه مورد بحث و بررسی قرار دهم. همان زمان تالیف این کتاب شروع شد و در ایام برگزاری نمایشگاه بین المللی کتاب تهران، چاپ و به بازار عرضه شد. در حقیقت انگیزه اصلی از تالیف این کتاب، تقاضای کنگره بین المللی بزرگداشت مولانا بود. البته کار اصلی مطالب این کتاب در زمان برگزاری

## جان شرقی

عصر گرم آخرین شنبه بهاری، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی در منتهی الیه جنوبی خیابان ولی عصر (عج) برای ادای احترام و دین به یکی از مولوی شناسان برجسته آمریکایی - که به قول بسیاری از دوستانش تنها شناسنامه ای آمریکایی دارد اما ایرانی است - میزبان جمعی از پژوهشگران و استادان برجسته ادبیات و علوم انسانی بود. ویلیام چیتیک به اتفاق همسر از پڑوهشگران و استادان آمریکایی - که او نیز ژاپنی اش پروفیسور ساچیکو موراتا - که او نیز در ایران فقه و الهیات خوانده است - شاهد ارج گذاری ایرانیان به تلاش هایش در معرفی فرهنگ و تمدن ایران و اسلام بود. به سیاق سابق دکتر مهدی محقق که تا پیش از این نود بزرگداشت برای خادمان عرصه فرهنگ ایرانی برگزار کرده است به پشت تریبون دعوت شد تا از مقام علمی این دانشمند آمریکایی تجلیل کند. او در آغاز سخن درباره مقام علمی ویلیام چیتیک انگشت روی نقطه ای گذاشت که به نوعی حلقه مفقوده ارائه و احیای فرهنگ ایرانی - اسلامی به شمار می آید، چرا که مقصود و مخاطب اصلی این نشست ها به باور محقق، نسل جوان ایرانی است تا مگر به این واسطه، آن فرهنگ دیرین که از گذشتگان به جای مانده، به دست نسل جوان برسد و میراث خواران این تمدن پای بر جای اهل فکر بگذارند. به اعتقاد رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تربیت جان جوانان حکمتی مغفول در ذهنیت فرهنگی مسئولان بوده، چرا که اغلب برای تربیت جسم جوان ایرانی چندین استادیوم یکصد هزار نفری احداث شده اما برای تربیت جان ایشان مکانی هزار نفری هم یافت نمی شود و این غفلت را باید جبران کرد.

۲۰

اما در اولویت اول بگردید کتاب های سیاسی، کتاب های ادبی، کتاب های هنری، کتاب هایی که برای ذهن جوانان جاذبه دارد اینها را جمع کنید. اصلاً شما اعلان کنید و از مترجمان و مولفان بخواهید، تا ترجمه و تالیف خود را به شما بدهند و شما چاپ کنید.

فرض بفرمایید امروز در صحنه جهانی مشخص بشود که کدام مسئله از مسائل انقلاب هست که اگر ما آن را در دنیا گفتیم، به حقانیت انقلاب توجه بیشتری خواهد شد و کوشش بیشتری نسبت به انقلاب ایجاد خواهد شد. پیدا کردن این گونه مطالب، خودش هنری است. در سایه مسافرت، مطالعه، خواندن کتاب ها، خواندن مجلات و خواندن تبلیغات بنشینند مسائل اساسی در چه یک دنیا را پیدا کنند، بعد که مشخص شد، همین اندیشمندان به کمک اندیشمندان دیگر، مطالب و محتوایی را که برای پر کردن این خلأ لازم است، مشخص و فراهم کنند بعد آن مطالب لازم را به دست هنرمند، به دست نقاش، به دست فیلمساز، به دست شاعر، به دست کتاب نویس، به دست نمایشنامه نویس، به دست قصه نویس بدهند و بگویند اینها را شما بسازید.

**از بیانات رهبر معظم انقلاب در مراسم هفتمین سالگرد تأسیس سازمان تبلیغات اسلامی (۱۳۶۷/۴/۱)**

### تصویرگری شاهنامه

**به سبک نو نگاره های اسلامی**  
به گفته رئیس سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری خراسان رضوی، شاهنامه فردوسی به سبک نو نگاره های اسلامی برای اولین بار در کشور به تصویر کشیده شد. ابوالفضل مکرمی فر هفته گذشته در جمع خبرنگاران اظهار داشت: برای اولین بار در کشور شاهنامه فردوسی به سبک نو نگاره های اسلامی و با تأکید بر مضامین معنوی شاهنامه فردوسی توسط هنرمند جوان استان و خالق سبک نو نگاره های اسلامی به تصویر کشیده شد.

وی با اشاره به این که تاکنون تصویرگری هایی که از شاهنامه شده است به طور عمده روایت گونه بوده است، بیان داشت: در این تصویرگری ها تلاش شده است تا مفاهیم بلند اشعار این شاعر بزرگ به تصویر کشیده شوند و داستان های روایت گونه شاهنامه از زوایای مفاهیم الهی و انسانی دیده شود.

### دانشنامه وقف تدوین می شود

دانشنامه وقف با همکاری سازمان اوقاف و امور خیریه و بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی در آینده ای نزدیک منتشر می شود.

علی حیدری، مدیر پژوهشی بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی، با اعلام این خبر گفت: تدوین دانشنامه وقف در مراحل اولیه است و پیش بینی می شود دانشنامه ای بالغ بر دو هزار صفحه در این زمینه منتشر شود.

حیدری با اشاره به وجود پنجاه هزار موقوفه و هزاران سند وقفی در کتابخانه ها و ادارات اوقاف گفت: در این دانشنامه مفاهیم اساسی وقف، اسامی و مشخصات ابنیه وقفی به طور کامل منتشر می شود.

وی با تأکید بر تفاوت های دانشنامه و دایرة المعارف گفت: در دایرة المعارف واژه های مربوط به یک حوزه تعریف می شود در حالی که دانشنامه متشکل از تعدادی مقاله مستند و مستدل است که مفاهیم مربوط به حوزه ای خاص را بیان می کند.

# آیین نامه اجرایی جایزه ادبی جلال نهایی شد



دبیرخانه نخستین جایزه ادبی جلال آل احمد به موسسه خانه کتاب خبر داد.

به گزارش مهر بر اساس آیین نامه جایزه ادبی جلال آل احمد مصوب ۲۳ آبان ماه ۱۳۸۵ شورای عالی انقلاب فرهنگی، هدف از برگزاری این جایزه، ارتقای زبان و ادبیات ملی - دینی عنوان شده است و آثار در پنج رشته علوم انسانی شامل داستان کوتاه، داستان بلند، نقد ادبی، مستندنگاری و تاریخ نگاری داوری می شوند. هیئت امنای جایزه را اعضای حقیقی و حقوقی شورای عالی انقلاب فرهنگی عضو شورای هنر تشکیل می دهند که ریاست هیئت امنا با وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و دبیری آن به عهده معاون فرهنگی وزارتخانه است. همچنین بر اساس این آیین نامه مراسم اهدای جایزه ادبی جلال آل احمد هر سال مقارن با سالروز تولد وی برگزار می شود. ارزش جوایز نفرت اول هر کدام از رشته های این طرح، نشان ادبی جلال آل احمد به علاوه ۱۱۰ اسکه بهار آزادی خواهد بود.

موظف اند برای هر رشته سه نفر را به عنوان داور پیشنهاد دهند که در صورت تصویب، تا هفته آینده، داوران نیز مشخص می شوند. اسامی داوران توسط وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به تمام اعضای هیئت امنا اعلام و حکم آنها توسط ایشان امضا می شود.

دبیر علمی نخستین جایزه ادبی جلال آل احمد درباره احتمال اعمال نظر اعضای هیئت امنا در روند داوری، گفت: اطمینان می دهیم که کارهای مربوط به داوری ها بدون اعمال نظر شخصی انجام گیرد و عدالت رعایت شود اما به هر حال جایزه جلال جایزه ای ملی است و در راستای ارتقای زبان و ادبیات ملی و دینی برگزار می شود. ماموظفیم نظرمنا را به هیئت امنا اعلام کنیم تا در روز دوم آذر - سالروز تولد نویسنده - برگزیدگان مشخص و اسامی آنها اعلام شود اما اینکه تغییر یا حذفی در آثار برگزیده به وجود بیاید، نظر با هیئت امنا و شورای عالی انقلاب فرهنگی است.

اکبری همچنین از احتمال واگذاری مسئولیت

دبیر علمی نخستین جایزه ادبی جلال آل احمد از نهایی شدن آیین نامه اجرایی این جایزه خبر داد و گفت: وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی هفته آینده آیین نامه را برای تصویب نهایی به شورای عالی انقلاب فرهنگی ارائه می دهد.

دکتر منوچهر اکبری در عین حال از تصویب آیین نامه داخلی این جایزه خبر داد و گفت: هفته گذشته جلسه دیگری از جایزه با حضور اعضای هیئت علمی - که تعداد آنها ۹ نفر است - برگزار شد و در نهایت آیین نامه داخلی و در واقع اجرایی نهایی توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی، به وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ارائه می دهیم تا در این شورا به تصویب برسد.

وی درباره موضوعات مورد بحث جلسه هفته گذشته و نتایج آنها افزود: موضوعات مختلفی مطرح شد که برخی از اعضا پیشنهاد افزوده شدن بخش ترجمه را مطرح کردند تا زمینه برای بین المللی شدن جایزه در همین دوره نخست فراهم باشد اما با توجه به تأکید اساسنامه در خصوص حفظ هویت ملی، ایرانی و اسلامی جایزه - با توجه به رویکرد نویسنده (جلال آل احمد) - این پیشنهاد پذیرفته نشد و جایزه کماکان در همان پنج رشته اصلی داستان کوتاه، داستان بلند، تاریخ نگاری، مستند نگاری و نقد ادبی برگزار می شود. البته بخش اخیر - نقد ادبی - شاید بتواند جایگزین خوبی برای بخش پذیرفته نشده ترجمه باشد؛ به این معنا که در آن کتبی را که آثار ترجمه شده را به نقد کشیده است، لحاظ و بررسی خواهد کرد.

منوچهر اکبری درباره تعداد آثار رسیده به دبیرخانه نیز گفت: آثاری جمع آوری و تهیه شده است اما هنوز نمی توان آماری از آنها ارائه کرد؛ ضمن اینکه هنوز مشخص نیست که آثار منتشر شده در سال ۸۵ هم مورد ارزیابی قرار می گیرند یا نه اما بررسی آثار منتشر شده در سال ۸۶ برای این جایزه، قطعی است. وی ادامه داد: هر کدام از اعضای هیئت علمی

## راه اندازی سه کتابخانه دیجیتال در استان تهران

اولویت های برنامه عمرانی این اداره کل است. همچنین استان تهران به ۱۰۰ کتابخانه روستایی نیاز دارد که در این زمینه معاونت برنامه ریزی استانداری ساخت ۵۰ باب را برعهده گرفته و نهضت سوادآموزی برای اختصاص قسمتی از پایگاه های خود به کتابخانه قول مساعد داده است.

مبتکر سرابی با یادآوری این که اکنون نزدیک به ۳۰ کتابخانه روستایی در استان داریم، اظهار داشت: کتابخانه روستایی استاندارد باید از قرنتخانه ای با گنجایش ۴۰ نفر برخوردار باشد اما کتابخانه های روستایی موجود فقط مخزن دارند. وی تصریح کرد: دو کتابخانه سیار در استان فعال است که به شهرستان های پاکدشت و کرج خدمت رسانی می کنند و تا پایان برنامه چهارم توسعه به هر یک از شهرستان های استان مینی بوس کتاب ارسال می کنیم.

مبتکر سرابی ادامه داد: اداره کل امور کتابخانه های عمومی استان تهران برای جلب اعضای بیشتر امسال طرح های نام نویسی رایگان از افراد تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) و بهزیستی و همچنین اهالی روستائین را اجرا می کند. هم اکنون جانبازان از خدمات کتاب پستی کتابخانه پارک شهر استفاده می کنند و در نظر داریم این طرح را برای معلولان و بانوان خانه دار به اجرا درآوریم.

مدیر کل امور کتابخانه های استان تهران، از راه اندازی کتابخانه دیجیتال در شهرستان های کرج، نظرآباد و تهران خبر داد.

اسفندیار مبتکر سرابی، با اعلام این خبر اظهار داشت: اکنون ۱۰ کتابخانه عمومی استان کافی نت دارند. با گسترش خدمات اینترنت می توانیم در کنار خدمت رسانی جامع تر، زمینه گرایش هر چه بیشتر جوانان را به کتاب و مطالعه فراهم کنیم.

وی اضافه کرد: تاکنون از محل اعتبارهای استانی، هفت میلیارد ریال برای تجهیز کتابخانه های عمومی استان در اختیار اداره ارشاد استان قرار گرفته است. امیدواریم با پی گیری های صورت گرفته، این اعتبار را به ۱۰ میلیارد ریال افزایش دهیم.

مدیرکل امور کتابخانه های استان تهران همچنین خبر داد: امسال از سوی این اداره کل، یک میلیارد ریال برای توسعه و بازسازی سالن آمفی تئاتر کتابخانه پارک شهر اختصاص یافته که تا دو ماه دیگر به بهره برداری می رسد. همچنین با همکاری شهرداری تهران در پرداخت به موقع بدهی نیم درصد درآمد سالن آمفی تئاتر کتابخانه های "سید مرتضی" و "محقق حلی (ره)" بازسازی می شود. این مقام مسئول گفت: ساخت ۱۰ کتابخانه تازه در شهرستان های استان از

## فراخوان ارسال آثار به «گام اول»

در اولین دوره جایزه گام اول ۴۸ اثر در حوزه شعر، ۲۲ اثر در حوزه داستان کوتاه، ۱۲ اثر در حوزه داستان کوتاه و ۱۱۰ اثر در حوزه شعر کودک به دبیرخانه ارسال و مورد داوری قرار گرفتند.

نخستین دوره جایزه ادبی گام اول با هدف تمرکززدایی فعالیت ها از پایتخت و توسعه کتابخوانی، نیمه دوم مهر ماه سال ۸۶ در اردیبهل برگزار شد. خانه کتاب در خیابان انقلاب، بین خیابان ولی عصر (عج) و فلسطین جنوبی، ابتدای خیابان شهید برادران مظفر، واقع شده است.

کودک و نوجوان داوری می شود. بر اساس این گزارش مراسم اهدای جوایز دومین دوره جایزه گام اول آبان ماه سال جاری همزمان با هفته کتاب در سراسر کشور برگزار خواهد شد.

سال گذشته مؤسسه خانه کتاب جایزه گام اول را با هدف کشف استعداد و تشویق هر چه بیشتر پدیدآورندگان که در سی سال اخیر متولد شده و برای نخستین بار کتاب منتشر کرده اند، برگزار کرد. دبیر اولین دوره جایزه گام اول فیروز نوزی جلالی بود.

نویسندگان و مترجمان نوقلم کتاب های خود را برای داوری در دومین دوره "جایزه گام اول" به دبیرخانه این جایزه در خانه کتاب ارسال کنند. دبیر دومین دوره جایزه گام اول جواد محقق است.

نویسندگان نوقلمی که کتاب هایشان در سال ۸۶ منتشر شده، می توانند آثارشان را تا سوم مرداد ماه سال جاری به دبیرخانه دومین جایزه گام اول ارسال کنند.

جایزه گام اول امسال نیز چون دوره قبل در چهار بخش شعر و داستان کوتاه بزرگسال و شعر و داستان

# تألیف کتاب‌های درسی جدید برای سال تحصیلی آینده



هشت عنوان کتاب جدید در رشته فنی و حرفه‌ای، ۹ کتاب در رشته نظری و هشت عنوان کتاب جدید در کار و دانش تألیف و در سال تحصیلی ۸۸-۸۷ در کلاس‌های درس تدریس می‌شوند.

رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش هفته گذشته در نشست خبری با اعلام این مطلب گفت: «در رشته‌های فنی حرفه‌ای ۹ جلد کتاب تغییرات کلی داشته و هشت عنوان نیز جدید تألیف هستند. در عین حال ۱۱۱ عنوان کتاب نیز دارای تغییرات جزئی هستند».

بهرام محمدیان، همچنین از وجود ۹ عنوان کتاب جدید تألیف در حوزه نظری خبر داد و افزود: «کتاب فارسی اول راهنمایی، برنامه درسی هنر دوره راهنمایی، ریاضی سال اول متوسطه و آموزش قرآن کریم سوم ابتدایی از جمله این کتاب‌ها هستند».

وی از انتشار نرم‌افزارهایی همراه با کتاب جدید ریاضی سال اول دبیرستان در سال تحصیلی جدید خبر داد و افزود: «انتشار نرم‌افزار به همراه کتاب برای اولین بار در نظام آموزشی منتشر می‌شود و در صورت استقبال دانش‌آموزان از این طرح در سراسر کشور، لوح فشرده کتاب‌های دیگر نیز منتشر می‌شود».

معاون وزیر آموزش و پرورش خاطرنشان کرد: اولویت نخست مادر دسترس قرار دادن کتاب است اما اگر برای تمام دانش‌آموزان کشور امکان استفاده

از لوح فشرده وجود داشته باشد، ما نیز به سمت حذف کتاب‌های کاغذی پیش می‌رویم».

وی همچنین از گسترش حلقه مولفان کتاب‌های درسی خبر داد و افزود: «بر اساس برنامه‌ریزی جدید وزارت آموزش و پرورش، ما از صاحب‌نظران، دبیران و کارشناسان برای تألیف کتاب‌های درسی دعوت می‌کنیم».

وی همچنین به تأثیر علایق و سلیقه دانش‌آموزان

در تألیف کتاب‌های درسی جدید اشاره کرد و گفت: «امیدواریم در کتاب‌های جدید علاوه بر بخش دولتی از همکاری بخش خصوصی نیز بهره‌مند شویم».

معاون وزیر آموزش و پرورش خاطر نشان کرد: «بخش مهمی از این تغییرات در کتاب‌های جدید فنی حرفه‌ای اعمال شده است که امیدواریم بازخوردهای مناسب در سال تحصیلی آینده نیز داشته باشد».

## بر اساس سند چشم‌انداز ۲۰ ساله محقق می‌شود

## کتابخانه آستان قدس رضوی، غنی‌ترین کتابخانه جهان اسلام

به گفته قائم مقام تولیت آستان قدس رضوی بر اساس سند چشم‌انداز ۲۰ ساله آستان قدس رضوی، کتابخانه مرکزی این نهاد به غنی‌ترین، بزرگ‌ترین و با شکوه‌ترین کتابخانه جهان اسلام تبدیل می‌شود.

سید احمد علوی در بازدید سه ساعته از بخش‌های مختلف کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی افزود: «در حال حاضر این مرکز مطالعاتی و پژوهشی به عنوان یکی از مراکز مهم و پر مخاطب کشور مطرح است و کمتر بازدیدکننده‌ای است که مجذوب و مسحور منابع خطی و نفایس ارزشمند آن نشود».

وی در بازدید از بخش فیلم‌تک با تأکید بر اینکه منابع و نفایس خطی این مجموعه باید به دیجیتال تبدیل شود تا به اصل آنها صدمه وارد نشود گفت: «خوشبختانه طبق گزارش‌های ارائه شده، تاکنون بیش از نیمی از ۸۰ هزار نسخه از نفایس خطی موجود به میکروفیلم تبدیل شده و بقیه آنها نیز در دست اقدام است به همین خاطر برای تبدیل این میکروفیلم‌ها به دیجیتال و سی‌دی، مجهز شدن به آخرین فناوری دنیا از جمله دستگاه آرشو رایتر باید به سرعت دنبال شود».

علوی در بازدید از مخزن نسخ چاپی ضمن بررسی وضعیت نور، دما، رطوبت، فیلتراسیون و گردش هوا از قرآن‌های منسوب به ائمه معصومین (ع) و سایر مصحف‌های شریف، نسخ خطی اهدایی رهبر معظم انقلاب و تعدادی از ۳۸ هزار جلد کتاب موجود در این مخزن که از قرن پنجم هجری تاکنون نگهداری می‌شود، دیدار کرد.

همچنین محمد هادی زاهدی، رئیس سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مراکز اسناد آستان قدس رضوی نیز در ادامه این بازدید اظهار داشت: «استراتژی ما، توسعه دیجیتالی و حضور فعال در فضای سایبر است».

کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی دارای بیش از ۹۰ هزار عضو بوده و روزانه بیش از پنج هزار مراجعه‌کننده دارد.

### نسخه‌های خطی در اختیار پژوهشگران

نسخه‌های خطی مرکز اسناد آستان قدس رضوی وقفی است و این مرکز تا جایی که امکان دارد تصویر نسخه‌های خطی را در اختیار محققان و پژوهشگران قرار می‌دهد.

سیدمحمدرضا فاضل هاشمی، رئیس اداره مخطوطات سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی با بیان این مطلب گفت: «محققان با مراجعه به فهرس و وب‌سایت در پایگاه اطلاعاتی سیم‌رغ، می‌توانند نسخه‌های خطی مورد نظر خود را جست‌وجو و در جلسه‌هایی که هر هفته در سازمان کتابخانه‌های آستان قدس رضوی برگزار می‌شود، مورد درخواستی خود را مطرح کنند».

وی افزود: «بعد از برگزاری جلسات و تصمیم‌نهایی، ما به درخواست پژوهشگران و نسخه‌پژوهان پاسخ داده و آنها را به بخش میکروفیلم ارجاع می‌دهیم؛ سپس تصویر نسخه‌های خطی در قالب لوح فشرده به آنها تحویل داده می‌شود».

این نسخه‌پژوه یادآور شد: «بعضی از نسخه‌های خطی، عادی و معمولی اند و این موارد درخواستی از سوی پژوهشگران سریعا به بخش میکروفیلم ارجاع داده می‌شود ولی بخشی از نسخه‌های خطی، نفیس و دارای تذهیب رنگی و متعلق به قرن ۵ و ۶ هجری قمری هستند و به سادگی دچار آسیب دیدگی می‌شوند؛ از این رو این نسخه‌ها با امکانات خاصی نگهداری می‌شوند و نمی‌توان آن را در اختیار محققان و پژوهشگران قرار داد».

## آغاز ساخت کتابخانه مرکزی بندرعباس

لنگه به زمین می‌نشیند».

به گفته این مقام مسئول، تا پایان سال ۱۳۸۸ با افتتاح سه کتابخانه جدید، سرانه فضای کتابخانه‌ای این استان به دو متر و تعداد کتابخانه‌ها به ۸۲ باب افزایش می‌یابد.

پوراشراف توضیح داد: «از سه کتابخانه جدید که تا پایان برنامه چهارم توسعه به بهره‌برداری می‌رسند، کتابخانه‌های میناب و پارسیان هر یک ۸۰۰ متر مربع زیربنا خواهند داشت و کتابخانه عمومی قشم که با همکاری سازمان منطقه آزاد ساخته می‌شود، یک هزار و ۶۰۰ متر مربع زیربنا به خود اختصاص می‌دهد».

با تخصیص ۴۰ میلیارد ریال اعتبار در دومین سفر ریاست جمهوری به استان هرمزگان، به زودی عملیات ساخت کتابخانه مرکزی بندرعباس آغاز می‌شود.

مدیرکل امور کتابخانه‌های عمومی استان هرمزگان، با اعلام این خبر اظهار داشت: «با همکاری سازمان مسکن و شهرسازی استان، مقدمات تحویل زمین این کتابخانه فراهم شده و پس از تعیین نهایی زمین، عملیات ساخت آغاز می‌شود».

بهرام پوراشراف، همچنین افزود: «تا پایان تیرماه کلنگ ساخت اولین کتابخانه در شهرهای هرمز و

## ۱۵۰ میلیارد ریال اعتبار برای بن الکترونیک خرید کتاب

مبلغ ۱۵۵ میلیارد و ۳۸۶ میلیون و ۳۷۷ هزار و ۷۰۷ ریال، از آغاز اجرای طرح کارت‌های الکترونیک خرید کتاب تاکنون شارژ شده است. براساس گزارش واحد بن الکترونیک خانه کتاب تاکنون تعداد اسامی ارسال شده به ادارات کتاب از سوی دانشگاه‌ها، سازمان‌ها و ادارات ۶۶۱ هزار و ۲۶۰ نفر بوده که از این تعداد برای ۲۵۶ هزار و ۱۵۱ نفر کارت صادر شده است. تعداد ۵ هزار و ۱۰۹ عنوان از اسامی باقیمانده به نهاد کتابخانه‌های عمومی و اداره ارشاد استان تهران مربوط است که به دلیل اشکال در اطلاعات ارسالی یا تکرار نام، هنوز کارت خرید کتاب برایشان صادر نشده است.

براساس این گزارش این واحد به دارندگان ۱۱۰۰ کارت که با مشکل سوختن و مفقود شدن کارت یا فراموش کردن رمز رو به رو بودند نیز خدمات خود را ارائه کرده است.

همچنین، در این آمار آمده است: «مقادیر کل تراکنش‌هایی که با کارت الکترونیک خرید کتاب از ۳۱ فروردین تا ۱۸ خرداد انجام شده برابر با ۱۸ میلیارد و ۵۹۸ میلیون و ۶۱۵ هزار و ۹۵۳ ریال بوده است».

در همین تاریخ تعداد کل تراکنش‌های انجام شده با کارت‌های خرید کتاب ۱۸۴ هزار و ۹۰۲ مورد بوده است.

## ۳۰ هزار نمایشگاه کتاب

### در ۳۰ هزار مدرسه

موسسه فرهنگی منادی تربیت وابسته به معاونت پرورشی و تربیت بدنی وزارت آموزش و پرورش از ناشران سراسر کشور دعوت کرده است تا با آثار و تالیفات خود در طرح ۳۰ هزار نمایشگاه کتاب در ۳۰ هزار مدرسه شرکت کنند.

طرح ۳۰ هزار نمایشگاه کتاب در ۳۰ هزار مدرسه در سال نوآوری و شکوفایی همزمان با هفته کتاب در ۷۰ منطقه آموزش و پرورش کشور برگزار می‌شود. ناشران می‌توانند برای شرکت در این طرح ملی و دریافت فرم ثبت‌نام همراه با دو جلد کتاب از هر عنوان به موسسه فرهنگی منادی تربیت واقع در خیابان استاد نجات‌اللهی، کوچه بیمه، پلاک ۵۰ (دبیرخانه) مراجعه کنند.

بر اساس این فراخوان، ایام مراجعه ناشران به ترتیب حروف الفبا از هشتم تا بیستم تیرماه «الف تا ژ» و بیست و دوم تیرماه تا هشتم مردادماه «س تا ی» از ساعت ۸ صبح الی ۱۶ بعدازظهر به جز ایام تعطیل پیش‌بینی شده است.

بنابراین گزارش کتاب‌هایی می‌توانند در این طرح شرکت داده شوند که متناسب با نیازهای دانش‌آموزان بوده و تاریخ نشر آنها از سال ۸۴ به بعد باشد.

ناشران می‌توانند برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن‌های ۸۸۸۰۹۷۸۷ و ۸۸۸۹۴۲۹۱ معاونت بازرگانی تماس بگیرند.

انتشارات الهام منتشر کرد

# ایمان درمانی

آیه: دکتر نصرالله حکمت

خ انقلاب - خ دوازدهم فروردین

خ وحید نظری - پلاک ۲۳۴

۶۶۴۶۸۰۱۰

## جشنواره کتابخانه‌های خانگی برگزیدگان خود را شناخت

مراسم اختتامیه دومین جشنواره کتابخانه‌های خانگی هفته گذشته با حضور دست‌اندرکاران ادبیات کودک و نوجوان در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان برگزار شد.

در ابتدای این مراسم شهرام اقبال زاده دبیر انجمن نویسندگان کودک و نوجوان گفت: «خوشحالم که دومین جشنواره کتابخانه‌های خانگی از سوی نهادی مدنی با نام انجمن نویسندگان کودک و نوجوان برگزار شد. این جشنواره می‌تواند در ردیف مردمی‌ترین جشنواره‌ها و در راستای ترویج کتابخوانی به شمار رود.»

وی افزود: «برگزیدگانی که در این جشنواره حضور دارند در واقع افرادی هستند که با موانع طبع و بضاعت‌های شخصی کتابخانه‌هایی را در جهت رشد و نمو مقوله کتابخوانی فراهم کرده‌اند و انجمن نویسندگان کودک همواره از جریاناتی از این دست حمایت می‌کند.»

اقبال زاده تصریح کرد: «هیئت مدیره انجمن نویسندگان کودک، مدیر عامل خانه کتاب، دکتر محسن پرویز معاونت فرهنگی وزارت ارشاد و محسن چینی فروشان مدیرعامل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان نیز در شکل‌گیری دومین جشنواره کتابخانه‌های خانگی نقش عمده‌ای داشتند.»

در ادامه مراسم، دبیر جشنواره ضمن ارائه گزارشی درباره عملکرد جشنواره گفت: «خوشحالم که فرصت دوباره‌ای دست داد تا این جشنواره به همت و پایبندی انجمن نویسندگان برگزار شود.»

علی خاکبازان افزود: «در دومین جشنواره کتابخانه‌های خانگی ۷۳ نفر از سراسر کشور شرکت شدند اما اولویت ما در این جشنواره به شرکت‌کنندگانی که از نقاط دور افتاده و روستاهای محروم بودند تعلق داشت.»

وی افزود: «این آثار در سه دوره مورد داوری قرار گرفتند و از میان آنها ۱۰ نفر از شهرستان‌های مختلف انتخاب شدند.»

در ادامه مراسم مدیر عامل خانه کتاب با اشاره به اینکه برگزاری جشنواره کتابخانه‌های خانگی یک حرکت مردمی است گفت: «به همت دست‌اندرکاران و دلسوزان این عرصه، طی سال‌های اخیر شاهد فعالیت‌های خوب و گام‌های بلندی در جهت کتابخوانی بوده‌ایم و برگزاری جشنواره کتابخانه‌های خانگی تجلی خوب و مصداق کاملی از این جریان است.»

علی شجاعی صائین افزود: «امیدوارم این جشنواره هر سال با افزایش شمار کتابخانه‌های خانگی به پیداکردن جایگاه حقیقی کتاب بینجامد و ما در آینده‌ای نزدیک بتوانیم به جامعه‌ای مملو از شاعران و نویسندگان تاثیرگذار افتخار کنیم.»

محمد حسن شهرنمایی از آباء، سید علی آصفی از قزوین، حجت‌الله حسن زاده از خرم‌آباد، رحیم میکائیل پور از تبریز، پیمان پور ایوبی از مرند، اصغر رجبی از زنجان، فریدون شایسته از رشت، عقیل زروق از محمودآباد، سید قاسم موسوی از ابهر و مسعود محمودی از ایلام نفرات برگزیده دومین جشنواره کتابخانه‌های خانگی بودند که مورد تقدیر قرار گرفتند.

در پایان این مراسم مدیر عامل خانه کتاب اعلام کرد به هر برگزیده مبلغ یک میلیون ریال بن کتاب داده می‌شود. همچنین مهدی باقری نیز از سوی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان اعلام کرد به هر برنده ۲۰۰ عنوان کتاب از سوی کانون اهدا خواهد شد.

# تفاهم کتابخانه‌های ملی ایران و چک



رؤسای کتابخانه‌های ملی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری چک برای توسعه روابط کتابخانه‌ای تفاهمنامه همکاری امضا کردند.

این یادداشت تفاهم در پی سفر علی اکبر اشعری، رئیس کتابخانه ملی ایران به کشور چک صورت گرفته است.

این تفاهمنامه هفته گذشته در محل کتابخانه ملی جمهوری چک در پراگ بین علی اکبر اشعری و ولاستمیل یژک، رئیس کتابخانه ملی این کشور امضا شد.

در این تفاهمنامه مقرر شده که دو طرف به مبادله کتاب و سایر منابع کتابخانه‌ای و آرشیوی بپردازند. همچنین دو طرف نسبت به معرفی و برگزاری دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی و سخنرانی و بازدیدهای علمی مرتبط با فعالیت‌های مشترک خود به طرف مقابل اقدام خواهند کرد.

بنابراین تفاهمنامه دو طرف نسبت به بررسی ذخایر سازمان خود و جست‌وجو در اسناد و کتبی که به نحوی مرتبط با کشور طرف مقابل است، به میزان مورد توافق طرفین اقدام و نسخه، تصویر یا هر شکل دیگر از آن را به کتابخانه طرف مقابل ارسال خواهند کرد.

دو طرف در زمینه پژوهش در موضوعات مشترک علمی کتابداری، اطلاع‌رسانی و آرشیو و همچنین توسعه همکاری‌ها در خصوص سایر موضوعات مورد علاقه همکاری خواهند کرد.

دو طرف در زمینه حفاظت و دیجیتالی کردن مواد کتابخانه‌ای و آرشیوی با تبادل اطلاعات و خدمات فنی یکدیگر را یاری خواهند کرد.

دو طرف به منظور انتشار مقاله در زمینه علوم کتابداری، اطلاع‌رسانی، آرشیوی و سایر موضوعات مورد علاقه در نشریات همدیگر همکاری خواهند داشت.

در این تفاهمنامه آمده است که دو طرف به منظور مبادله فناوری در حوزه کتابداری، اطلاع‌رسانی و آرشیو از تجربیات یکدیگر استفاده خواهند کرد.

هر دو کتابخانه به اشتراک گذاری منابع دیجیتالی خود می‌پردازند. در عین حال قرار است که دو طرف در زمینه پروژه کتابخانه دیجیتال نسخ خطی با یکدیگر همکاری کنند.

دو کتابخانه ملی ایران و چک به منظور آشنایی

محققان و پژوهشگران با نحوه فعالیت، خدمات‌دهی و ظرفیت‌های طرف مقابل نسبت به برگزاری نمایشگاه در کشور طرف مقابل اقدام خواهند کرد. دو طرف به منظور افزایش سطح آگاهی و آشنایی بیشتر افکار عمومی نسبت به فعالیت‌های فرهنگی و علمی متعهد شده‌اند نسبت به استفاده از ظرفیت‌های رسانه‌ای خود از قبیل درج گزارش از فعالیت‌های طرف مقابل در یکی از جراید کثیرالانتشار و پرتیراژ و یا یکی از رسانه‌های سراسری خود و با دعوت از نمایندگان رسانه‌های گروهی یکدیگر به منظور تهیه گزارش‌های موضوعی اقدام کنند. این یادداشت تفاهم به مدت سه سال معتبر است.

## ترجمه‌های دوباره آثار قدیمی؛ گامی به عقب

علی اصغر حداد ضمن انتقاد از برخی ترجمه‌های دوباره از آثار گذشته گفت: اگر چه رجعت به ترجمه آثار کلاسیک این حسن را دارد که خواننده با دو عینک متفاوت به خواندن آثار می‌پردازد ولی برخی ترجمه‌های جدید یک گام به عقب محسوب می‌شوند. این مترجم با بیان این مطلب افزود: بسیاری از آثار کلاسیک جهانی هنوز به شکل شایسته ترجمه نشده‌اند. مسلم است که بعد از گذشت ۲۰ یا ۳۰ سال نیازمند ترجمه دوباره این متون هستیم.

وی افزود: اصلی‌ترین دلیل ترجمه دوباره آثار کلاسیک این است که زبان در طول زمان دستخوش پاره‌ای تغییرات می‌شود. بنابراین ترجمه به عنوان یک فن و هنر به تبع تغییرات زبانی متحول می‌شود و لازمه این تغییرات همان طور که اشاره کردم روی آوردن به ترجمه دوباره متون ادبی است که سال‌ها پیش به وسیله دیگر مترجمان به فارسی برگردانده شده است.

این مترجم در ادامه خاطر نشان کرد: «به عنوان مثال کتاب «رنج‌های ورتر جوان» ۷۰ سال پیش به وسیله نصرالله فلسفی از فرانسه به فارسی ترجمه شد. در آن سال‌ها اوضاع ترجمه به این شکل بود که مترجم عقاید خود را هم به خورد اثر می‌داد. البته صرف نظر از این نقیصه، ترجمه نصرالله فلسفی بعد از گذشت این سال‌ها، ترجمه‌ای زیبا و امروزی به شمار می‌رود. اخیراً ترجمه تازه این کتاب را دیده‌ام و متأسفانه باید بگویم که این ترجمه نسبت به کار فلسفی یک گام به عقب محسوب می‌شود.»

علی اصغر حداد با تأکید بر اینکه ترجمه دوباره آثار کلاسیک باید به دست مترجمان درجه یک انجام شود خاطر نشان کرد: «ترجمه ایران طی سه دهه اخیر به خصوص بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تحولات زیادی داشته و اگر چه طی این مدت شاهد ترجمه‌های بد هم بوده‌ایم اما به نظر من روند به لحاظ یکدست بودن، رعایت اصول فارسی و اینکه مترجم کمتر به جرح و تعدیل و تزریق عقاید خود در اثر می‌پردازد، رو به تکامل و پیشرفت بوده است.»

## جایزه کتاب سال شعر جوان؛ آبان ماه



دبیر جایزه کتاب سال شعر جوان از برگزاری این جایزه در آبان ماه خبر داد و گفت: «هم‌اکنون ارائه آثار به دبیرخانه برای شرکت در این رقابت ادامه دارد.»

محمد رضا عبدالملکیان، رئیس دفتر شعر جوان انجمن شاعران ایران افزود: «جایزه کتاب سال شعر جوان امسال با عنوان «قیصر امین پور» برگزار خواهد شد و هم‌اکنون آثار به دبیرخانه ارسال می‌شود و ما هنوز هم منتظر ارسال آثار واجد شرایط هستیم تا بتوانیم این جایزه را در آبان ماه برگزار کنیم.»

وی افزود: «اولین دوره این جایزه دو سال قبل برگزار شد و سال پیش به دلیل برخی مشکلات نتوانستیم آن را برگزار کنیم اما امسال به دلیل حضور قیصر امین پور در دفتر شعر جوان به این نتیجه رسیدیم که جایزه با نام او برگزار شود.»

دبیر جایزه کتاب سال شعر جوان درباره داوری‌ها اظهار داشت: «داوری در دو مرحله مقدماتی و نهایی انجام می‌شود اما هنوز نام داوران قطعی نیست. عبدالملکیان در خصوص جوایز و تعداد برگزیدگان عنوان کرد: «هنوز جوایز معلوم نیست ولی سعی داریم با برخی دستگاه‌ها و نهادهای فرهنگی هماهنگ کنیم تا جوایز آبرومندانه‌تری به برگزیدگان اهدا شود البته تعداد برگزیدگان نیز بستگی به سطح کیفی آثار و نظر داوران دارد.»

رئیس دفتر شعر جوان درباره ضوابط شرکت در این جایزه بیان داشت: «شاعرانی که سقف سنی آنها ۳۰ سال و کتابشان در سال‌های ۸۵ و ۸۶ منتشر شده باشد می‌توانند در این مسابقه شرکت کنند.»

عبدالملکیان از آغاز برنامه‌های دوازدهمین دوره کنگره شعر جوان خبر داد و تصریح کرد: «از اوایل تابستان کار را آغاز می‌کنیم و آثار رسیده در حال بررسی است. قرار است یک برنامه آموزشی مدون یک سال و نیمه اجرا شود که طبق آن اعضای دفتر شعر جوان در تهران هر هفته در برنامه‌های آموزشی شرکت می‌کنند و برای اعضای شهرستانی نیز برنامه‌های آموزشی مکاتبه‌ای خواهیم داشت.»

وی اضافه کرد: «تفاوت جایزه کتاب سال شعر جوان با کنگره شعر جوان در مسابقه‌ای بودن جایزه است.»

عبدالملکیان خاطر نشان کرد: «علاقه‌مندانی که واجد شرایط لازم برای شرکت در جایزه کتاب سال شعر جوان هستند می‌توانند تا نیمه تیرماه آثارشان را در سه نسخه به نشانی خیابان کلاهدوز، نبش خیابان نعمتی، خانه شاعران، دفتر شعر جوان ارسال کنند.»

## کتاب تولید علم ایران منتشر می‌شود

ایرانی در فاصله سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۴ عرضه می‌شود. رئیس مرکز منطقه‌ای اطلاع‌رسانی علوم و فناوری اظهار داشت: «کتاب تولید علم ایران اثربخش‌ترین نشریات علمی دانشگاه‌ها، موسسات پژوهشی و دانشمندان ایرانی را در رشته‌های مختلف موضوعی بر پایه تحلیل‌های استنادی معرفی می‌کند.»

رئیس مرکز منطقه‌ای اطلاع‌رسانی علوم و فناوری از انتشار کتاب تولید علم ایران خبر داد.

دکتر جعفر مهرداد افزود: «برای نخستین بار کتاب تولید علم ایران بر اساس پایگاه استنادی علوم جهان اسلام منتشر می‌شود.»

وی افزود: «در این کتاب تولیدات علمی دانشمندان

# دانشنامه باستان‌شناسی تدوین می‌شود

رئیس پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی از تدوین دانشنامه باستان‌شناسی خبر داد و گفت: قرار است با همکاری کمیته فرهنگ و تمدن شورای عالی انقلاب فرهنگی، نام و زندگی‌نامه مفاخر و مشاهیر ایران در کتاب‌های درسی مقاطع مختلف وارد شود. سیدطه هاشمی هفته گذشته در نشست خبری خود تاکید کرد: تاریخ ایران باید براساس کاوش‌های باستان‌شناسی از سوی محققان و تاریخ‌نویسان تدوین و منتشر شود.

وی افزود: قرار است پژوهشکده فرهنگ و تمدن با همکاری پژوهشکده باستان‌شناسی دانشنامه و تاریخ ایران را آغاز کند.

وی خاطر نشان کرد: پژوهشکده باستان‌شناسی نیز تا چندماه آینده گزارش‌های باستان‌شناسی یکصدسال گذشته را تا پایان منتشر می‌کند.

به گفته هاشمی، تاریخ ایران بسیار پراکنده است و اغلب این تاریخ از سوی باستان‌شناسان یا مورخان خارجی نگاشته شده است. تاریخی که هم‌اکنون از سرزمین ایران وجود دارد بدون پشتوانه کاوش‌های باستان‌شناسی است.

وی افزود: همچنین با همکاری کمیته فرهنگ و تمدن شورای عالی انقلاب فرهنگی، نام و زندگی‌نامه مفاخر و مشاهیر ایران در کتاب‌های درسی مقاطع مختلف تحصیلی راه می‌یابد.

رئیس پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی یادآور شد: فهرست ۱۵۰۰ نفر از مفاخر و مشاهیر ایران در سه سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی تهیه شده و



هم‌اکنون کارشناسان مشغول جمع‌آوری زندگی‌نامه و آثار این بزرگان هستند تا این اطلاعات را به یونسکو ارائه دهند.

وی به وارد کردن مباحث فرهنگی و تمدنی به کتاب‌های درسی اشاره کرد و گفت: قرار است با همکاری کمیته فرهنگ و تمدن شورای عالی انقلاب فرهنگی، نام و زندگی‌نامه مفاخر و مشاهیر ایران در کتاب‌های درسی مقاطع مختلف وارد شود.

وی افزود: ما در این پژوهشگاه درصددیم بزرگداشتی برای این مفاخر یا مشاهیر در مکان تولد یا

## برگزاری ششمین نمایشگاه کتاب‌های کاربردی و دانشگاهی



ششمین نمایشگاه کتاب‌های کاربردی و دانشگاهی ۱۹ تا ۲۳ آبان ماه در مرکز آفرینش‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان برگزار می‌شود.

علیرضا ربانی، مدیرانجمن ناشران بین‌المللی با بیان این مطلب اظهار داشت: مراحل ثبت نام برای شرکت در این نمایشگاه از اوایل شهریور ماه آغاز می‌شود و ناشران و موزعان می‌توانند با ارائه فهرست کتاب‌های جدید خود، در این نمایشگاه شرکت کنند. وی ادامه داد: امسال نیز پیش‌بینی می‌شود حدود ۵۰۰ ناشر بین‌المللی از کشورهای مختلف جهان در این نمایشگاه حضور داشته پیدا کنند.

ربانی یادآور شد: در نظر داریم امسال مراسم افتتاحیه را با حضور یکی از مسئولان فرهنگی کشور برپا کنیم. ششمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب کاربردی و دانشگاهی توسط انجمن ناشران بین‌المللی و با همکاری صندوق رفاه دانشجویان در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری برگزار خواهد شد.

## مهدی چمران از برادر می‌نویسد

رئیس شورای اسلامی شهر تهران در نشست مطبوعاتی بنیاد شهید چمران گفت: مدتی است با تحقیقات و مصاحبه با نزدیکان شهید مصطفی چمران، در حال نگارش کتابی درباره زندگی شخصی و خصوصیات اخلاقی ایشان هستم. مهدی چمران با بیان این مطلب افزود: ۳۱ خردادماه سالروز شهادت دکتر مصطفی چمران، سردار با خلوص، با تقوا، با تواضع و فروتن است. هر جامعه برای شناخت هویت ملی و تاریخ ملتش نیاز دارد با اسطوره‌های حماسه‌ساز آشنا شود. وی ادامه داد: شهید چمران، یکی از اسطوره‌سازان تاریخ ملت ماست که روایت از داستان زندگی و نبردهای او در عملیات‌های مختلف می‌تواند الگوی مناسبی برای نسل جوان باشد.

چمران خاطر نشان کرد: افراد زیادی چون علما، عرفا، دانشمندان، سرداران و سیاستمداران بزرگ می‌توانند برای جامعه و جوانان الگو قرار گیرند. اما در جامعه ما فردی با تخصص در فیزیک پلاسما که در جهان شناخته شده است، بر می‌خیزد که دارای عرفان، تدبیر، سیاست و مدیریت ورزم آور است. وی گفت: امام خمینی (ره) همیشه الگوهایی را به ما نشان می‌دادند، به طور مثال برای نوجوانان و جوانان آن رهبر ۱۳ ساله (شهید حسین فهمیده) را مثال می‌زدند و درباره شهید چمران فرمودند: ایشان الگوی ارزنده‌ای برای جامعه است و باید مانند چمران بمیریم.

## تبادل نسخه‌های خطی ایران و هند

مصطفی رحماندوست شاعر و نویسنده در بازگشت از سفر هند و شرکت در همایش‌های ادبیات فارسی در دانشگاه‌های دهلی و جواهر لعل نهرو بیان داشت: بنا شده است که آن دسته از نسخ خطی که به صورت دیجیتال درآمده یا در خواهد آمد بین ایران و هند تبادل شود تا استفاده از این نسخ برای دانشجویان و پژوهشگران هر دو کشور راحت شود.

وی ادامه داد: ملاقات با دانشجویان و استادان دانشگاه‌های دهلی و جواهر لعل نهرو در خصوص بازآموزی زبان فارسی از دیگر برنامه‌هایی بود که در این سفر انجام پذیرفت.

این نویسنده کودک و نوجوان اظهار داشت: از این پس قرار شده که تعامل سازنده و مستحکم‌تری بین ایران و هند برای ترجمه آثار ادبی صورت پذیرد. ما در تلاشیم که دانشجویان زبان فارسی را در آن کشور فعال‌تر کرده و نسبت به ترجمه هرچه بیشتر آثار ترغیب کنیم و در مقابل، خودمان هم ترجمه آثار را افزایش دهیم. وی افزود: حوزه تخصصی من کتاب کودک است و قرار شده که کتاب‌های ارزنده را به بخش ترجمه خانه فرهنگ ایران در هند بفرستیم و مترجمان پس از ریزنی با مولف و ناشر، این آثار را ترجمه کنند.

## اطلاع‌رسانی و اطلاع‌رسانی منتشر شد



آخرین شماره ماهنامه دوزبانه اطلاع‌رسانی و اطلاع‌رسانی که در حال حاضر تنها نشریه بخش خصوصی در حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی است به مدیریت مسئولی مهرداد جان‌نثار حسینی و سردبیری حسین حسینی نثار روی پیشخوان قرار گرفت.

در این شماره از این ماهنامه مطالبی نظیر الگوی پیشنهادی برای نگارش مقالات علمی-پژوهشی، مراحل ایجاد کتابخانه دیجیتال و فناوری‌های آن، پایه و اساس وب‌سنجی، نگاهی به آموزش کتابداری در ترکیه و... از پژوهشگرانی چون منصوره دمیرچی لو، سیدیه فهمی فر... به چشم می‌خورد. گفتنی است ششمین شماره از دومین سال انتشار ماهنامه اطلاع‌رسانی و اطلاع‌رسانی به قیمت ده هزار ریال منتشر شده است.

مجموعه‌ی آشنایی با زبان‌شناسی

کورش صفوی

نشر پژواک کیوان منتشر کرد

آدرس: خیابان انقلاب، فرسیده، به میدان فردوسی، کوی پارس  
کوی جهانگیری، شماره ۱۵، مجتمع پاساژ واحد ۷، غربی  
تلفن: ۰۲۱-۶۶۷۴۳۱۹-۴ | فکس: ۶۶۷۴۳۱۸-۴

انتشارات گل آذین

دیوان خواجه شمس الدین محمد حافظ شیرازی به نام تمام محمد قزوینی و دکتر قاسم غنی از کتاب دیوان حافظ کتابخانه محققان که در سال ۱۳۲۰ به چاپ رسیده. تقویم شده و مشتمل بر ۱۳۰ صفحه مقدمه محمد قزوینی است.

آدرس: تهران، خیابان انقلاب، پلاک ۱۱۲، واحد ۲  
تلفن: ۰۲۱-۶۶۹۷۰۸۱۶-۷

نشر هاتف

قرآن‌های ۱۲۰ پارچه، ۶۰ پارچه، ۲۰ پارچه

جهت کار وقت به همراه انجام کار وقتی

آدرس نشر: تهران، خیابان انقلاب - خیابان ۱۲ فروردین، کوچه بیست و آیین - پلاک ۷  
تلفن: ۰۲۱-۶۶۹۶۲۹۰۵۹، ۰۲۱-۶۶۹۶۲۹۰۵۴



چهارمین دوره کتاب فصل برگزیدگان خود را شناخت

# هوای بهاری کتاب های زمستان



مراسم پایانی چهارمین دوره جایزه کتاب فصل - ویژه زمستان ۸۶ - یکشنبه ۲۶ خرداد ماه در سرای اهل قلم برگزار شد.

در ابتدای این نشست که با حضور دکتر محسن پرویز معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، علی شجاعی صائین، مدیر عامل موسسه خانه کتاب و جمعی از اهالی قلم برگزار شد، علی شجاعی صائین ضمن خوشامدگویی به حاضران گفت: یکی از افتخارات خانه کتاب برگزاری کتاب فصل است و ما برای بالا بردن سطح کیفی این مراسم همواره کوشیده ایم.

وی افزود: آن شاء الله داوری های مابه صواب بوده و کتاب های شایسته را به اهالی فرهنگ معرفی کرده ایم. امیدوارم کار دبیر خانه کتاب فصل مورد نقادی قرار گیرد تا در دوره های بعدی کتاب فصل، با بهره گیری از این رهنمودها، از کاستی ها فاصله بگیریم.

سپس دکتر احد فرامرز قراملکی مصحح کتاب تحفة السلاطین که در بخش تصحیح گروه فلسفه و روان شناسی چهارمین دوره جایزه کتاب فصل به عنوان اثر برگزیده شناخته شد، طی سخنانی خاطر نشان کرد: در عرصه نوشتن، سه حوزه پژوهش، ترجمه و تألیف وجود دارد که در این سه عرصه، سه مقوله اشتغال، شغل و حرفه را باید از هم جدا کرد. عده ای اشتغالشان، قلم زدن است و عده ای دیگر، شغل شان قلم زدن است؛ اما حرفه تألیف، تصحیح و ترجمه، رمز و راز توسعه کشور است. در این راه برگزیدن کسانی که زندگی شان را به تحقیق و پژوهش می گذرانند، گامی بسیار مهم است.

قراملکی افزود: امیدوارم در سال نوآوری و شکوفایی، مدیران بتوانند پژوهش را از شغل به حرفه ارتقا بخشند.

وی درباره تصحیح نیز گفت: بخش مهمی از میراث ما، میراث فرهنگی است و بخشی از ظلم تاریخی که بر ما رفته، به خاطر نادیده گرفتن نسخ خطی بوده است. در حرفه تصحیح منطق، دانسته یا نادانسته، جاهلانه یا عامدانه، میراث علمی ما را در فلسفه و منطق، عربی دانسته اند و چون ما سکوت کرده ایم، حتی آب و خاک ما را می خواهند با اسم جعلی ببندارند. اینکه ما سکوت کردیم، سکوت قلم ماست. اگر ما آثاری را که در فرهنگ مان است، زنده کنیم، بخشی از هویت ایرانی - اسلامی خود را زنده کرده ایم.

قراملکی افزود: توجه به نسخ خطی بوی حصرگرایی نمی دهد. نیازهای امروز ما هم جای خود را دارد اما تصحیح نسخ خطی در بعضی از حوزه ها مورد غفلت قرار گرفته و میزان تصحیحی که از آثار حوزه منطق شده است، به هیچ عنوان کافی نیست. یعنی ما در عرصه منطق و به ویژه اخلاق حرفه ای هنوز آثار گرانقدر خود را به شیوه ای منقح به دست چاپ نسپردیم.

او با انتقاد از سکوت جوامع فرهنگی در قبال این اتفاق گفت: ما باید سکوت قلم را بشکنیم و اگر بتوانیم آثاری را که در علوم مختلف و فرهنگ گذشته ما بالنده شد، به علمی ترین روش تصحیح کنیم، بخشی از هویت ایرانی اسلامی خود را احیا کرده ایم؛ اما در این زمینه سکوت کرده ایم تا جایی

این جشنواره بیست و پنجمین دوره جایزه کتاب سال را هم بر عهده داشت - به ارائه بیانیه هیات داوران پرداخت.

در بخشی از این بیانیه آمده بود: اینکه بشر با امکانات و تجهیزات بسیار پیشرفته امروزی و گستره جادویی تالیف الکترونیک یا کتاب الکترونیک از تالیف و تحریر سنتی احساس بی نیازی کند، امری قریب به محال است. با رویکرد به تالیف الکترونیک دجار همسان سازی در خط می شویم که این برای فرهنگ و هنر نوعی خسران است.

اکبری در بخش دیگری از این بیانیه گفت: ایران هنوز هم یکی از غنی ترین کشورها از جهت منابع و آثار خطی است و البته گذشته گرایی وقتی مفید خواهد بود که ما را برای حرکت سریع به سوی آینده ای امیدبخش یاری کند. اگر چه نمی توان با تخصیص مبلغ مختصر یا هدایایی اندک از شأن واقعی و جایگاه سترگ اصحاب قلم اعم از مؤلف، مترجم، مصحح و مصنف تقدیر کرد، اما به مصداق سخن بلند آیت الله شهید بهشتی که بهشت را به بها دهند نه به بهانه این مراسم راه بهانه ای می دانیم تا با تشکیل حلقه پر مهر و کانون محبتی که در پایان هر فصل فراهم می آید، چشم و دلمان را به وجود پربرکت برگزیدگان روشن و با بضاعت خویش از آنان تقدیر کنیم.

وی افزود: در برگزاری چهار دوره جایزه کتاب فصل، به تجربه های بزرگی دست یافتیم که بی تردید برای ادامه راه سرمایه ای گرانقدر است. اگر چه شرح سختی های داوری آن هم در حد کمال، صعب سخن و دشوار کاری است، اما امیدمان به همت والا و عالی سروران به خصوص دانشی مردانی است که به کاستی ها با عین عفو و کرامت بنگرند و این توقع از اصحاب قلم و فکر و کتابت توقعی بیجا نیست.

اشتیباهات لغتنامه دهخدا هم حل می شود. وی افزود: این فرهنگ در قرن نهم توسط ابراهیم قوام فاروقی، بر اساس واژه های دشوار شعری نوشته شده است و مثال های شعری دارد و به همین دلیل بخشی هم درباره بحور عروضی به آن افزوده است. در پایان برخی از بخش ها واژگان ترکی را هم آورده و مترادفات واژه ها را هم در برمی گیرد. ضمن اینکه چون در آن روزگار کتاب های دستور زبان فارسی مستقل نبوده اند، خلاصه ای از دستور زبان فارسی را هم در خود جای داده است.

دبیران درباره دیگر ویژگی های فرهنگ ابراهیمی گفت: فاروقی در این کتاب از شعرای زیادی با نام نیک یاد کرده است و عفت کلام و رعایت حرمت قلم در کار او مشهود است.

دکتر فیروز زوزی جلالی نویسنده کتاب قاعده بازی که در بخش نثر معاصر در حوزه ادبیات، عنوان برگزیده چهارمین دوره کتاب فصل را از آن خود کرده بود نیز طی سخنانی اظهار داشت: ادبیات داستانی امروز ما، درگیر کلی گویی است. از همه چیز می گوئیم و از هیچ چیز نمی گوئیم؛ اما ادبیات دنیا، ادبیات تجزیه و تحلیل است. نویسنده یک حرف کلی و جهانشمول دارد و دالان های روح بشر را درمی نوردد. اینکه گفته می شود، ادبیات وسیله ای برای سرگرمی است، تعریف عامی است. نویسنده باید بتواند لایه های روح بشر را بشکافد.

وی سپس درباره رمان خود گفت: قاعده بازی جزو ادبیات اعترافی است و ادبایاتی که قصد اعتراف داشته باشد، پلشتی ها را هم بازمی نمایاند.

## گزارش عملکرد از زبان دبیر علمی

در بخش دیگر این مراسم، دکتر منوچهر اکبری دبیر جایزه کتاب فصل - که دبیری سه دوره پیشین

که دیگران می خواهند آب و خاک ما را براندازند و اسمی جعلی برای آن برگزینند.

سپس دکتر حکیمه دبیران مصحح کتاب شرفنامه منیری یا فرهنگ ابراهیمی که در بخش تصحیح متون قدیم و در حوزه ادبیات به عنوان اثر برگزیده شناخته شده بود، ضمن اشاره به سنگین بودن مسئولیت انتخاب آثار برگزیده گفت: از سی سال پیش که شوق تحقیق درباره فرهنگ لغت در من بیدار شد، با راهنمایی های شادروان دکتر سید جعفر شهیدی به اهمیت کار فرهنگ نویسی در شبه قاره پی بردم. دکتر شهیدی درباره شرفنامه منیری یا فرهنگ ابراهیمی می فرمودند که جای تصحیح منقحی از این اثر در میان فرهنگ های موجود بسیار خالی است.

وی افزود: شادروان دکتر محمد معین درباره اهمیت فرهنگ نویسی در شبه قاره گفته اند که از میان ۲۵۰ فرهنگ فارسی که تا کنون نوشته شده، ۲۰۰ فرهنگ در شبه قاره نوشته شده و ۵۰ فرهنگ دیگر هم با استفاده از همان فرهنگ ها نوشته شده است.

وی در بخش دیگری از سخنان خود گفت: فرهنگ نویسی در ایران کار جدیدی به حساب می آید و با توجه به تحول زبان و تخصصی شدن واژه ها، باید شتاب بیشتری به خود بگیرد. فرهنگستانی ها و کسانی که در تدوین فرهنگ ها دستی دارند، باید با همفکری این کار را تداوم بخشند.

دبیران درباره مزایای فرهنگ انتشار یافته گفت: این فرهنگ یکی از منابع مهم علامه دهخدا در نوشتن لغت نامه بوده است اما چون فقط یک نسخه از آن در دست مرحوم دهخدا بوده، برخی مشکلات را وارد لغت نامه کرده است. بنابراین با وجود این تصحیح و ضبط اختلاف نسخ، برخی

وی درباره داوران کتاب فصل نیز گفت: آرزوهای کتاب‌ها از سوی نزدیک به ۲۵۰ تن از اندیشمندان و صاحب‌نظران حوزه‌های علمیه، دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی نظیر دانشگاه‌های شهید بهشتی، تهران، تربیت مدرس، تربیت معلم، شیراز، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دانشگاه آزاد اسلامی و همچنین اعضای هیات علمی دایرةالمعارف‌ها و مؤسسات پژوهشی از جمله انجمن حکمت و فلسفه، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، دانشنامه جهان اسلام و ... انجام شده است.

اکبری درباره داوری این جشنواره نیز گفت: در این دوره تمام آثار در موضوعات یازده گانه داوری شد. ضمن اینکه در هر دوره از جایزه کتاب فصل، آثاری مورد داوری قرار می‌گیرند که در همان فصل برای نخستین بار چاپ شده باشند و افست و کتاب کمک درسی نباشند.

وی افزود: در چهارمین دوره کتاب فصل از مجموع آثار منتشر شده ای که شرایط یادشده را دارا بودند، ۴۷۲۱ عنوان مورد ارزیابی قرار گرفتند که از این میان ۴۵۵۸ عنوان در مرحله اول حذف و مابقی یعنی ۱۶۳ عنوان به مرحله دوم راه یافتند. اکبری در پایان گفت: باید در برگیره‌های داوری جایزه کتاب فصل و حتی کتاب سال، تجدید نظرهایی انجام شود به این صورت که امتیازهای کتاب فصل را از ۷۰ به ۸۰ امتیاز ارتقا دهیم و کتاب سال را از ۹۰ امتیاز به ۱۰۰ امتیاز برسانیم.

وی همچنین بر این نکته تاکید کرد که داوری آثار بهار ۸۷ از چند روز دیگر آغاز می‌شود.

### معرفی برگزیدگان و اهدای جوایز

در بخش پایانی این مراسم، برگزیدگان جوایز خود را از دستان دکتر محسن پرویز؛ معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دکتر منوچهر اکبری؛ دبیر جشنواره و دکتر کاظم معتمدنژاد؛ پدر علم ارتباطات نوین ایران و یکی از برگزیدگان این دوره کتاب فصل دریافت کردند.

در حوزه کلیات در سه بخش کتابداری، روزنامه نگاری و نسخ‌خطی، سه اثر برگزیده معرفی شد. در بخش کتابداری، کتاب فلسفه کتابداری و اطلاع رسانی تألیف فاطمه رها دوست از نشر کتابدار به عنوان اثر برگزیده معرفی شد و در حوزه‌های روزنامه نگاری و نسخ خطی نیز به ترتیب کتاب‌های اخلاق روزنامه نگاری تألیف کان سنندرز با ترجمه علی اکبر قاضی زاده از انتشارات روزنامه ایران و فهرستواره نسخ خطی: خاتقانه مجیبیه (پنتا هند) (تألیف حجت الاسلام سید صادق حسینی اشکوری از انتشارات مجمع ذخایر اسلامی قم، عنوان اثر برگزیده را از آن خود کردند.

### فلسفه، روان‌شناسی و دین

در حوزه فلسفه و روان‌شناسی در بخش فلسفه اسلامی تالیفی، کتاب در آمدی به نظام حکمت صدرایی، تألیف عبدالرسول عبودیت از انتشارات سمت و در بخش تصحیح کتاب تحفة السلاطین، تألیف محمدبن جابرا نصاری با تصحیح احد فرامرزی قراملکی با همکاری زینت فنی اصل و فرشته مسجدی به عنوان آثار برگزیده معرفی شدند.

در حوزه دین نیز کار داوری آثار در پنج بخش علوم قرآنی، سیره معصومین (ع)، کلام، عرفان و ادیان دیگر انجام شده بود که در حوزه علوم قرآنی و در بخش تالیف کتاب مکاتب تفسیری، تألیف حجت الاسلام علی اکبر بابایی از انتشارات سمت و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه عنوان اثر برگزیده را از آن خود کرد و در بخش ترجمه نیز کتاب اقتباس از قرآن کریم، تألیف ابومنصور عبدالملک بن محمد ثعالبی با ترجمه حسین صابری از انتشارات علمی و فرهنگی به عنوان اثر برگزیده شناخته شد.

در بخش سیره معصومین (ع) نیز کتاب جهاد الشیعه فی العصر العباسی الاول، تألیف سمیره مختار اللیثی با تصحیح و تعلیقات سامی الغیری برگزیده شد. سپس در بخش کلام، کتاب تاریخ و عقاید ماتریدییه تألیف حجت الاسلام سیدلطف‌الله جلالی از مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب برگزیده شد، در بخش عرفان کتاب هستی‌شناسی عرفانی تألیف علی فضلی از نشر ادیان و در بخش ادیان دیگر، کتاب شبیه‌سازی از دیدگاه آیین کاتولیک و اسلام تألیف حجت الاسلام سیدحسن اسلامی از مرکز تحقیقات و مطالعات ادیان و مذاهب به عنوان آثار برگزیده معرفی شدند.

### علوم اجتماعی

در حوزه علوم اجتماعی و در چهار بخش علوم اجتماعی، اقتصاد، حقوق و آموزش و پرورش، هفت اثر برگزیده و معرفی شد. در بخش ترجمه علوم اجتماعی، کتاب شرق‌شناسی تألیف ادوارد سعید با ترجمه لطفعلی خنجی از انتشارات امیرکبیر برگزیده شد. همچنین در بخش اقتصاد دو کتاب در حوزه‌های تالیف و ترجمه انتخاب شد. بازارهای پولی و مالی بین‌المللی تألیف محمدشبنانی از انتشارات سمت و پایان نفت در آستانه جهان پرمخاطره نو تألیف پال رابرتز با ترجمه احمد عظیمی بلوریان از انتشارات نهاد ریاست جمهوری کتاب‌های برگزیده این بخش از حوزه علوم اجتماعی بودند.

همچنین در حوزه حقوق و در بخش تالیف، کتاب حقوق ارتباطات تألیف دکتر کاظم معتمدنژاد و رؤیا معتمدنژاد به عنوان اثر برگزیده شناخته شد و در بخش ترجمه نیز کتاب مالکیت فکری تألیف سرابین جاکوب و دیگران با ترجمه حمید هاشم‌بیگی، عنوان کتاب برگزیده را از آن خود کرد.

در این بخش همچنین در گروه آموزش و پرورش کتاب نوع‌عمل‌گرایی و فلسفه تعلیم و تربیت نوشته خسرو باقری از انتشارات سمت و آموزش و پرورش ناشنویان تألیف داندل اف. مورس با ترجمه بتول اخوی راد و فاطمه لشکری نژاد از انتشارات سمت به عنوان آثار برگزیده معرفی شدند.

در حوزه زبان و در دو بخش زبان فارسی و زبان‌شناسی نیز دو کتاب فرهنگ‌ازبکی به فارسی تألیف محمدحلیم یارقین و شفیقه یارقین از انتشارات سخن در بخش زبان فارسی و کتاب واژه‌های فارسی عربی شده تألیف السیدادی شیر با ترجمه سیدحمید طیبیان از انتشارات امیرکبیر در حوزه زبان‌شناسی برگزیده شد.

### علوم محض و کاربردی

در حوزه علوم محض چهارمین دوره جایزه کتاب فصل، سه کتاب در رشته‌های زیست‌شناسی، زمین‌شناسی و شیمی به عنوان آثار برگزیده معرفی شدند.

در زیست‌شناسی کتاب دانشنامه زیست‌شناسی تألیف و ترجمه آذر میدخت خیراندیش، علی احسان حیدری، مهتاب صادقی حریری و محمدضا فضل‌نیا از بنیاد دانشنامه بزرگ



### مدیرعامل خانه کتاب:

### امیدوارم کار دبیرخانه

### کتاب فصل مورد نقادی قرار

### گیرد تا در دوره‌های بعدی

### کتاب فصل، با بهره‌گیری از

### این رهنمودها، از کاستی‌ها

### فاصله بگیریم

فارسی برگزیده شد و در رشته زمین‌شناسی، کتاب زمین‌شناسی صحرائی در سرزمین‌های گنبدی درجه بالا تألیف سی. دیلیو. پشییر و دیگران، با ترجمه محمدرضا شیخ‌الاسلامی و با همکاری نگار حقی‌پور از انتشارات سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی کشور به عنوان اثر برگزیده معرفی شد و در رشته شیمی نیز کتاب شبیه‌سازی‌های رایانه‌ای: دینامیک مولکولی و مونت کارلو، تألیف سیف‌الله جلیلی از انتشارات دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی به عنوان اثر برگزیده شناخته شد.

اما در حوزه علوم کاربردی و در هفت رشته، هشت کتاب برگزیده معرفی شد.

در رشته مهندسی شیمی کتاب مبانی فناوری امولسیون‌ها، تألیف طلعت قماشچی و زهر اکبری از انتشارات دانشگاه تهران برگزیده شد و در رشته مهندسی عمران و در بخش تالیف، کتاب روش اجزای محدود تألیف ایرج محمودزاده کنی از انتشارات دانشگاه تهران عنوان اثر برگزیده را از آن خود کرد و در رشته‌های مهندسی مکانیک و مهندسی مواد و معدن به ترتیب کتاب‌های مبانی مکانیک سیالات تألیف استریت واترز و ونارد؛ با ترجمه محسن شیرنژاد از انتشارات نوپردازان و روش‌های تفسیر آزمایش‌های فشار در چاه‌های نفت و گاز تألیف صادق قاسمی از انتشارات دانشگاه صنعتی امیرکبیر به عنوان آثار برگزیده معرفی شدند.

در رشته مهندسی کشاورزی نیز دو کتاب در بخش تالیف و ترجمه برگزیده شدند. کتاب زنبوران عسل و زنبورداری تألیف عبدالله پیرایرانی از انتشارات دانشگاه آزاد اردبیل و آمار و طرح‌های آزمایشی در علوم دامی تألیف میروسلاو کیس و ویلیام آر. لمبرسون با ترجمه محمود هنرور، مرتضی مهری و پرویز تاجداری از انتشارات آنا، آثار برگزیده این بخش بودند. دو کتاب ریاضیات گسسته و الگوریتم‌ها تألیف علی بهروز و محمد ایزدی از انتشارات آبیژ و اصول طراحی سیستم‌های میکروالکترومکانیکی و نانوالکترومکانیکی تألیف بهروز لطفی و ولی پروانه از انتشارات سخن گستر مشهد نیز آخرین کتاب‌هایی بودند که در حوزه علوم کاربردی و به ترتیب در رشته‌های کامپیوتر و مهندسی برق به عنوان آثار برگزیده انتخاب شدند.

### هنر

حوزه هنر در رشته‌های هنرهای نمایشی، معماری، هنرهای تجسمی و تربیت بدنی، برگزیدگان خود را شناخت. در بخش هنرهای نمایشی دو اثر به طور مشترک به عنوان آثار برگزیده معرفی شدند.

زاهنمای میان فرهنگی اجرایی بازیگر تألیف جان مارتین با ترجمه بابک تبرایی و جهان عروسکی انیمیشن سه بعدی تألیف پیتر لردو و بریانا سیبیلی با ترجمه اردشیر کشاورزی به ترتیب از انتشارات سمت و نشر قطره آثار برگزیده این رشته بودند.

در رشته معماری نیز دو کتاب طراحی اقلیمی: استراتژی‌های طراحی در معماری تألیف مارک دیکی و جی. زد. براون با ترجمه سعید آقایی و معماری اسلامی در اندلس تألیف ماریانه باوکاند و آخیم بدنورتس با ترجمه فائزه دینی، به ترتیب از انتشارات گنج هنر و فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی، عنوان آثار برگزیده را کسب کردند.

در این حوزه همچنین در رشته‌های تجسمی، کتاب هنر معاصر آفریقا تألیف سیدنی لیتل فیلد کاسفر با ترجمه علیرضا حسینی آبیژ از انتشارات فرهنگستان هنر برگزیده شد و در رشته تربیت بدنی نیز کتاب اصول و مبانی تربیت بدنی و علوم ورزشی تألیف حسن خلجی، عباس بهرام و

سیدمهدی آقاپور از انتشارات سمت، اثر برگزیده معرفی شد.

### ادبیات

حوزه ادبیات در چهار رشته شعر، نثر معاصر، متون قدیم و ادبیات زبان‌های دیگر، چهار اثر برگزیده داشت.

در بخش شعر مجموعه شعر خیابان حصار سروده سیدابوالفضل صمدی از انتشارات سخن گستر مشهد به عنوان اثر برگزیده شناخته شد و در بخش نثر معاصر، رمان قاعده بازی نوشته فیروز زونزی جلالی از نشر علم، به عنوان اثر برگزیده معرفی شد.

در حوزه تصحیح متون قدیم نیز کتاب شرفنامه منیری یا فرهنگ ابراهیمی گردآوری ابراهیم قوام فاروقی با تصحیح و تعلیقات دکتر حکیمه دبیران از انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزیده شد و در بخش ادبیات زبان‌های دیگر نیز کتاب گریز به تاریکی و پنج داستان دیگر نوشته آرتور شنیتسلر با ترجمه نسرين شیخ‌نیا (دانش پژوه) از نشر ماهی به عنوان کتاب برگزیده شناخته شد.

### تاریخ و جغرافیا

در حوزه تاریخ و جغرافیا اثر تالیف و تصحیح، به عنوان آثار برگزیده معرفی شدند.

کتاب وصف خلیج فارس در نقشه‌های تاریخی تألیف محمدباقر وثوقی و دیگران، زیر نظر حسن حبیبی از انتشارات بنیاد ایران‌شناسی در بخش تالیف و کتاب سیاست‌نامه‌های قاجاری تصحیح و تحشیه غلامحسین زرگری نژاد از موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی در بخش تصحیح، برگزیده‌های حوزه تاریخ و جغرافیا در چهارمین دوره جایزه کتاب فصل بودند.

### کودک و نوجوان

در حوزه کودک و نوجوان نیز در بخش داستان ایرانی، کتاب گاش کمی بزرگ تر بودم نوشته اکبر صحرائی برگزیده شد. در بخش داستان خارجی نیز در حوزه کودک، کتاب به کبوتر اجازه نده اتوبوس براند نوشته مو ویلمز با ترجمه زهرا احمدی از انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به عنوان کتاب برگزیده شناخته شد و در حوزه نوجوان نیز کتاب پرنیان و پسرک نوشته لویس لوری با ترجمه کیوان عبیدی آشتیانی از نشر افق برگزیده شد.

در حوزه کودک و نوجوان همچنین مجموعه شعر نوجوان زوی تخته سیاه جهان با گچ نور بنویس سروده عرفان نظرآهاری از انتشارات نور و نار عنوان اثر برگزیده بخش شعر را کسب کرد. اما در بخش دین، کتاب زیر گنبد کیود تألیف سعید روح افزا از انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به عنوان اثر برگزیده شناخته شد و در گروه علوم و فنون نیز مجموعه ۲۵ جلدی کتاب‌های راز (خواندنی‌های علمی) تألیف علاء نوری، علی رحمانی، الهام محسن‌نیا و مستوره السادات مدرسی در بخش کودک و کتاب فرهنگ ریاضی مدرسه با ترجمه، تنظیم و نگارش امیر صالحی طالقانی در بخش نوجوان به ترتیب از انتشارات آموزش علوم و محراب قلم، به عنوان آثار برگزیده معرفی شدند.

### پایان

نظر به اینکه دکتر کاظم معتمد نژاد برای اهدای جوایز روی سن حضور داشت، پس از اتمام اهدای جوایز، جایزه کتاب برگزیده در رشته حقوق به وی و دخترش رویا معتمدنژاد اهدا شد. وی در سخنان کوتاهی این کتاب را به اولین دوره دانشجویان رشته ارتباطات دانشگاه علامه اهدا کرد و دکتر محسن پرویز نیز اعلام کرد که یک دوره از این کتاب را به اولین گروه دانشجویان دوره ارتباطات این دانشگاه اهدا خواهد کرد.



نشست نقد کتاب «حسن بصری، گنجینه دار علم و عرفان» در سرای اهل قلم برگزار شد

# روزها و رازهای حسن بصری



عصر روز سه شنبه بیست و هشتم خردادماه سه تن از استادان برجسته فلسفه و عرفان اسلامی (دکتر شهرام پازوکی، دکتر نصرالله حکمت و استاد اکبر ثبوت) برای داوری، نقد و بررسی سویه های نظری کتابی در سرای اهل قلم گردهم آمدند که گمان می رود عمده پژوهشی باشد که طی سال های گذشته پیرامون یکی از جنجالی ترین چهره های فلسفه و عرفان اسلامی ضمن غبارزدایی از این چهره اسلامی با دیدی ایجابی نگریسته و به تعبیر یکی از منتقدان، با نوشتن کتاب «حسن بصری، گنجینه دار علم و عرفان» فصلی جدید در «حسن بصری شناسی» باز کرده است.

بنا به روایات متعددی از رجالی نویسان، ابوسعید حسن بن ابی الحسن یسار بصری همعصر با امیرالمومنین علی (ع) بوده و در دامان ام سلمه از دست نبی مکرم اسلام آب نوشیده است. معمولاً از او با عنوان یکی از پایه گذاران و سرسلسله های عرفان اسلامی یاد شده است. طبق روایاتی که ابن سعد، ابن خلکان و شیخ عطار نیشابوری در شرح حال حسن بصری آورده اند، وی در زمره صحابیان قرار می گیرد. شرح حال حسن بصری در تذکره الاولیاء با عبارت آن پرورده نبوت... آغاز شده است و در چند سطر پایین تر آمده که مادر وی از موالی (کنیز آزاده شده) ام سلمه همسر گرامی پیامبر (ص) بود و چون مادرش به کار مشغول می شد و حسن گریه می می کرد، ام سلمه به او شیر می داد. عطار تصریح کرده است: «چندان هزار برکات که حق از او پدید آورد، همه از اثر شیر ام سلمه بود». شیخ عباس قمی نیز این روایت را تایید کرده است. باری اکبر ثبوت در اثری که چندی پیش از سوی انتشارات حقیقت روانه بازار شده سعی داشته تا با گردآوری ادله کافی به غبارزدایی از این چهره برجسته تاریخ اسلام که گاه ملحد و گاه متدینش می نامند بپردازد. اما با وجود این حتی منتقدانش بر این باورند که نمی توان درباره تاریخ عرفان اسلامی سخن گفت و از نقش بارز حسن بصری در این زمینه یاد نکرد.

در جلسه روز سه شنبه که با حضور جمعی از اهالی قلم، دانشجویان و استادان دانشگاه در سرای اهل قلم به مدت قریب به سه ساعت به طول انجامید هر کدام از حاضران سعی داشتند به نحوی سویه های کتاب حاضر را بررسی کنند و از مولف پیرامون ادعاهای کتاب توضیح بخواهند.

## پاسخ به یک نیاز

اکبر ثبوت به عنوان سخنران آغازین این مراسم در ابتدای دایره نوشتن این کتاب را این گونه برشمرد: در آغاز جوانی در خدمت استاد ابوالحسن شعرانی بودم که وی گفت بهترین تفسیر در عالم شیعه مجمع البیان است که نگارش شیخ طوسی است و شیخ طوسی در آغاز این کتاب بزرگانی را که در تفسیر اهتمام داشته اند، یاد می کند و عبدالله ابن عباس، حسن بصری و شاگرد او اولین کسانی هستند که او یاد می کند. لذا در تبیان برای توضیح مفاهیم کتاب الهی و تبیین آیات قرآن کریم بیش از هر کس به اقوال این بزرگان بسیار استناد می شود.

به گفته این عضو هیات علمی دانشنامه جهان اسلام در تفسیر ابوالفتوح هم که به فارسی نگاشته شده است، بیش از هر کسی به عبدالله ابن عباس و سپس حسن بصری اشاره می شود. در تفسیر المیزان نیز حدود ۷۰ مورد برای یاد کردن و نقد کردن به حسن بصری و اقوالش اشاره شده است. او با تاکید بر موضوع جبرگرایی به عنوان یکی از

استناد به کتب اسلامی، مواظظ و حکم قابل توجهی دارد و علاوه بر این حسن بصری صاحب یک مکتب تفسیری است اما بحث و مسئله اصلی پیرامون حسن بصری، چگونگی ارتباط او با اهل بیت (ع) است و نویسنده اثر حاضر با وجود ارجاع به منابع فراوان، نتوانسته چگونگی ارتباط او با اهل بیت (ع) به اجماع را

حکمت بحث خود را با تمرکز به دو محور اصلی تفسیر و نقل فضایل اهل بیت (ع) متمرکز کرد و بر این باور بود که مکتب تفسیر قرآن که پس از رحلت پیامبر (ص) توسط صحابه آغاز شد، بعد از آن، توسط تابعان استمرار یافت و آن کسانی که پس از پیامبر (ص)، امیر المومنین (ع) را مفسر قرآن می دانستند، در زمان حیات ایشان به خود اجازه تفسیر نمی داده اند و به همین دلیل از کمیل، مالک اشتر و میثم تمار در تفاسیر ما خبری نیست.

به گفته وی مفسران بزرگ شیعه در کنار قول اهل بیت (ع)، قول اهل عامه و مفسران صحابه و تابعین را نیز آورده اند لذا حضور جدی حسن بصری در تفاسیر شیعیان به معنای تأیید حسن نیست بلکه اقوال حسن بصری در تفاسیر ما در کنار سایر عامه ذکر شده است.

به باور عضو هیات علمی دانشگاه شهیدبهبشتی این کتاب به دلیل نگارش جانبدارانه به هدف خود دست نمی یابد و از آغاز می خواهد در جهت اثبات حسن بصری به مثابه گنجینه دار علم و عرفان قدم بردارد و همین پیش فرض به روش تحقیقی کتاب صدمه می زند. این امر تا حدودی به دلیل حب نویسنده بوده، چراکه رفتار گزینشی در مورد مخالفان و موافقان حسن بصری موجب قلت مخالفان و کثرت موافقان شده و مهم تر از همه نام بخش عمده ای از مخالفان حسن بصری نیامده است. بحث نهایی حکمت که به باور او در کتاب بیشتر

احادیث باید سراغ عالمان رجال رفت و همین موضوع باعث دیدار ثبوت بایکی از رجال بزرگ عصر، مرحوم علامه محمد تقی شوشتری شد که به اعتقاد او گنجی نهفته در شوشتر بود و از علامه شوشتری نقل کرد که همه روایت ها حاکی از آن است که حسن بصری اقدامات امام علی (ع) را در جنگ جمل تأیید کرده و با او همراه بوده است.

وی یکی از دلایل نوشتن کتاب حاضر را درخواست استاد شهابی دانست چراکه وی ثبوت را تشویق کرده بود تا با توجه به مطالبی که آموخته، از مقام حسن بصری دفاع کند. او یکی از معایب اصلی کتاب خود را تناسب نداشتن فصول به لحاظ کمی دانست و معتقد بود که می بایست این مشکل را - که به اعتقاد خودش امری ناگزیر می نماید - در چاپ های بعدی رفع کند.

## حسن بصری و رازهای ناگشوده

پس از ثبوت ثبوت به دکتر نصرالله حکمت استاد فلسفه اسلامی دانشگاه شهید بهشتی رسید که بحث خود را با اشاره ای به ضرورت نگارش این کتاب آغاز کرد، چراکه در نظر او نیاز به شناخت شخصیت های برجسته صدر اسلام در عرصه تفسیر، عرفان، فلسفه، کلام و فقه نظیر حسن بصری بیش از پیش احساس می شود.

او این بحث را مدخلی بر نقد خود قرار داد تا بگوید: «ما دنبال روشن شدن وضعیت حسن بصری هستیم و حال خودم پیش از مطالعه این کتاب این بود که همواره در حال تحیر و توقف بودم و از داوری درباره او خودداری می کردم و توقع این بود که با مطالعه این کتاب از حالت تحیر در مورد او خارج شوم، اما حس می کنم که چنین نشد و همچنان در مورد حسن بصری نمی توانم اظهار نظر کنم.» البته او منکر این واقعیت نبود که حسن بصری ابعاد گوناگونی دارد. به این معنی که از سویی با

جنجالی ترین مباحث فلسفه اسلامی، حسن بصری را جزو مهم ترین مخالفان جبرگرایی در میان تابعین دانست و بر این باور بود که شاید کمتر کسی را بتوان مانند حسن معرفی کرد که در نقل اقوال امیر المومنین (ع) در عصر حاکمیت دشمنان آن بزرگوار کار کرده باشد.

به اعتقاد مولف کتاب حسن بصری، این چهره در کتاب های فضائل و مناقب اهل بیت (ع) نیز یکی از شخصیت های استثنایی به شمار می آید که در عصر جبارانی چون حجاج، از اهل بیت (ع) یاد کرده و اقوال و مناقب آن بزرگواران را بیان داشته است. به گونه ای که تا مدت ها به دلیل اتخاذ موضع طرفدارانه نسبت به حضرت علی (ع) و اهل بیت عصمت و طهارت (ع) حکومت وقت در تعقیب وی بود.

او با اشاره ای به درس اشراق استاد محمود شهابی، از قول این استاد برجسته فلسفه اسلامی نقل کرد که سهروردی از حسن بصری به عنوان یکی از بزرگانی یاد کرده که در جهان اسلام چهره ای درخشان و کم نظیر دارند و در ضمن بازگویی داستان معروف ملاقات حسن بصری با امام علی (ع) یاد آور شد که استاد شهابی معتقد بود برای صحت و سقم این

**بنا به روایات متعددی از رجالی نویسان، ابوسعید حسن بن ابی الحسن یسار بصری همعصر با امیرالمومنین علی (ع) بوده و در دامان ام سلمه از دست نبی مکرم اسلام آب نوشیده است**



# کتابخانه داری در خانه



کتابخانه کاری فرهنگی است پس تلاش کردیم دوستان را دور هم جمع کنیم و در مهمانی‌ها و جشن‌ها و برنامه‌ها کتاب بخوانیم.»

او اضافه می‌کند: «همه ما به این نتیجه رسیده ایم که در مجالس و میهمانی‌های خانوادگی به جای بحث‌های بی‌فایده و روزمره که سودی هم به حال ما ندارد، کتاب بخوانیم و به بحث و بررسی کتاب‌های خاصی که از پیش انتخاب کرده‌ایم، بپردازیم.»

محمودی در این باره می‌گوید: «برای من و خانواده‌ام، پرکردن اوقات فراغت دوستان و جلوگیری از اتلاف وقت آشنایان، مهم‌ترین هدف در راه‌اندازی کتابخانه بوده است و این امر چنان در زندگی ما جا افتاده که اگر حتی من هم در خانه نباشم، همسر و دیگر اعضای خانواده به اعضای کتابخانه کتاب می‌دهند و امانت‌ها را تحویل می‌گیرند.»

به گفته محمودی کتابخانه خانگی او با ۵۰۰ جلد کتاب آغاز به کار کرده و حالا ۲۰۰۰ جلد کتاب در همه حوزه‌ها موجودی فرهنگی این کتابخانه است که هر سال نیز بر تعداد کتاب‌ها افزوده می‌شود: «من هر سال حدود ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان کتاب خریداری می‌کنم و با احتساب کتاب‌هایی که دوستان به کتابخانه هدیه می‌دهند و کتاب‌های غیر استفاده‌دیگران، هر ساله شاهد افزایش کتاب‌ها هستیم.»

یکی از برنامه‌های جنبی کتابخانه خانگی محمودی این است که مسابقه‌های کتابخوانی، مباحث داستان‌نویسی، خلاصه‌نویسی و... در آن اجرا می‌شود. البته اردوهای گروهی در اطراف شهر با هدف کتابخوانی و مبادله کتاب و بررسی کتاب‌های از پیش انتخاب شده هم کاری است که در حال حاضر در این کتابخانه انجام می‌شود.

این کتابخانه ۸۰ نفر عضو دارد و با احتساب اعضای غیرفعال، جمعی را گرد هم آورده که در شهر بزرگ ایلام قابل توجه است.

دومین جشنواره کتابخانه‌های خانگی در حالی به کار خود پایان داد که هیچ کتابخانه‌ای در شهر و استان تهران برگزار نشده و همه کتابخانه‌های برگزارنده از دیگر نقاط کشور بودند. مهم‌ترین نکته در جشنواره امسال، حضور کتابخانه‌های مناطق محرومی چون ایلام بود. در این زمینه ضرورت توجه به این گونه فعالیت‌ها و برنامه‌ریزی برای کمک و پشتیبانی از فعالان این حوزه نکته‌ای است که ضرورت توجه به خود را در جشنواره امسال نشان داد. باید همه کمک کنند که این جشنواره به صورت منظم و بدون فاصله و وقفه برگزار شود.

حضور می‌یابند و در بحث‌ها شرکت می‌کنند. یک برنامه ویژه هم داریم که در روز تولد هر یک از اعضا به آنها کتاب هدیه می‌دهیم. این امر چنان اثر داشته که برخی اعضا برای عضویت اقوام و دوستان خود در کتابخانه تبلیغ می‌کنند و این افتخاری برای ماست که توانسته‌ایم کاری کنیم که دوستان و آشنایان ما به کتاب به عنوان یک کالای ارزشمند نگاه کنند و همین موضوع باعث شده که در زندگی هم موفق‌تر از دیگران باشند.»

وقتی یک کتابخانه در سطح خانگی در یک شهر بزرگ با جمعیتی حدود یکصد هزار نفر برگزارنده می‌شود، باید انتظار داشت که نمونه‌های دیگری هم در این شهر پیدا شود، اما تا ساف آور است که چنین اقداماتی فردی بوده و به دلیل این که سازماندهی نمی‌شوند، نمونه‌های دیگری را نمی‌توان یافت.

شهرنمایی وجود این گونه کتابخانه‌ها در فضای شهری و زندگی آپارتمان‌نشینان راه‌گشای مشکل کتابخوانی می‌داند و توصیه می‌کند: بهتر است همه کسانی که دغدغه فرهنگ دارند و به فکر ارتقا و اعتلای آن هستند به این سو بیایند و کتابخانه‌ای حداقل در سطح خانواده خود راه‌اندازی کنند.»

## فرهنگیان می‌توانند پیشگام باشند

مسعود محمودی هم که دومین برگزارنده این جشنواره است می‌گوید: «معلم هستم و دروس علوم پایه درس می‌دهم. در ایلام بچه‌ها کمتر کتاب می‌خوانند و این مرا عذاب می‌دهد. مدتی پیش به فکر افتادم از کتاب‌های خودم و کتاب‌هایی که هر سال می‌خرم کتابخانه‌ای راه بیندازم و حداقل به دوستان و آشنایان و غریبه‌ها کتاب بدهم تا بخوانند و دانش و آگاهی‌شان بالا برود که در این راه تاکنون موفق بوده‌ایم.»

او می‌گوید: «من نویسنده هستم و تاکنون بیش از ۱۰ عنوان کتاب نوشته و به چاپ رسانده‌ام. من فرهنگی هستم و فکر می‌کنم راه‌اندازی یک

## یکی از ویژگی‌هایی که یک

## کتابخانه را به عنوان

## کتابخانه برتر خانگی معرفی

## می‌کند به کارگیری فعالیت‌ها

## و برنامه‌های جنبی است و از

## مهم‌ترین کارکردهای این گونه

## کتابخانه‌ها به شمار می‌آید

**رضا رحیمی:** فقط کافی است از درون بجوشد تا رنگ واقعیت بگیرد؛ همه چیز را می‌گویم. حتی کوچک‌ترین تلاشی که باید به یک نتیجه کوچک منجر شود. خیلی‌ها تلاش می‌کنند، اما چون آن را درونی نکرده‌اند کاری از پیش نمی‌برند. در مقوله کتاب هم همین‌طور است. اگر کسی با فکر درآمد و پول پیش بگذارد و برای دلش کار نکند، کاری نکرده است. برای کتاب باید جان گذاشت که خودش جان است و جان می‌دهد. این را برای این می‌گویم که کسی برای پول کار نکند. مادر کار کتاب و کتابخانه نه چیزی داریم و نه چیزی می‌خواهیم و نه در بی چیزی آمده‌ایم. تشویق هم نمی‌خواهیم. همین پاداش و تقدیری هم که شده برای ادامه کارمان خوب است اما باید بگوئیم که کارمان را ادامه دهیم و برای کتاب خواندن حداقل اطرافیان خودمان دست و پایی بزنیم.

هفته گذشته دومین دوره جشنواره کتابخانه‌های خانگی برگزار شد و تعدادی از فعالان حوزه کتاب تشویق و تقدیر شدند.

نقطه قوت چنین جشنواره‌هایی این است که مستقیماً به سراغ کسانی می‌روند که باید شناخته شده و تشویق شوند تا دیگران هم بدانند که باید دست به کار شوند و یاری بردارند و به اندازه توان خویش در کتابخوان شدن دیگران نقش داشته باشند.

دومین جشنواره چندین حسن و چندین عیب داشت که هر کدام در جای خویش قابل تقدیر و تامل است. عیب بزرگ این اقدام فاصله چندین ساله با نخستین گام بود. این امر خود به خود فضای ذهنی جامعه را از چیزی مثل کتابخانه و کتابخانه خانگی خالی کرد و تا همین یکی دو ماه پیش هیچ‌کس از چیزی به نام جشنواره کتابخانه‌های خانگی خبری نداشت. عیب دوم هم نبود حمایت مالی از سوی دستگاه‌های اجرایی کشور بود که در جای خود جای تاسف دارد.

اما از حسن‌های این جشنواره یکی این بود که بار دیگر ذهن‌ها را متوجه این مسئله کرده‌ام می‌توان در حد اندک هم کاری کرد. دیگر هم این بود که بسیاری از کسانی که تاکنون برای خود و برای دلشان کاری کردند پای به میدان گذاشتند و همگان دانستند که کسانی وجود دارند که بی‌مزد و منت برای فرهنگ کشورشان کار می‌کنند.

دیگر هم این بود بسیاری از مسئولان دریافتند که باید دامنه این جشنواره را به خارج از تهران کشید.

## کاش دیگران هم چنین کنند

محمدحسن شهرنمایی یکی از برگزارندگان دومین جشنواره کتابخانه‌های خانگی است که در آباده زندگی می‌کند و در یک اتاق کوچک کتابخانه‌ای دایر کرده که ۸۰۰ جلد کتاب دارد. او درباره این کتابخانه می‌گوید: «اول فکر نمی‌کردم کتابخانه به این وسعت برسد و اینقدر کتابخوان پیدا شود و این‌گونه استقبال شود. ابتدا ۵۰ جلد کتاب داشتم و وقتی تصمیم گرفتم کتابخانه‌ای راه بیندازم، به فکر تهیه فهرست برآمدم و حالا ۸۰۰ جلد کتاب داریم که برای همه کسانی که اهل کتابخوانی هستند قابل دسترسی است.»

یکی از ویژگی‌هایی که یک کتابخانه را به عنوان کتابخانه برتر خانگی معرفی می‌کند به کارگیری فعالیت‌ها و برنامه‌های جنبی است و از مهم‌ترین کارکردهای این گونه کتابخانه‌ها به شمار می‌آید. شهرنمایی در این باره می‌گوید: «ما جلساتی داریم که در آن به کتابخوانی، داستان‌خوانی، شعرخوانی، نقد و بررسی کتاب، نمایش، نقد فیلم‌های داخلی و خارجی و... می‌پردازیم و تقریباً همه اعضا هم

در مورد آن سخن نرفته و جای خالی آن را می‌توان در اثر حاضر احساس کرد بحث استیضاح حسن بصری و تحول اوست که می‌توانست در صورت ابهام‌زدایی از آن موجب پدید آبی تغییر در نگاه فقهی ما نسبت به او شود.

ارائه این نقدها به کتاب حاضر موجب شد تا ثبوت به بخش‌هایی از انتقادات دکتر حکمت به طور شفاهی پاسخ داده و بحث مبسوط پیرامون انتقادات وارد بر کتاب را به فرصتی دیگر در شکل مکتوب موقوف کند تا در ضمن استفاده از آنها از کتاب خود نیز دفاع کند.

## پدیدار شناسی تفکر بصری

پس از ارائه برخی پاسخ‌ها از سوی نویسنده، این بار دکتر شهرام پازوکی عرفان پژوه و عضو هیئت علمی مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران به برخی از انتقادات دکتر نصرالله حکمت پاسخ گفت. او سخنرانی خود را با یادآوری معضلات نوشتن کتابی پیرامون تاریخ تشیع آغاز کرد چرا که به باور او نوشتن تاریخ تشیع بادشواری‌های بسیاری همراه است به طوری که بخش عمده‌ای از آن بعد از صفویه نوشته شده است.

پازوکی ضمن اشاره به مسئله تقیه و مشکل اظهار مذهب تشیع در اعصار نخست تمدن اسلام منتقدان را دعوت به بازخوانی آرا و آثار بزرگان صدر اسلام کرد و بر این باور بود که نزدیکی سویه‌های نظری آثار آنان به تشیع می‌تواند ملاک خوبی برای ارزیابی آنها باشد. او یادآور شد که باید به جای بحث‌های روایی در واقع به اندیشه‌های این متفکران نظر داشت. این عرفان پژوه در پاسخ به یکی از نقدهای حکمت بر این باور خود پافشاری کرد که ثبوت در اثر حواضر تلاش کرده تا از چهره‌ای در صدر تاریخ تشیع سخن بگوید که از آغاز و به ویژه پس از دوران صفویه همواره محل مجادله بوده و البته همیشه مورد انتقاد واقع شده است. از این رو بر جسته شدن اقوال موافقان حسن بصری ضروری است.

پازوکی در ادامه در پاسخ به این نقد حکمت که گفته بود پیش فرض گنجینه دار حکمت و عرفان به روش تحقیقی کتاب صدمه زده گفت: مقاله دایرةالمعارف با کتاب متفاوت است. کتاب باید موضع تحلیلی داشته باشد و نویسنده، به طور قطع نظر دارد. به باور او مقاله دایرةالمعارف مثل یک جنگ بی طرفانه همه اقوال را می‌آورد ولی کتاب باید مواضع، استنباط‌ها و گرایش‌های مشخص داشته و از تحلیلی سود بجوید که نظر نویسنده را مشخص کند و این کار را نباید جانبداری غیرعلمی خواند. پازوکی گفت: به نظر من این کتاب مملو از تحلیل‌هایی است که برای من بسیار سودمند بود. من اهل بحث‌های روایی نیستم. جالب است کسانی هم که انگیزه نوشتن کتاب را برای استاد ثبوت ایجاد کردند، دو نفر عالم اهل نظر یعنی مرحوم شهابی و مرحوم شعرانی بوده‌اند.

در نظر عضو هیئت علمی مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، این کتاب می‌تواند قدمی برای ورود به تاریخ تشیع باشد.

نمونه بارز این مدعای پازوکی در مورد تاریخ تشیع نیز انتقادهای فراوان مستشرقان به این تاریخ است، از این حیث باید گفت که کتاب حاضر راهی را در مطالعه در مورد این چهره دشوار تاریخی باز کرده است.

به باور وی در مورد این بحث دو نوع تحلیل وجود دارد؛ بحث نقلی که در امروزه نقد تاریخی نام گرفته و بحث نظری که روش پدیدارشناسی خوانده می‌شود. به این معنا که زمینه پیدایش یک تفکر بازخوانی می‌شود که آیا این اندیشه می‌تواند در یک منظومه فکری باشد یا خیر؟ ثبوت در اثر حاضر هم تحلیل تاریخی کرده است و هم سیره فکری حسن بصری را نشان می‌دهد.

به نظر پازوکی مباحث نقلی در اثر حاضر تا اندازه‌ای جلو می‌رود که نتیجه‌ای حاصل شود. از این حیث کتاب حسن بصری؛ گنجینه دار حکمت و عرفان با وجود اختلاف نظر میان پازوکی و ثبوت در بخش‌هایی از رویکردها، از نگاه این عرفان پژوه قابل تقدیر است.



سایر محمدی

«عکس مه‌رویایان، خیال عارفان» کتابی به قلم دکتر حسن بلخاری درباره مفهوم شناسی خیال در آرای مولاناست که به مناسبت هشتصدمین سال تولد مولانا تالیف شده و هفته گذشته از سوی انتشارات فرهنگستان هنر چاپ و منتشر شده است. حسن بلخاری متولد ۱۳۴۱ اصفهان دارای دکترای فلسفه است. وی علاوه بر دانشگاه تهران در دانشگاه الزهراء و دانشگاه هنر نیز تدریس می‌کند و در کارنامه‌اش حدود دوازده عنوان کتاب منتشر شده دارد. «حکمت، هنر و زیبایی»، کتاب دوجلدی «مبانی عرفانی هنر و معماری اسلامی»، «اسرار مکنون یک گل» یا تجلی نیلوفر در هنر و معماری شرق، «سرگذشت هنر در تمدن اسلامی» و ترجمه «دین و ارزش‌ها در فیلم‌های عامه‌پسند» عناوین برخی از این آثار است. دکتر بلخاری هم‌اکنون ترجمه کتاب «معماری هندو» را زیر چاپ دارد و کتاب «مفهوم زیبایی در المناظر و تنقیح المناظر» از ابن هیثم و کمال‌الدین فارسی و... را برای چاپ آماده کرده است که در ماه آینده منتشر خواهد شد.

با دکتر حسن بلخاری درباره «عکس مه‌رویایان، خیال عارفان» و چند اثر دیگر

# عرفان در قاب خیال



آقای بلخاری! با چه انگیزه‌ای به سراغ مولانا و موضوع خیال در آثارش رفته‌اید و کتاب «عکس مه‌رویایان، خیال عارفان» را تالیف کرده‌اید؟

واقعیت این است که به مناسبت هشتصدمین سال تولد مولانا، قرار شد کنگره بزرگداشت مولانا تشکیل شود و بنا به پیشنهاد کنگره بین‌المللی مولانا که سال گذشته در ایران برگزار شد، درباره مفهوم خیال که یکی از مهم‌ترین مباحث بنیادی در فلسفه هنر شناخته می‌شود، تصمیم گرفتم کتابی بنویسم و آرای مولانا را در این زمینه مورد بحث و بررسی قرار دهم. همان زمان تالیف این کتاب شروع شد و در ایام برگزاری نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، چاپ و به بازار عرضه شد. در حقیقت انگیزه اصلی از تالیف این کتاب، تقاضای کنگره بین‌المللی بزرگداشت مولانا بود. البته کار اصلی مطالب این کتاب در زمان برگزاری کنگره آماده بود، اما به دلیل حروفچینی و ویرایش عملاً کار تا اردیبهشت به درازا کشید. ضمن این که چکیده و عصاره مطالب هم به عنوان یک مقاله به کنگره ارائه شد.

کتاب «عکس مه‌رویایان...» در سه بخش تالیف و تدوین شده است. این سه بخش به چه مباحثی می‌پردازد؟

در بخش اول کتاب، مفهوم خیال و آراء مختلفی که در حکمت یونانی و حکمت اسلامی درباره خیال وجود دارد را مورد بحث قرار دادم و به اختصار آراء افلاطون و ارسطو را مد نظر داشتم. بعد وارد فلسفه اسلامی شدم و آراء کندی، فارابی، ابن سینا، غزالی و شیخ اشراق به‌ویژه ابن عربی را بررسی کردم البته از میان تمامی کسانی که نام بردم ابن عربی مباحث گسترده‌تری درباره خیال در آثارش دارد. به شکلی که برخی عرفان او را تحت عنوان فلسفه خیال نامگذاری کرده‌اند. من این موارد را در فصل اول کتاب مورد بحث و بررسی قرار دادم. در بخش دوم کتاب به یک مسئله بسیار مهم پرداختم و آن این است که آیا مولانا تحت تأثیر اندیشه‌های ابن عربی بوده یا نه؟ چون ابن عربی در سال ۶۶۸ هجری قمری از دنیا رفته و در آن تاریخ هنوز مولانا، شمس را زیارت نکرده بود و تنها یک طلبه جوان و پرشور بود. تقریباً از سال ۶۵۰ است که مولانا سرودن مثنوی را شروع می‌کند. بحث بسیار مهمی در تاریخ وجود دارد که آیا مولانا از فتوحات مکیه و از فصوص الحکم ابن عربی تأثیر پذیرفته است یا نه؟ که من در این بخش از کتاب آن را به تفصیل بررسی کردم و ادله مختلف تاریخی در این مورد را از مناقب العارفین و از خود آراء مولانا آورده‌ام که امکان تأثیرپذیری مولانا از ابن عربی در حد صفر است به‌ویژه که مراد و مرشد مولانا یعنی شمس تبریزی ابن عربی را قبول نداشت و در مقالات خود او را در متابعت نمی‌دید. بنابراین نتیجه گرفتم که باید آراء مولانا را با خود مولانا تفسیر کرد نه با آراء و آثار ابن عربی.

در بخش سوم کتاب هم وارد بحث خیال در مثنوی، فیه مافیة و دیگر آثار مولانا شدم و خیال را در ابعاد کیهان‌شناختی، به عنوان یکی از عوالم وجود در عرفان اسلامی، معرفت‌شناختی، به عنوان یک قوه در نفس و در جهت معرفت، مورد بحث قرار دادم. البته در بخش سوم کتاب شرح کوتاهی از زندگی مولانا به دست دادم همچنین موضع مولانا نسبت به فلسفه و

متن ادبی ناب را به وجود بیاورد. هنرمند اصیل بدون خیال خلاق در حقیقت یک اثر هنری و یک متن ادبی به معنای واقعی کلمه را با همه خلاقیت‌ها و شور و احساساتی که در آثار هنری و ادبی است نمی‌تواند تولید کند به این دلیل که در عرصه هنر و ادب، خیال نیروی محرکه و وجه خلاق آفرینش‌های هنری و ادبی است. این معنا در فلسفه و عرفان هم مورد توجه کامل واقع شده است. از دیدگاه عرفای اسلامی، ما دو گونه خیال داریم؛ یکی خیال در نفس است به عنوان قوه‌ای که می‌تواند عامل معرفت و شهود باشد و یک خیال هم در مراتب عالم است و بنابر اصل تناظر که «صورتی در زیر دارد آنچه در بالاست» خیال قوه نفسانی ما قادر به شهود و رؤیت صور عالم خیال تکوینی و عالم خیال هستی است. یک هنرمند این گونه می‌تواند با استناد به این قوه درونی به صوری فراتر از صور مادی یا از دیدگاه ما صور عالم مثال برسد.

فلاسفه هم مورد توجه قرار گرفت. تعریفی که در هنر و ادبیات از خیال داده می‌شود با تعریفی که فلاسفه از خیال دارند تفاوت دارد. این تفاوت چگونه قابل توضیح است؟ سوال بسیار مهم و خوبی مطرح کردید. چنان که می‌دانید دیدگاه‌ها در قلمرو فلسفه و عرفان در مقایسه با قلمرو هنر و ادبیات در نگاه اول مشابه و یکسان نیست و ظاهراً دو دیدگاه متفاوت نسبت به خیال وجود دارد اما هنگامی که وارد دقیق‌ترین مباحث فلاسفه هنر - چه در ساحت فلسفه غرب و چه در ساحت فلسفه شرق - می‌شوید به نقاط و نکات مشترک بسیار مهمی می‌رسید. یعنی فلاسفه خیال را به عنوان عاملی که قوه خلاقیت را در انسان برمی‌انگیزد و سبب ظهور و بروز و آفرینش آثار هنری و ادبی می‌شود، مورد بحث قرار داده‌اند. از طرفی در عرصه هنر هم اگر خیال نباشد و اگر هنرمند یک خیال خلاق (من روی واژه خلاق در کنار خیالی تاکید دارم) نداشته باشد و اگر نتواند از عالم ماده با توجه به همین خیال خلاق فاصله بگیرد، هرگز نمی‌تواند اثر هنری یا یک

این معنی که در فلسفه و عرفان هم مورد توجه کامل واقع شده است. از دیدگاه عرفای اسلامی، ما دو گونه خیال داریم؛ یکی خیال در نفس است به عنوان قوه‌ای که می‌تواند عامل معرفت و شهود باشد و یک خیال هم در مراتب عالم است و بنابر اصل تناظر که «صورتی در زیر دارد آنچه در بالاست» خیال قوه نفسانی ما قادر به شهود و رؤیت صور عالم خیال تکوینی و عالم خیال هستی است. یک هنرمند این گونه می‌تواند با استناد به این قوه درونی به صوری فراتر از صور مادی یا از دیدگاه ما صور عالم مثال برسد.

تعریفی که از خیال در فلسفه داده می‌شود با تعریفی که از خیال در منابع اسلامی مثل قرآن مجید، نهج البلاغه، حدیث و... وجود دارد چه تفاوت‌هایی دارد؟

سوالات جالب و مهمی می‌پرسید. من در فصل اول کتاب بحثی را مطرح کردم که اگر بخواهیم هستی‌شناسی خیال را داشته باشیم، نقطه آغاز بحث را از کجا باید شروع کرد؟ آیا باید از آثار یونانی شروع کنیم و یا از قرآن؟ از عرفان باید شروع کرد یا از آثار فلاسفه؟ در آنجا این بحث را داشتم که چون منظر من، منظر اسلامی است و می‌خواهم به یکی از بزرگترین حکمای مسلمان برسم، از دیدگاه من نقطه آغاز بحث هستی‌شناسی خیال، قرآن است. من در این کتاب بحثی را مطرح کردم که در نوع خودش برای اولین بار

است که صورت می‌گیرد و آن مفهوم شناسی و هستی‌شناسی خیال در قرآن و احادیث است. در قرآن فقط یک بار کلمه خیال، با همین معنایی که از خیال در ذهن داریم، آمده است البته در قرآن واژه خیال مشتقات دیگری مثل خیل دارد. ولی در اینجا منظور حرکت اسبان است اما واژه خیال یک بار در قرآن به کار رفته؛ آنجا که جادوگران مقابل حضرت موسی (ع) به گونه‌ای عمل می‌کنند که او خیال می‌کند ریسمان‌ها و طناب‌ها مار هستند و خودش را عقب می‌کشد. من از اینجا شروع کردم و آن را به صورت دقیق از دیدگاه مفسران مورد بحث قرار دادم و بعد وارد احادیث شدم. احادیث بسیار لطیفی در منابع دینی ما هست که یکی از آنها بی‌ظنیر و فوق‌العاده است. حضرت رسول (ص) در مقابل ابوجهل که از او می‌پرسد خیال چیست، این اصطلاح را توضیح می‌دهند و بعد وارد فضای فلسفه و عرفان می‌شوند. اما این که از تفاوت خیال در منابع اسلامی در مقایسه با آثار فلسفی پرسیدید، باید در اینجا به یک تفاوت بسیار مهم اشاره کنم، در چارچوب خیال از منظر فلاسفه اسلامی با خیال از منظر فلاسفه غربی یک تفاوت بنیادی و کلیدی وجود دارد و آن این است که در دیدگاه فلاسفه اسلامی به بحث خیال بسیار پرداخت شده و روی آن کار شده است تا عامل اثبات نبوت و معاد باشد.

گزارشی از کتاب «پیشگامان گرافیک ایران: هوشنگ کاظمی»

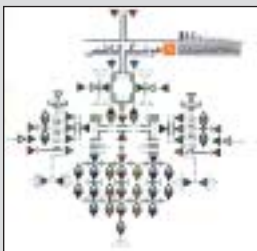
# تاریخ شفاهی گرافیک



زندگینامه نوشتن جسارت است و پا از گلیم فراتر نهدن. ولی آنچه پیش آمد که به شمشیت چنین کنم.»

پوستر شمال ایران و پوستر اصفهان از نخستین آثاری است در کتاب اخیر به چاپ رسیده است. این پوسترها برای سازمان جلب سیاحت طراحی شده، هرچند که آثار متقدم تری نیز از این هنرمند گرافیست در کتاب اخیر به چاپ رسیده شده است. وی در صفحات آغازین کتاب به شرح صمیمانه دوران کودکی خود می پردازد که به طور قطع خواندن آن برای علاقه مندان به این هنر می تواند جذابیت های خود را داشته باشد. او در بخش های دیگر کتاب از تجاربش در عرصه هنر گرافیک سخن می گوید. به طور مثال وقتی بحث تاسیس دانشگاه هنر مطرح می شود، او از چند مقوله سخن می گوید: «اساس تعلیمات هنرکده هنرهای تزئینی بر سه پایه اصولی تاکید داشت. شناخت هنر دنیا و هنرمندان، شناخت هنر ایران در تمام ادوار و رابطه آن با تاریخ و رویدادهای آن به طور کامل و عمیق و شناخت خود از نظر خصوصیات نژادی و قومی، زبان، باورها و سنن.» وی از چهره هایی چون سهراب سپهری، جواد حمیدی، محسن وزیری مقدم، بیژن صفاری و پرویز مویذ نام می برد که در این دانشگاه به تدریس پرداخته اند. وی سپس خاطراتی از روزهای تدریس و دانشگاه خود نقل می کند که از نکات جالبی برخوردارند.

هوشنگ کاظمی در بخشی دیگر از خاطراتش از دوستی و همکاری با علی نصیریان می نویسد. او از این همکاری به عنوان یکی از نقاط عطف کارش یاد می کند. طراحی «بلبل سرگشته» یکی از این فعالیت های مشترک بود. کاظمی نوشتن تاریخ



هنر را وظیفه ای مهم، خطیر و ارزنده توصیف می کند و معتقد است که ثبت روابط میان هنرمندان، چگونگی شکل گیری مراکز هنری و پرداختن به اهداف آنها می تواند نکات فراوانی را پیش روی کسانی بگذارد که اهداف مشابهی را دنبال می کنند. وی همچنین از نقد هنری و پرداختن جدی به آثار می نویسد: «انتقاد هنری رشته بسیار مشکلی است که تا آنجا که می شناسم، کسی به صورت حرفه ای در ایران چنین کاری را دنبال نمی کند. گاهی انتقادی مطرح می شود که زیاد شالوده و اساسی ندارد و نمی توان بدان دل بست و راه و چاهی نشان نمی دهد و این موضوع در آغاز گشایش هنرکده تزئینی مورد مطالعه بود که به رشته های دیگر اضافه شود همچنین رشته هنرهای صنعتی در دست مطالعه بود که به دیگر رشته ها پیوندد، ولی به مرحله عمل نرسید.»

اهمیت هنر گرافیک چنان است که زندگی معاصر را کمتر می توان بدون وجود آن در نظر گرفت. گرافیک در شکل های مختلفی در زندگی ما حضور دارد و جلوه های آشکار آن را می توان در پوسترها، طرح جلد کتاب ها، نشانه (آرم)، تصویرسازی ها و مسائل مشابه دید و جلوه های ناپیدای آن در دیگر موارد زندگی معاصر ما هویدا است. طراحی ظروف مواد غذایی، طراحی محیط زندگی در خانه، طراحی محیط شهر، طراحی مراکز تفریحی و ... تنها بخشی از کارکرد گرافیک در زندگی معاصر است. اهمیت این گونه گرافیک ما را بر آن می دارد که به مطالعه در این عرصه پردازیم و یکی از راه های رسیدن به تجربه های بیشتر در این حوزه، پژوهش و واکاوی هنرمندان مطرح آن است. انتشارات رسم که همواره کوشیده تا آثاری در عرصه گرافیک را عرضه کند قصد دارد تا با انتشار مجموعه «پیشگامان گرافیک نوین ایران» نقیبه زندگی و آثار چهره های برتر این حوزه پردازد. نخستین کتاب این مجموعه به زندگی و آثار هوشنگ کاظمی اختصاص دارد. مهدی صادقی، مدیر نشر رسم در مقدمه ای که بر کتاب نوشته آورده است: «با آغاز قرن اخیر و گسترش مولفه های زندگی امروزی و شهرنشینی، طراحی گرافیک به عنوان یکی از مشاغل جدید در کشور مطرح شد. اگرچه در سال های نخست این قرن، هنوز واژه «گرافیک» چندان باب نبود و اصطلاح «نقاش تبلیغاتی» بیشتر رایج بود. اما با نگاهی کلی می توان استنباط کرد که گرافیک نوین ایران، از همین تاریخ به تدریج شکل گرفته است.» وی در مورد هوشنگ کاظمی می نویسد: «استاد کاظمی نخستین دانش آموخته گرافیک است که تحصیلات خود را در فرانسه به پایان برد و پس از بازگشت به ایران، هنرکده هنرهای تزئینی (دانشگاه هنر) راه اندازی و برای نخستین بار رشته گرافیک را در آموزش دانشگاهی کشور ایجاد کرد. سالی پس از آن، رشته گرافیک در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران نیز راه اندازی شد.»

کتاب اخیر به زندگی و آثار این هنرمند گرافیست می پردازد. او متولد سال ۱۳۰۲ تهران است و در مدرسه عالی هنرهای تزئینی در پاریس به تحصیل پرداخته. وی توانسته در سال ۱۳۲۵ عنوان D.P.L.G را در رشته خط و گرافیک از این مدرسه دریافت کند که معادل درجه فوق لیسانس فنی است. آثار هنری او به جز ایران در کشورهای مختلفی به نمایش درآمده که از جمله آنها می توان به سوئیس، کانادا، هلند، آمریکا و استرالیا اشاره کرد. وی در مقدمه کوتاهی که بر کتابش نوشته آورده است: «از خود

در فرهنگ و قصه های ما هم آمده که وقتی خاک را می شکافند گنجی نهفته و بر روی آن گنج ماری خفته است. با این تفکر است که مار را نگهبان ماده و معنا می دانند. در جهان شرق که جهان نمادهاست، این گونه نمادها فراوان یافت می شود.

**کتاب «مفهوم زیبایی در المناظر و تنقیح المناظر» با چه هدفی نوشته شد؟**

در ادامه همان تفکر در زمینه فلسفه هنر اسلامی و زیبایی شناسی در منابع دینی به سراغ این کتاب رفتم. علت انتخاب «المناظر و تنقیح المناظر» (متعلق به کمال الدین فارسی) این بود که در حین تحقیقات به متنی برخوردیم که در کلاسی برای دانشجویان مقطع دکتری تدریس می کنیم و به زیبایی شناسی اسلامی اختصاص دارد در ضمن فلسفه هنر را هم تدریس می کنیم. این کتاب برای استفاده دانشجویان و مخاطبان علاقه مند نوشته شد.

**ما در زمینه زیبایی شناسی اسلامی کمتر کتاب و نوشته ای در دست داریم و به رغم آن که مولفه های زیبایی در متون مختلف و متعدد ایرانی و اسلامی پراکنده است، تاکنون کسی به فکر تدوین و تئوریزه کردن آن برنیامده. چرا؟**

دقیقاً همین طور است. می دانید که درس زیبایی شناسی اسلامی برای دانشجویان تدارک دیده شده از طرف دیگر ما تاریخی عظیم و پر بار از این معانی داریم اما متأسفانه تدوین نشده است. من معتقدم مبانی زیبایی شناسی در آثار گذشتگان ما وجود دارد که باید آنها را باید استخراج کنیم و دست به تدوین آن بزنیم و فلسفه هنر اسلامی و با زیبایی شناسی اسلامی را بنیان نهیم. به همین خاطر در چنین فضایی ما به دنبال منابع می گردیم. محض اطلاع باید بگویم که کتابی را تا آخر اسفندماه آماده می کنیم که در این کتاب مفهوم هنر و زیبایی را در آراء اخوان الصفا بررسی کرده ام که مبتنی به کتاب «رسائل اخوان الصفا» است. منابعی که در این حوزه و در زمینه زیبایی شناسی بحث کرده یا در ارتباط با فتوت نامه ها بحث شده است، آنها را یک به یک مورد کندوکاو قرار می دهیم و مبانی و نظریه ها را از دل آن استخراج و در نهایت منبع سازی می کنیم. در همین راستا بود که سراغ کتاب «المناظر و تنقیح المناظر» رفتم هر چند شاید در نگاه اول این طور به نظر برسد که هیچ ارتباطی به زیبایی شناسی نداشته باشد چون درباره مباحث نور و ... است. این کتاب که حدود ششصد هفتصد سال منبع درسی اروپایی ها بوده و نویسنده اش، آن را بر اساس آن دو نظریه مشهور در فیزیک یعنی نظریه شعاع و انتیاب نوشته است. اما برای اولین بار به شکل حیرت انگیز وارد تعریف «الحسن» شده یعنی وارد تعریف زیبایی شده است؛ تعریف بسیار لطیفی که از دیدگاه استاد دانشگاه هاروارد؛ عبدالحمید صبرامبوسو تری تعریف زیبایی در جهان اسلام همان تعریفی است که ابن هیثم در المناظر به دست داده است. تا حالا دانشمندان ما چون فکر نمی کردند در این کتاب چنین تعریفی وجود داشته باشد، به سراغ این کتاب نرفته اند اما من در کتابی که در حال چاپ دارم این تعریف ابن هیثم از زیبایی را مورد بررسی قرار داده ام.

**با توجه به این که در زمینه فلسفه هنر و خیال و زیبایی شناسی کار می کنید، چگونه به سراغ معماری هندو و هنر و معماری اسلامی رفته اید و در این حوزه کتاب منتشر کرده اید؟**

اولاً بین این مباحث و موضوعات اختلاف زیادی وجود ندارد. تحصیلات من در هند بوده و به همین خاطر با تمدن هند آشنایی دارم در ضمن درسی در مقطع دکتری تدریس می کنم تحت عنوان تمدن و هنر شرق یا حکمت هنر و تمدن شرق. زمانی که تاریخ هند را در مبانی عرفانی و هنر بخوانیم و آن را با عرفان و هنر خودمان مقایسه کنیم، متوجه می شویم که شباهت و ارتباط بین این دو فرهنگ بسیار زیاد است. ما گاهی با خوانش متون حکمی هنر و معماری هند برخی از حکمت های نانوشته فرهنگ خودمان را با زیبایی می کنیم. من به خاطر آن دروسی که دارم و مدت زمانی که در آن کشور حضور داشته ام این کتاب را نوشته ام. یعنی یک کتاب با عنوان «معماری هندو» در حال چاپ دارم.

کند. پس در تفکر و اندیشه اسلامی خیال در دستگاه فلاسفه و حکما برای اثبات مفاهیم کلامی و دینی مورد استفاده قرار گرفته نه لزوماً مفاهیم هنری. ما برای اولین بار در دوره معاصر تلاش می کنیم از تاریخ حکمت و فلسفه و اندیشه اسلامی آرای را استخراج کنیم که این آرا خیال را در فلسفه هنر مطرح کند. ما برای اولین بار تلاش کردیم برای نگارش فلسفه یا مکتب هنر اسلامی که تاکنون هیچ کاری در این زمینه صورت نگرفته، یک نوع بازبینی در آرای حکمای اسلامی داشته باشیم و این وجه از خیال را در ساخت هنر مطرح کنیم. این کتاب و چند اثر دیگر، نخستین کتاب های راه آغازین هستند و امیدواریم مطالعات در این زمینه به کمال خود برسد.

**به نظر نمی رسد در بین هنرمندان و محققان مسلمان کسی راجع به خیال در عرصه هنر، ادبیات، فلسفه و متون دینی تحقیق کرده باشد.**

برخی از سنت گرایان در این حوزه کار کرده اند. مثلاً هانری کرین کارهایی را در این زمینه شروع کرده بود ولی مسئله ای که در آنجا وجود داشت این است که دقیقاً کارکرد هنری خیال مدنظر نبوده است و گرچه کرین کتاب «تخیل خلاق» را دارد و آراء ابن عربی را در این کتاب مورد بررسی قرار داده است ولی رویکرد این کتاب هنری نیست. در حال حاضر وقتی فلسفه هنر اسلامی و فلسفه هنر غرب را بررسی می کنیم می بینیم هیچ کار مدونی در این زمینه صورت نگرفته است. ما تاریخی پر عظمت از هنر و معماری داریم، اما فلسفه این هنر چه بود؟ فلسفه این معماری چه بود؟ بنیادهای نظری اش چه بود؟ هیچ منبع و مأخذ تحقیقی در دست نداریم به همین خاطر باب آغازین با این رویکرد هنری که نهایتش تدوین فلسفه هنر اسلامی است، تلاشی است که تازه آغاز شده است.

**آیا در ادامه این مباحث، کار دیگری هم در دست تحقیق و تالیف دارید؟**

به طور کلی بنیاد کار و فعالیتیم را بر این مباحث قرار دادیم و در کنار این کتاب، مقالاتی را در مجلات علمی، پژوهشی چاپ کردم که این مقالات در نهایت جمع می شود و به صورت یک کتاب تحت عنوان خیال منتشر می شود یا مثلاً جلد دوم کتاب «مبانی عرفانی هنر و معماری اسلامی» عنوانش «کیمیای خیال» است.

امروز تاریخ ادبیات جهان می گوید که برای نخستین بار ساموئل تایلر کالریج که متعلق به قرن هجده انگلیس است، تمایز بین خیال و تخیل را مطرح کرده است. کالریج یک منتقد مشهور ادبی هم هست. من در مقاله بررسی تطبیقی آرای ابن سینا و کالریج اثبات کردم که اولین کسی که تمایزی بین خیال و تخیل قائل شد، ابن سیناست یا مقاله دیگری را در نشریه دانشگاه شهید بهشتی چاپ کردم تحت عنوان «ابداعات فارابی در قوه خیال و تخیل» که در این مقاله آرای فارابی را با گذشتگان مورد مقایسه قرار دادم و روی آن بحث تطبیقی کردم؛ مثلاً با کندی یا با ارسطو و دریافتیم که برای اولین بار، فارابی گفته که قوه خیال قادر است حتی عوالم فوق القمر را هم ادراک کند. اینجاست که فارابی نبوت و وحی را اثبات می کند و در واقع کارکرد جدیدی از قوه خیال به دست می دهد. مثلاً ابن هیثم هم که من کتاب «مفهوم زیبایی در المناظر و تنقیح المناظر» او را در حال چاپ مفهوم زیبایی در آرای اندیشمندان مسلمان بررسی را می کند.

**کتابی که تحت عنوان «اسرار مکنون گل» یا تجلی نیلوفر در هنر و معماری شرق منتشر کرده اید مصادف شد با چاپ کتابی به نام «مار و نیلوفر» در فرهنگ ایران و ژاپن که به قلم یک محقق ژاپنی و استاد دانشگاه تهران منتشر شد. این شباهت و نزدیکی را چگونه تبیین می کنید؟**

این کتاب را ندیده ام اما حالا که آن را معرفی کردید، سعی می کنم آن را بخوانم. واقعیت این است که جهان شرق جهان نمادهاست. یعنی جهانی که در آن انسان ماهیتی را از گونه دارد و عالم را از خانه اسرار الهی می داند و برای ورود به این خزاین از نمادها استفاده می کند. آب در تفکر تائویی بسیار مهم است. نیلوفر در فرهنگ هند، گل تجلی است. مار در تفکر بودایی نماد احیاء است. در تفکر هند، مار را نگهبان معنا و ماده می دانند.



گفت و گو با محمدرضا سرشار درباره کتاب «راز شهرت صادق هدایت»

# «هدایت» زیر ذره بین سرشار



نکرده‌اند. اما کتابفروشی‌های مرتبط به دولت و یا معتقد به مبانی اسلامی، این محدودیت را قائل نمی‌شوند. آنها همه جور کتابی را در ویتترین شان می‌گذارند. یعنی حتی کتاب‌های ناشران شبه‌روشنفکر را نیز عرضه می‌کنند. ولی در آن طرف استبدادی کامل و بدون کمترین اغماض وجود دارد. امکان ندارد که شما بتوانید کتابی از نویسنده‌های طیف غیرشبه‌روشنفکر، حتی کتاب‌های خنثی را در آنجاها شاهد باشید. اگر کتابی باشد که مخالف جهت و سمت و سوی آنها باشد که این تحریم، به صورت مطلق صورت می‌گیرد.

جوان‌های بسیاری از مخاطبان کتاب، مرجعی به جز این کتابفروشی‌ها ندارند. به همین دلیل، یک جوان علاقه‌مند به کشف حقیقت یا یک مخاطب جدی، نمی‌تواند این دسته از کتاب‌ها («راز شهرت صادق هدایت» یا «حقیقت بوف کور») را در کتابفروشی‌های تهران و شهرستان‌ها بیابد. البته ممکن است که ایشان اسم کتاب، اسم مولف و ناشر را بدانند و آن را با زحمت زیاد تهیه کنند. اما یافتن این دسته از کتاب‌های مخالف با شبکه شبه‌روشنفکری، به صورت طبیعی و عادی، مقدور نیست. جوان علاقه‌مند نمی‌تواند این کتاب‌ها را در ویتترین کتابفروشی‌ها بیابد. و مشکل، از همین جا شروع می‌شود. اگر این کتابفروشی‌ها و ناشرهای وابسته به جریان شبه‌روشنفکری به آن ادعاهایی که دارند، یعنی به همان شیوه لیبرالی یا دموکراسی که خود ادعا می‌کنند، واقعا پایبند بودند، اجازه می‌دادند که جریان‌های مختلف مطرح شود تا مخاطب خود انتخاب کند، مشکلی وجود نداشت. آنان نظرانشان را مطابق قانون منتشر می‌کنند، ما نیز نظراتمان را می‌نویسیم؛ و مخاطب مخیر است که از میان این دو انتخاب کند. متأسفانه این آزادی، از آن سو وجود ندارد. لذا، نمی‌توانیم زیاد به برد کار و تاثیر نقدهایمان، مطمئن باشیم.

**شما سرفصل‌هایی را در کتاب مشخص کرده‌اید که به‌وجه مختلف کار هدایت از جمله اسلام‌ستیزی او، گرایش به تاریخ ایران باستان و... می‌پردازد. این فصل‌بندی‌ها چگونه شکل گرفته است؟**

بعضی از فصل‌های این کتاب به هنگام پژوهش شکل گرفت. من در ابتدا طرحی به این دقت و وضوح برای کار نداشتیم. در ابتدا آن رئوس کلی را که از آثار هدایت می‌شناختم مشخص کردم و سپس در میان آثار دوستان، تحلیلگران و مفسرانی که به آثار او

و به وفور در دسترس قرار می‌گیرند، علاوه بر این، وجود شبکه‌های ارتباطی مثل اینترنت، باعث شده که هیچ کتابی غیرقابل دسترسی نباشد. الان می‌توان با یک جست‌وجوی ساده، حتی متن کامل کتاب‌هایی مثل از هدایت را که پیش از انقلاب اجازه چاپ نداشتند، دریافت کرد. البته این سبب نمی‌شود که به این نتیجه برسیم که دولت وظیفه خود را انجام ندهد. اما سوال اینجاست که ما در برابر این حرکت ضدفرهنگی، چه می‌توانیم بکنیم. به گمان من نقد درست و علمی می‌تواند، در این زمینه در درازمدت بسیار کارگشا باشد، به شرطی که شما فرصت این را داشته باشید که صدایت را به مخاطب برسانید. متأسفانه با شرایط فعلی این کار به دشواری انجام می‌شود. از سوی دیگر، ما در این عرصه، آن‌چنان که باید و شاید، کار نکرده‌ایم. در برابر ده‌ها هزار صفحه که در تجلیل غیرعلمی و کاملاً جانبدارانه از این نویسنده و آثارش منتشر شده ما چه کرده‌ایم؟ هیچ کدام از این آثار نیز نقد نیست. بلکه همه شرح تفسیر، تحلیل، تویل و مطالب نامستدل است. ما در این سو به اندازه هزار صفحه هم نقد درست، عالمانه و دقیق نداریم. از آن طرف انتظار داریم که جوانی در جست‌وجوی حقیقت است، با ما همفکر شود!

اما معضل بعدی آن است که در عرصه کتاب و ادبیات، دولت جداگانه‌ای در این کشور وجود دارد. این دولت همان کتابفروشی‌های جلوی دانشگاه تهران و شبکه سراسری کتابفروشان در شهرستان‌ها است که شریان پخش و توزیع کتاب را در دست دارند. در برابر این شبکه گسترده، ناشرانی که به مبانی اسلام و قانون اساسی اعتقاد دارند در مجموعه بزرگ خیابان انقلاب و جلوی دانشگاه تهران حضوری حداکثر پنج درصدی دارند. یعنی ۹۵ درصد آن کتابفروشی‌ها و ناشران عملاً وجه هم‌تشان چاپ و توزیع کتاب‌هایی است که در بهترین شرایط خنثی است و یا مروج ارزش‌های اسلامی و نظام جمهوری اسلامی به‌شمار نمی‌آید. البته منظور من کتاب‌هایی است که طبعاً منع قانونی برای انتشار ندارند؛ اما آن کتاب‌هایی هم نیستند که مورد نظر ما و مروج اهداف نظام جمهوری اسلامی است. این شبکه گسترده، همان‌طور که در مصاحبه قبلی نیز به آن اشاره کردم، به هیچ وجه حاضر به توزیع کتاب بنده و آثار مشابه آن نیستند. شما این مرزبندی را کاملاً در کتابفروشی‌های شبه‌روشنفکری می‌بینید. تا به امروز اینها حتی یک میلی‌متر از این مرزبندی‌شان تخطی

گرفت هرچند انتشار گسترده آثار هدایت از سال ۷۶ و آغاز ریاست جمهوری شده بود. در این دوره اغلب آثار این نویسنده به طور کامل چاپ شد، به جز چند کتاب مثل «توب مرواری» و «افسانه آفرینش»؛ که آنقدر بد بودند که حتی پیش از انقلاب هم حق انتشار رسمی در کشور را نداشتند.

**می‌توان نتیجه گرفت که شما کار نقد و بررسی آثار هدایت را در سال ۸۲ و در همان جلساتی شروع کردید که در مقدمه نیز آمده؟**

بله. در آن زمان نه دست ما به جایی بند بود و نه تریبونی برای بیان نظراتمان داشتیم. در نتیجه، در «گروه ادبیات و اندیشه» وابسته به موسسه فرهنگ و اندیشه اسلامی به این نتیجه رسیدیم که در برابر کار فرهنگی - به طور درست‌تر، ضدفرهنگی - باید کار فرهنگی کرد. جریان‌های کاذبی برای معرفی و ترویج اندیشه‌های نویسنده‌ای شروع شده بود که دوره‌اش سرآمده بود. مافقط بانقد، تحلیل و بررسی می‌توانستیم نشان دهیم که جریان به وجود آمده، یک جریان خودجوش و اصیل نیست.

دور هم جمع شدیم تا آثار نویسنده را نقد کنیم. من دقیقاً از همان زمان بود که آثار هدایت و چیزهایی را که درباره‌اش نوشته شده بود مورد بازنگری قرار دادم. در آن جلسات مسائل متعددی مطرح شد، که مسئله شهرت او نیز یکی از آنها بود. طرح این سوال که چطور می‌شود فردی با این مایه از استعداد داستان‌نویسی به چنین شهرتی برسد، یکی از نکات مطرح شده بود.

برجسته‌ترین کار او «بوف کور» است که دست کم نسبت به کارهایی در سال‌های معاصر به چاپ می‌رسد، اثر فوق‌العاده‌ای به‌شمار نمی‌آید. داستان‌های کوتاه هدایت نیز برای امروز به حدی ضعیف است که الان هنرجویان داستان‌نویسی که یک ترم داستان‌نویسی را می‌گذرانند بهتر از آن، داستان‌نویسند. البته حساب دو - سه داستان او جداست. که آنها نیز معمولی به حساب می‌آیند. سوال من این بود که چطور چنین نویسنده‌ای به شهرت رسیده و حالا نیز این جریان وسیع درباره‌اش به راه افتاده است؟ احساس کردم که خود این موضوع، قابل پژوهش به طور مستقل است.

**شما سرفصل‌های دقیقی را انتخاب کرده‌اید و آنها را با سطرهایی از آثار هدایت و نوشته‌هایی که توسط همفکران او نوشته شده مستدل کرده‌اید. قبل از آن که به این موضوع بپردازیم، می‌خواهم از اهمیت انتشار چنین آثاری بپرسم. آیا نقدهای مستدل، می‌تواند ضعف‌ها و نقصان‌های آثار هدایت و دیگران را روشن کند؟ شما در گفت‌وگوی قبلی خود با کتاب هفته از جلسه نقد و بررسی ای سخن گفته بودید که در آن جوان دانشجویی در ابتدا مخالف صحبت‌های شما بوده و در انتها پس از استدلال‌ها و ارجاعات دقیق شما، نظری دیگر و البته موافق نظر شما یافته است. اگر ممکن است در این مورد توضیح دهید.**

مسئله آن چیزی که در درازمدت می‌تواند به تصحیح جریان‌های فرهنگی مدد برساند، نقد عالمانه، مستدل و قانع‌کننده است. دولت و وزارت ارشاد، البته وظیفه دیگری دارند. مثلاً دولت وظیفه دارد مانع انتشار آثاری شود که ممکن است مقدسات مردم را مورد اهانت قرار دهد، اخلاق جامعه را هدف بگیرد و یا به سست کردن مبانی عقیدتی مردم می‌انجامد. همچنین باید جلوی نشر آثاری که مخالف نص صریح قانون اساسی است گرفته شود. اما از سوی دیگر، برخی از آثار با مشکل افست و زیرزمینی منتشر می‌شوند

محمدرضا سرشار (رضا رهگذر) در سال ۱۳۳۲ به دنیا آمد. در سال ۱۳۵۴ در رشته مهندسی صنایع دانشگاه علم و صنعت پذیرفته شد. نخستین کتاب سرشار با مضمون سیاسی هرچند در قالب داستانی برای کودکان در سال ۱۳۵۵ به چاپ رسید و حدود دو سال بعد، فعالیت‌های سیاسی ضد رژیم شاه به دستگیری و زندانی شدن وی انجامید. از سرشار تاکنون ۱۳۳ عنوان کتاب تالیفی، پژوهشی، ترجمه و گردآوری به چاپ رسیده است. سرشار همچنین فعالیت رسانه‌ای در رده سردبیری چند نشریه از جمله ادبیات داستانی، سوره نوجوانان، سروش نوجوان و دبیری گروه ادب و هنر سه روزنامه را در کارنامه دارد. اهتمام ویژه به حوزه نقد و پژوهش در ادبیات داستانی و آموزش داستان‌نویسی از دیگر فعالیت‌های او در سه دهه اخیر است. کتاب «راز شهرت صادق هدایت» از تازه‌ترین آثار سرشار است که در مدتی کوتاه به چاپ چهارم رسیده است.

**چنان‌که در مقدمه کتاب و همچنین گفت‌وگوی پیشین کتاب هفته با شما عنوان شد، کتاب «راز شهرت صادق هدایت» حاصل جلسات نقد و بررسی با چند دوست صاحب‌نظر دیگر است اما از ارجاعات کتاب چنین برمی‌آید که شما مطالعاتی از این دست را پیش‌تر آغاز کرده بودید. آشنایی و نقد آثار صادق هدایت را از چه زمانی آغاز کردید؟ زمانی که حدوداً ۱۴-۱۵ ساله بودم اغلب آثار هدایت اعم از تالیف و ترجمه را خواندم. به کتابخانه خانگی کوچک و جمع‌وجوری دسترسی پیدا کردم و همه موجودی آن کتابخانه از جمله آثار مذکور را مطالعه کردم. هرچند میزان بهره و استفاده‌ام از این آثار در آن زمان، به اندازه همان سن بود. البته هدایت در همان زمان چهره مشهوری بود که زیاد درباره‌اش صحبت می‌شد. اما بعد از انقلاب، یعنی زمانی که من به طور حرفه‌ای وارد کار ادبیات شدم، تنها یک بار «بوف کور» را مجدداً مطالعه کردم و از قضا نسخه‌ای را خواندم که متعلق به سال ۱۳۳۲ بود.**

**یعنی نسخه کامل کتاب؟**  
بله. بدون هیچ گونه ویرایشی. چون چاپ‌های بعدی توسط برخی ویرایش شده و ممکن است نثر بهتری پیدا کرده باشد. به هر حال من این کتاب را خواندم و نکته‌چندان در خوری در آن نیافتم. دیگر کاری روی این آثار نداشتم تا همان مسئله جلسات نقد و بررسی پیش آمد و با چند تن از دوستان، آثار این نویسنده را واکاوی کردیم.

**علت توجه کمتر شما به هدایت در سال‌های بعد از انقلاب چه بود؟**

نوشته‌های صادق هدایت بعد از انقلاب در عرصه ادبیات کشور ما، کاملاً به حاشیه رانده شد، چرا که فضای پرشور بعد از انقلاب با ادبیات انزوا و «بوف کور» همخوان نبود. اما به هر حال این کتاب بعد از انقلاب چاپ می‌شد و در دسترس قرار داشت. ارائه آن هم به این شکل بود که کسی مثل سیروس شمیسا، به اسم شرح و تفسیر اثر، خود آن را هم به ضمیمه، چاپ می‌کرد. سایر داستان‌های هدایت را هم، اغلب، به صورت‌های گوناگون، از جمله گزیده و منتخب، چاپ می‌کردند. اما از سال ۸۲ بی‌بی‌سی، ظاهراً به مناسبت صدمین سال تولد هدایت این سال را به این عنوان اعلام کرد و پیرو آن در داخل کشور یک سلسله تبلیغات گسترده برای این نویسنده و آثارش آغاز شد، دور تازه‌ای در این عرصه شکل

# زیبایی شناسی صدرایی



**زهیر انصاریان:** شاید بحث از فلسفه هنر و زیبایی شناسی فیلسوفان مسلمان، در بادی امر، مسئله‌ای غریب به نظر آید؛ چرا که ایشان یا کمتر به طور مستقل، به این مقوله پرداخته‌اند و یا عمدتاً با نگاهی درجه اول، برخی از هنرها را تشریح کرده‌اند و کمتر، نگاه‌های درجه دوم به این مسئله داشته‌اند. طرح این عنوان در فلسفه ملاصدرا، مسئله عجیب تری به نظر می‌رسد؛ زیرا او نه تنها به این مقوله نپرداخته است بلکه، از آن اجتناب هم نموده است.

باین وجود می‌توان تحقیق مستقلی در باب فلسفه هنر و زیبایی شناسی صدرالمآلهین<sup>۱</sup> ارائه نمود. البته، باید توجه نمود که او هرگز، به صورت مستقل، از این مقوله بحث نکرده است و این وظیفه پژوهشگران فلسفه صدرایی است که پاسخ‌سؤالات نوینی

را که در حوزه هنر و زیبایی طرح می‌شود، از معدن حکمت صدرایی استخراج کنند؛ چرا که او اگر چه به نحو استقلالی به این مباحث نپرداخته، لکن به صورت جسته و گریخته مسایلی از این حوزه طرح کرده است. این مسایل پاسخگوی بخشی از سؤالات قابل طرح در حوزه زیبایی شناسی هستند اما، به شرط آن که ساماندهی نوینی از آن‌ها صورت پذیرد. البته، نباید به این حد بسنده نمود بلکه، باید در سطحی فراتر، پرسش‌های این حوزه معرفتی را فراروی حکمت متعالیه قرار داد و پاسخ‌های خود را بر اساس مبانی و بنیادهای فکری صدرالمآلهین، طلب کرده و بنیانی بر پایه مبانی حکمت متعالیه بنا نهاد. به این ترتیب می‌توان از «بازسازی» اندیشه‌های صدرالمآلهین سخن گفت.

در کتاب ملاصدرا به روایت ما مباحث ذیل به نحو اجمال و ابتدایی در دو حوزه فلسفه هنر و نیز زیبایی شناسی از آثار ملاصدرا استخراج و در مواردی بازسازی شده است:

۱- فلسفه هنر صدرایی:

جایگاه هنر در میان علوم و صنایع تعریف برخی از هنرها (همانند موسیقی و شعر و...) و ویژگی آنها

فعل هنری و فاعلیت هنرمند

نقش قوه خیال و متخیله در آفرینش آثار هنری نظریه هنر

هنر متعالی

۲- زیبایی شناسی صدرایی:

ا) وجود شناسی زیبایی (مشمول بر عینی یا ذهنی بودن زیبایی و ملاک زیبایی)

ب) معرفت شناسی زیبایی (مشمول بر مسائلی چون کیفیت ادراک زیبایی و...)

ج) روان شناسی زیبایی (مشمول بر عشق به زیبایی) دیدگاه‌های ملاصدرا در باب هنر و زیبایی را باید

در چارچوب فلسفه او مورد بررسی قرار داد و نباید از آرای او در حیطه‌های وجودشناسی، علم النفس و معرفت شناسی غافل بود؛ مسایلی چون عینیت یا ذهنیت زیبایی، ملاک‌های زیبایی و... از جمله مسایلی است که در سایه وجودشناسی وی به نتیجه می‌رسند.

نفس شناسی ملاصدرا نیز نقش ویژه‌ای در حل مسایلی چون فعل هنری و فاعلیت هنرمند، عشق به زیبایی و لذت از آن دارد. دیدگاه‌های صدرالمآلهین درباره قوه خیال نیز از جمله مسایل نفس شناسی ملاصدراست که نقش آن در آفرینش آثار هنری دارای اهمیت است. مسایل مربوط به ادراک زیبایی نیز بر پایه معرفت شناسی وی قابل طرح و بررسی است. باید توجه کرد که خود ملاصدرا در پاره‌ای از این

محتوای هر حقیقتی در هر قالب و صورتی نمی‌گنجد. بلکه اساساً، وی محتوا و صورت رادو حقیقت منفصل نمی‌داند. او صورت و فرم را که اساس هنر را تشکیل می‌دهد، تمثیل حقیقت و محتوایی می‌داند که هنرمند یافته است؛ حقایقی که وجود هنرمند با آن‌ها متحد شده است، با نزول او در مراتب وجود، ابتدا در مرتبه خیال دارای صورتی بدون ماده می‌گردند و هنگامی که او به عالم حس پا می‌نهد، با آفرینش آن در عالم خارج، آن را با ماده همراه می‌کند. به این ترتیب، فرم و محتوا یک حقیقت هستند که اولی تمثلی است از دومی. نمونه این تحلیل، در دیدگاه وی در باب وحی الهی به انبیا نیز یافت می‌شود.

اما، تعالی هنر را با تعبیر صدرایی آن، به همین مرحله ختم نمی‌شود. جنبه دیگر تعالی هنر، در مخاطب اثر هنری

متجلی می‌شود. هنگامی که فردی با یک اثر هنری مواجه می‌شود، مثلاً به یک تابلوی نقاشی می‌نگرد یا به نوای موسیقی گوش فرا می‌دهد یا شعری را مطالعه می‌کند یا... در همه این حالات، ابتدا صورتی حسی از آن اثر در نفس وی منعکس می‌شود. در مرحله بعد این صورت حسی ارتقاء یافته و در خیال او جای می‌گیرد و سپس، با تعالی این صورت خیالی در نفس مخاطب، حقیقتی معقول که در واقع معنا و محتوای آن اثر را تشکیل می‌دهد ظاهر می‌یابد. بر اساس نظریه اتحاد عاقل و معقول، این صورت‌ها و حقایق، در هر مرحله، با قوه متناظر خود و در واقع، با نفس مخاطب متحد می‌شود و از آن‌جا که صور خیالی از صور حسی و کلیات معقول از صور خیالی واقعی تر هستند، مخاطب در مواجهه با اثر هنری، مرحله به مرحله تعالی می‌یابد.

این تحلیل، از دیدگاه‌های رایج گامی فراتر نهاده و بازنمایی، ابداع و فرم‌گرایی را با هم درآمیخته، بلکه همه آن‌ها را امر واحدی می‌داند و در حالتی متعادل همه این عناصر را در شکل‌گیری یک اثر هنری دخیل می‌داند.

اما در باب زیبایی شناسی صدرایی باید گفت که ملاصدرا حقیقت همه صفات کمالی از جمله زیبایی را، در تمام مراتب وجود، چیزی جز وجود نمی‌داند. از نظر او، وجود، در هر چیزی و نه تنها در واجب، عین علم، قدرت و سایر صفات کمالی موجود بما هو موجود است. اما، در هر موجود، این عینیت، به حسب وجود آن موجود است. لذا، هر چند او مفهوم این صفات کمالی را با یک دیگر متغایر می‌داند، لکن معتقد است: همه آن‌ها مصداق واحدی دارند و می‌توان این امور را با یک دیگر و با وجود مساق دانست.

حال که دانستیم، از نظر ملاصدرا، زیبایی عین وجود است و تنها به لحاظ مفهومی، با آن مغایر می‌باشد، می‌توان ادعا کرد که تمام احکام حقیقت وجود، و نه مفهوم آن، در باب زیبایی نیز صدق می‌کند. یعنی می‌توان از اکتناه ناپذیری، اصالت و وحدت زیبایی، و نیز از اشتداد و تشکیک در زیبایی و... سخن به میان آورد و با توجه به احکام وجود، بر خلاف بسیاری از فیلسوفان هنر امر و زین زیبایی را از دیدگاه ملاصدرا امری عینی دانست. و بر همین اساس نتیجه گرفت که حقیقت زیبایی تنها از طریق علم حضوری قابل دسترسی است. و از سویی نیز متذکر این نکته شد که از آن روی که وجود خیر و کمال و جمال محض است هر ابتهاج و عشقی در عالم ناشی از وجود معشوق و کمال و جمال هستی اوست که عاشق می‌کوشد تا بدان تشبه جوید.

مسایلی به اظهار نظریه پرداخته و در موارد دیگر بازسازی نظریه‌اش را به ما واگذاشته است. از جمله اموری که ملاصدرا خود به ارایه نظریه در باب آن پرداخته است، می‌توان به مسأله عشق و مبتنی ساختن آن بر مبانی وجودشناختی اشاره کرد.

با بررسی آثار صدرالمآلهین می‌توان هنر را از دیدگاه وی در حیطه صنعت به معنای خاص مورد نظر حکماء طبقه بندی نمود و نیز بر اساس مبانی فلسفی وی، فاعلیت هنرمند را دارای دو وجهه طبیعی و الهی دانست. به این معنا که هنرمند در ایجاد وجود خارجی اثر هنری تنها فاعل حرکت است و نقشی در وجود خارجی آن نداشته و فقط معدافاضه وجود به آن تلقی می‌شود لکن در حیطه ذهن او فاعل الهی است و اوست که در ذهنش به اثر هنر حود وجود می‌بخشد و از همین روی است که با خلق اثر هنری خود به مبدأ متعال تشبه می‌جوید.

از جمله مسایل مطرح در فلسفه هنر و زیبایی شناسی، چیستی هنر است. گرچه می‌توان در آثار ملاصدرا نشانه‌هایی از گرایش وی به برخی از نظریات هنر مطرح نزد اندیشمندان نظیر فرم‌گرایی، بازنمایی، یازنمایی ابداعی، یا فرانمایی یافت و به تعبیری وی را دارای نظریه‌ای مرکب از فرم‌گرایی و بازنمایی ابداعی دانست لکن در مرتبه‌ای بالاتر بهتر آن است نظریه مستنبط از مبانی وی را همانند فلسفه‌اش نظریه «هنر متعالی» دانست. در فلسفه صدرایی کمال و تعالی هنر از دو بعد قابل بررسی است؛ یک بعد آن به هنرمند و بعد دیگر به مخاطب اثر هنری وابسته است.

اما در بعد اول، نظریه هنر ملاصدرا یک نظریه کمال طلب و متعالی است. از دیدگاه او، هنرمند خلیفه الهی است و با ابراز صورت هنری موجود در نفس خود، همانند حق تعالی می‌آفریند و بدین وسیله، به او تشبه می‌جوید، هر چند که آفرینش او، تنها سایه‌ای است از آفرینش آن وجود لایتناهی. هنرمند حقیقی، برای خلق آثار هنری متعالی، با حرکت جوهری نفس و اشتداد وجودی، از بند حس و ماده می‌رهاند و از سکوی خیال به عالم حقایق عقلانی پر می‌کشد. او ره آورد خود را از این سفر در حق، با وساطت دوباره خیال، صورت می‌بخشد و با بازگشت به خلق، یافته‌های خویش را بر بوم نقاشی یا در نغمات موسیقی یا در میانه سطور شعر و داستان، برای آن‌ها بازنمایی می‌کند. بر اساس این تحلیل، هر قدر هنرمند از توانایی بیشتری، در حرکت جوهری، برخوردار باشد و اشتداد وجودی بیش تری یافته باشد، اثر هنری او، به لحاظ ارزشی، در سطح فراتری طبقه بندی می‌شود. از نگاه ملاصدرا، در هنر متعالی، نه تنها محتوا متعالی است، بلکه فرم و صورت نیز متعالی می‌باشد و



یادداشت

محمد کاظم مزینانی

## داستان از نوعی دیگر

در این مختصر داعیه نقد این اثر را داشتن گرانجانی است. پس به چند مشخصه و ویژگی که در این رمان یافته‌ام اشاره‌ای می‌کنم و در می‌گذرم.

۱. نخستین و بارزترین نکته‌ای که در جریان خوانش این اثر به چشم می‌آید، ارائه بن مایه‌های دینی و ایدئولوژیک است و به نوعی بازخوانی گوشه‌هایی از تاریخ سیاسی این کشور. نویسنده در جریان تالیف این اثر کوشیده برخی از باورها و اعتقادات دینی را از زاویه دید یک انسان آگاه به زبان رمان بیان کند؛ تلاشی برای استفاده بهینه از امکانات مدرن ادبی و ظرفیت‌های داستانی، جهت ارائه مضامین دینی و اعتقادی. این رمان را می‌توان از این منظر به داوری نشست و میزان موفقیت نویسنده را مورد ارزیابی قرارداد که ما را با آن کاری نیست.

۲. ورد نویسنده، البته با ویژگی‌های پیش گفته به برخی فضاها و استفاده او از برخی موضوعات و مضامین قابل اعتناست. برای مثال می‌توان به فضای حوزه علمیه و چهره‌های طلبگی و پرداخت شخصیت یک طلبه علوم دینی اشاره داشت؛ نکته‌ای که در فضای داستان نویسی ایران مغفول مانده است. زیرا این گونه فضاها به وسیله داستان نویسان تجربه نشده و آنان که تجربه کرده‌اند نیز در وجه داستانی بخشیدن این فضاها چندان توفیقی نیافته‌اند. از جمله فضاها و مضامین ارائه شده در این رمان می‌توان به فصل‌هایی اشاره داشت که به توصیف عشق و شیدایی، شخصیتی می‌پردازد که با توجه به قرائن و شواهد، یک شخصیت و عالم دینی است که در بند عشقی زمینی گرفتار آمده است. این عشق و دلدادگی اگر چه در فضای مکاشفه‌آلود و نمادین به تصویر کشیده می‌شود و پرداختی چندان واقع‌گرایانه ندارد اما در روند داستان نویسی این سرزمین قابل اعتنا است.

۳. قصد و هدف نویسنده، بخشیدن غنای داستانی به نگاه و منظر دینی، نسبت به دوره‌ای از تاریخ کشور - یعنی دوران تجدد - قابل اعتنا و بررسی است؛ نگاهی که جریان‌ات تاریخی کشور در دوره‌ای خاص را تحلیل و تفسیر می‌کند و با فروگاستن و فشرده ساختن زمان تاریخی به بازخوانی و حتی بازپردازی وقایع و مستندات تاریخی می‌پردازد؛ جریان‌اتی همچون کشف حجاب، ژورنالیسم، فعالیت‌های ساختار شکنانه علیه قدرت حاکم و نگاهی خاص به طبقات اجتماعی و فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ‌ها دارد.

۴. نویسنده با آگاهی از ظرفیت‌های داستانی و تأثیرگذاری جادویی آن، به عنوان ابزاری مدرن، جهت ارائه بن مایه‌های دین و سیاسی، به نوشتن رمان پرداخته است. در هر صورت چنانچه این مولف و یا کسان دیگر از این نگاه و منظر خاص قادر به خلق داستان‌های مدرن شوند، اتفاقی می‌موند در جریان داستان نویسی ما روی خواهد داد؛ جریانی که به ضرس قاطع راه خود را خواهد یافت. اگر چه با جریان غالب داستان نویسی ایرانی - که بیشتر وجهه و نمود روشنفکرانه دارد - زاویه داشته باشد. اگر این جریان موفق شود در بستر باورها و آرمان‌ها و اعتقادات دینی، فضا‌های داستانی جدید بیافریند، شخصیت‌های دینی اما داستانی خلق کند، یا اثر و استعاره بسازد و با حفظ آرمان‌ها و باورهای یساده شده زندگی انسانی را باز آفرینی کند، می‌توان گفت که داستان نویسی اسلامی - ایرانی پا گرفته است.

## گفت و گو

کاوه رحمانی



«انجمن مخفی» در گفت و گو با احمد شاکری

# روایت در مسیر تاریخ

واقعه‌ها در دوره مشروطه، یکی در سال‌های پایانی دوره قاجار و سومی در عصر عاشورا است. این‌ها به لحاظ زمانی از هم متفاوتند...

و برای بیان‌شان نثر متفاوتی باید مورد استفاده قرار گیرد.

حتما، وقتی شما داستانی می‌نویسید که در فضاهای داستانی مختلفی روی می‌دهد، خود زمان مشخص کننده نوع واژگان و شیوه گفت و گوی شخصیت‌ها با هم است. یکی از خصوصیات رمان این است و طبعاً باید میان گفتار کسی که سیصد سال قبل زندگی می‌کند با کسی که صدسال قبل زندگی می‌کند فرق‌هایی وجود داشته باشد.

چطور شد که این سه فضای زمانی را برای رمان انتخاب کردید و با توجه به آن که شخصیت‌ها تخیلی هستند، چگونه آنها را شکل دادید؟

شخصیت‌های داستان برآورنده تیم شخصیتی داستان هستند. کسانی مثل یحیی برمکی یا مستوره، شخصیت‌هایی تپ گونه هستند؛ شخصیت‌هایی که بیان کننده یک حرف کلی به شمار می‌آیند. برخی از شخصیت‌ها الگوی یک مضمون به حساب می‌آیند و بخشی از شخصیت‌ها نقش نمادین به خود می‌گیرند، البته من تلاش داشتم شخصیت‌های فرعی در داستان را از حالت تیبیک خارج کنم. یکی از ویژگی‌های رمان «انجمن مخفی» شخصیت‌هایی هستند که به عنوان محصلان، مدرسان و روحانیان در حوزه علمیه به فعالیت مشغولند و حجم قابل توجهی از این رمان در حوزه علمیه می‌گذرد. اساساً نقطه عطف داستان وقف نامه‌ای است که برای حوزه علمیه نوشته شده به همین دلیل انتخاب شخصیت‌های حوزوی در صدد ارائه دو نظریه و فکر متفاوت هستند. ظاهریون و باطنیون کسانی هستند که در روش متفاوت در تفسیر وقف نامه یحیی برمکی دارند. از این رو انتخاب شخصیت‌ها برای نشان دادن رویارویی این اندیشه‌هاست. شخصیت اصلی رمان هم جوانی فرنگ رفته است و زمان اصلی نیز زمان حال است. انتخاب این شخصیت نیز از آن رو انجام شده که او در هیچ کدام از مسائلی که در رمان مطرح می‌شود، اهل یقین نیست.

می‌خواستید انتخاب این سه زمان را روی در نهایت به چه بینجامد؟

انتخاب این سه زمان مبتنی بر درونمایه‌ای است که در کار وجود دارد. این یک قاعده کلی برای ادبیات داستانی است. همه ما بخشی از آرزوهایمان در آینده و اعتقادات در زمان حال را از تاریخ گرفته‌ایم. یعنی فکری که در دل تاریخ و شخصیت‌های آن وجود داشته است و از سویی معتقدیم که تاریخ از جهاتی قابل تکرار نیز هست. یعنی تاریخ در شخصیت‌های متفاوت تکرار می‌شود، اما با تغییرهای تقریباً یکسان. از همین روست که ما در اندیشه‌های دینی خود واقعه عاشورا را هر سال تکرار می‌کنیم. چون اگر چنین واقعه‌ای قابل تکرار نباشد، الگوپذیری نیز از آن دشوار است. باید گفت واقعه‌ای تأثیرگذارتر و ماندگارتر از حادثه عاشورا در فرهنگ و تاریخ ما وجود ندارد. پس طرح موقعیتی که این واقعه در زمان حال تکرار شود و برداشت‌هایی که همیشه از این واقعه وجود دارد، یکی از مهم‌ترین مسائل در تشیع است. همه ما به تقدس و علو این واقعه باور داریم. اما ممکن است در تفسیر آن با هم اختلاف داشته باشیم پس چطور می‌شود این واقعه را به زمان حال آورد و چه تغییری از آن داشت؟ این دغدغه‌ای بود که در نهایت به نوشته شدن این رمان انجامید.



بگیرد اما ما در اینجا هیچ سندی را مورد استفاده قرار نداده‌ایم.

به هر حال شما برای آن که این رمان را بنویسید، مطالعات تاریخی داشته‌اید. البته ممکن است این مطالعات متاخر و نزدیک به زمان نوشتن رمان نباشد اما به هر حال انجام شده است. این طور نیست؟

نیازی که داستان نویس به خواندن تاریخ دارد برای آن نیست که حرف‌هایش مستند شود. داستان نویس باید اطلاع داشته باشد درست به همان میزان که باید از فرهنگ، رفتار، آداب و رسوم، زبان و برخی از ویژگی‌های محل زندگی‌اش مطلع باشد. دانستن اینها برای مستند بودن داستان نیست. داستان نویس باید آن قدر از تاریخ اطلاع داشته باشد که چیزی را خلاف واقعیت تاریخی در داستانش نگوید. یعنی روایت او در کلیات، یک دروغ تاریخی نباشد. دوم آن که او باید آن قدر از تاریخ بداند که حس واقعی بودن را در مخاطب ایجاد کند. داشتن همین قدر اطلاعات تاریخی برای رمان نویسی که نمی‌خواهد رمان تاریخی بنویسد کافی است. در این میان حساب کسی که می‌خواهد رمان تاریخی بنویسد جد است. کسی که رمان تاریخی می‌نویسد و می‌خواهد شخصیت‌های خود را از دل واقعیت در بیآورد باید جزئیات آن را به طور کامل مطالعه کند و همه چیز را مطابق با این اسناد پیش ببرد. یکی از نکاتی که اشاره کردید استفاده نویسنده از لحن و زبان است. شما هم در این رمان از چند نوع زبان و نثر متفاوت بهره برده‌اید. این تفاوت‌ها از کجا آمده و چگونه شکل گرفته است؟

شکل‌گیری نثر یک داستان معلول علت‌های متنوعی است، یعنی اگر بخواهید بدانید که چرا یکی از عوامل داستانی به شکلی که در حال حاضر موجود است شکل گرفته، باید ارتباط آن با سایر عناصر داستان را مورد مطالعه قرار دهید. نثر این رمان این گونه است، چون تاریخ این گونه می‌طلبید. چون شخصیتی که روایتگر این رویداد است این گونه طلب می‌کند. چون فضا و بستر روایت این گونه ایجاب می‌کند و قصه داستان لازمه چنین نثری است. البته این، توجهات من به عنوان نویسنده رمان است. معتقدم که عناصر داستانی را نمی‌توان جدای از هم بررسی کرد. عناصر داستان جزیره‌های جدا افتاده نیستند. یعنی همان قدر که شخصیت برای بیان حرف‌هایش به نثر احتیاج دارد، نثر نیز نیازهای شخصیت را برآورده می‌کند. بنابراین دلیل انتخاب این نثرهای متفاوت، وجود سه زمان داستانی در رمان است. زمان روایت یکی از

احمد شاکری یکی از نویسندگانی است که همواره کوشیده تا موضوعات بکر و دست‌اول را دستمایه نوشتن قرار دهد. او در آثار داستانی خود نشان داده که از توانایی پرداختن و شکل دادن به این موضوع‌ها نیز به خوبی برخوردار است. این نویسنده که آثاری از جمله «باران نیمروز» و «عریان در برابر باد» را در کارنامه‌اش دارد، در آخرین اثرش به سه برهه تاریخی واقعه عاشورا، مشروطه و پایان دوره قاجار پرداخته است. وی در این باره می‌گوید که روایت او بیش از آن که مبتنی بر استنادات تاریخی باشد بر اساس تخیل و دغدغه‌های مولف که قصد یافتن و نمایش تفسیری درست از وقایع را دارد نوشته شده‌اند.

در رمان‌های مبتنی بر تاریخ، معمولاً یکی از دو وجه روایت داستانی یا استنادات تاریخی از اولویت بیشتری برخوردار هستند. شما چگونه این دو را با هم همراه کردید؟

ما اول باید به این نکته بپردازیم که رمان «انجمن مخفی» در ژانر رمان تاریخی قرار می‌گیرد یا نه و سپس درباره سوال شما صحبت کنیم. رمان تاریخی در بهترین تعریفی که از آن شده، زمانی است که مبتنی بر واقعیات تاریخی را مجدداً روایت و یا حکایت کند. اما کارکرد رمان «انجمن مخفی» با این تعریف چندان همخوانی ندارد. تنها اشتراک این رمان با تاریخ، بستر و برهه تاریخی است که داستان در آن شکل می‌گیرد، چون هر داستان برای روایت به دو عنصر زمان و مکان احتیاج دارد. زمان این رمان سال‌های پایانی دوره قاجار است و مکانش هم تهران قدیم. البته به این واسطه که در این زمان و مکان قرار گرفته نشانه‌هایی از وقایع تاریخی در آن هست، اما نه هیچ کدام از شخصیت‌ها تاریخی هستند و نه حوادث آن با استنادات تاریخی مطابقت دارد. یعنی شما هیچ کدام از این شخصیت‌ها را در تاریخ واقعی نمی‌بینید و حوادث نیز به طور مستقیم در تاریخ ثبت نشده است. البته با استنادات تاریخی در تضاد هم نیستند. در این رمان از واقعه مشروطه سخن رانده می‌شود ولی این واقعه به صورت خاص در شخصیت‌های داستان ساخته شده است به این معنا که ثبت شخصیت‌های داستان با واقعیت تاریخی تخیلی است، چون آنها تخیلی هستند و در نتیجه رابطه‌ای تخیلی با واقعیت تاریخی برقرار می‌کنند. ارتباط «انجمن مخفی» در همین تاریخ اندازه است به همین خاطر چون بر تخیل تأکید می‌شود و نسبت این شخصیت‌ها با تاریخ اندک است نیازی به اسناد نیست بلکه داستان شخصیت‌هایی تخیلی در بستر تاریخ است که البته اینها در دل تاریخ فعالیت می‌کنند و نگاهشان به وقایع و تحلیل اجتماعی و فرهنگی، می‌تواند در بستر تاریخ جا بگیرد. اما همه جزئیات رمان را نمی‌توان به تاریخ منتسب کرد. از همین روست که هیچ اسنادی در انتهای کتاب و در صفحات آن نیامده است. از این رو حضور تاریخ در این رمان بسیار اندک اما مداوم است. یعنی شما می‌توانید این بستر و پس زمینه تاریخی را در کل رمان ببینید. به همین دلیل معتقدم که این نکته با پیش فرض سوال شما متفاوت است.

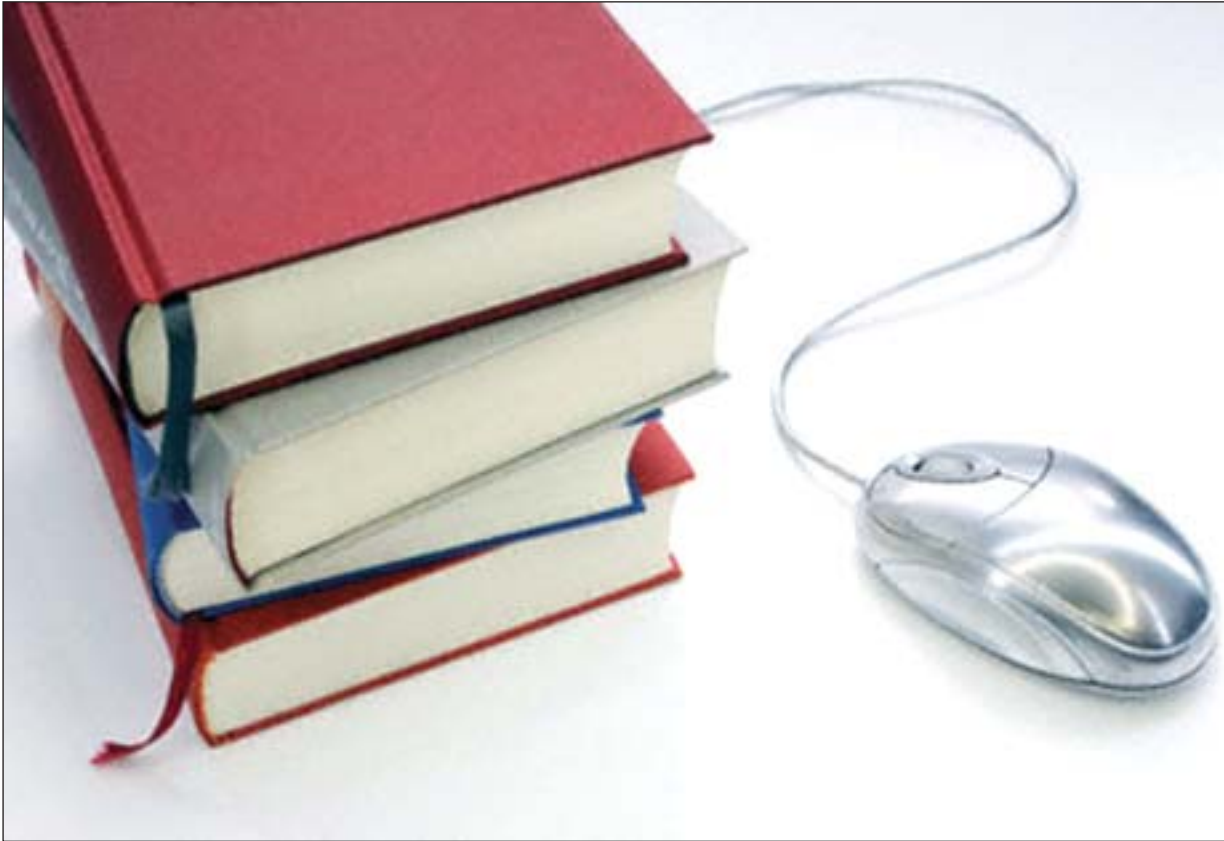
سوال این بود که اگر رمان بر اساس استنادات است، چگونه این استنادات با روایت داستانی آشتی داده شده؟

آشتی دادن اسناد با وقایع تاریخی می‌تواند صورت



نویسندگان الکترونیک و مدیریت محتوا

# افسون محتوای الکترونیک



به روزرسانی و ذخیره سازی اطلاعات و محتویات یک سایت اینترنتی برای یک نویسنده که قصد دارد متن کتاب خود را غنا بخشد نشانه‌ای است از فعال بودن وی و در عین حال جذب یا حفظ مخاطبان بالقوه و بالفعلی که او دوست دارد مطالبش را به آنها ارائه کند. مسلماً با رعایت یک شیوه یا رویه ثابت در به هنگام سازی اطلاعات و محتویات یک سایت اینترنتی می‌توان موفقیت یک سایت را در یک زمان معین تضمین کرد. آنچه خواندید نظرات آقای تابان خواجه نصیری یکی از کارشناسان و فعالان عرصه محتوای الکترونیک است که در این زمینه کارگاه برگزار می‌کند.

به نظر شما محتوا در یک سایت الکترونیک به خصوص در نشر الکترونیک چه جایگاهی دارد؟ اطلاعات و محتوای مکتوب و متنی یک سایت از دید آنها که سال‌ها در زمینه طراحی و پیاده سازی سایت‌های اینترنتی تجربه دارند مهم‌ترین داشته سایت‌ها به شمار می‌رود. شاید برخی از شما این جمله معروف رانیز شنیده باشید که کارگران فناوری اطلاعات در گوشه و کنار دنیا به این عقیده دارند که Content is the King و این همان چیزی است که می‌گویند می‌تواند موفقیت شما را در گستره اینترنت تضمین کند.

در صورت امکان در این مورد توضیحات بیشتری ارائه بدهید.

محتوای سایت شما هر چه که باشد به خصوص یک کتاب یا نشریه الکترونیک باید محتوایی منحصر به فرد داشته باشد. به این معنی که حتی الامکان، مخاطب هدف شما نتواند آن را در جای دیگری در فضای سایبر پیدا کند. اگر چنین باشد، مخاطبان هدف می‌توانند شما را از طریق موتورهای جست و جوگر بیابند. از سوی دیگر اضافه کردن داده‌های جدید و به روزرسانی و اصلاح اطلاعات قدیمی برای سایت‌های وب یک ضرورت انکارناپذیر است. کاربران اینترنت به دنبال اطلاعات جدید هستند و اطلاعات قدیمی و تکراری آنها را مایوس می‌کند و ممکن است به همین دلیل دیگر به دیدار شما و مطالب الکترونیکی تان نیایند.

معمولاً وبلاگ‌ها را هم یکی از منابع خوب نوشتاری معرفی می‌کنند. نظر شما در این مورد چیست؟

یکی از دلایلی که موجب موفقیت و جلب توجه وبلاگ‌ها در عرصه اینترنت شده به همین دلیل وبلاگ‌ها توانسته‌اند حجم عظیمی از اطلاعات جدید و بکر را در اختیار عموم کاربران اینترنتی قرار دهند. مثلاً فیلم جدید و تازه‌ای را در نظر بگیرید و یا نمایشنامه جدیدی که بر روی صحنه می‌رود، اولین تماشاگران آن فیلم یا نمایش، دست اول‌ترین اخبار و اطلاعات و نقد و بررسی‌ها را می‌توانند در وبلاگ‌های شخصی خود به نمایش بگذارند. این اینترنت، امکان دارد پیش از آن مطلبی نوشته یا منتشر و منعکس نشده باشد. سایت‌های اطلاع رسانی روی وب که اطلاع رسانی را سرلوحه‌ی کارها و اقدامات خود قرار داده‌اند، بدون اطلاعات جدید به زودی اعتبار خود را از دست می‌دهند و در صورتی که فکری به حال خود نکنند، در مقابل وبلاگ‌ها کم می‌آورند. محتوای وبلاگ‌ها را می‌توان خیلی سریع و در واقع از تولید به مصرف دانست و این همان

چیزی است که موجب موفقیت وبلاگ‌ها در جلب توجه مخاطبان شده است. وبلاگ‌های خوب، روی یک موضوع منحصر به فرد زوم می‌کنند.

توصیه شما به نویسندگان اینترنتی چیست؟

شما به عنوان یک نویسنده باید بدانید اگر مطالب تکراری داشته باشید ۸۵ درصد از بازدیدکننده‌های شما، دیگر به وب سایت یا وبلاگ شما باز نمی‌گردند. آیا شما این را می‌خواهید؟ مطمئن هستم که نه، شما این را نمی‌خواهید. کتاب الکترونیک یا نشریه الکترونیک یا سایت یعنی محتوا، یعنی چیزی ارائه کنید که جای دیگری نیابید، یعنی یک برداشت شخصی، سریع ولی حرفه‌رو روی یک موضوع نه روی موضوعات مختلفی که هیچ ربطی به هم ندارند.

یکی از مسائلی که در نوشتار الکترونیکی مطرح می‌شود مستند نبودن آنهاست. آیا راه حلی برای این موضوع هست؟

انتقاد سازنده از یک موضوع هم راه و روش دارد و متأسفانه نویسندگان ما کمتر به این موضوع اندیشیده‌اند که به تحقیق روی آورند. در مورد چیزهایی که می‌بینید یا می‌شنوید، ابتدا تحقیق کنید و بعد منابع را معرفی و بعد منتشر کنید. این ساده‌ترین شیوه برای ایجاد یک محتوای منحصر به فرد و جالب است که مخاطبان شما را میخکوب می‌کند و توجه آنها را به پیگیری نوشته‌هایتان جلب می‌کند.

برای ساخت یک سایت یا طراحی یک کتاب الکترونیکی چه مراحل را باید طی کرد؟

در مورد سایت‌های وب، چنانچه بخواهیم کاری اصولی و اساسی انجام دهیم که در طولانی مدت به نفع سایت و یا حتی وبلاگ ما باشد، باید بگوییم که طراحی و پیاده سازی یا تهیه و تدارک یک سیستم مدیریت محتوا (Content Management System) برای سایت یا وبلاگ یا کتاب الکترونیکی است - که قبلاً به صورت مکتوب منتشر نشده باشد - این با توجه

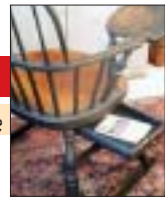
به گستردگی موضوعات سایت، باید مورد توجه طراحی یا جمع آوری اطلاعات به منظور انتخاب و خریداری سیستم قرار گیرد. در واقع وبلاگ‌ها و دستنوشته‌ها به نوعی یک سیستم مدیریت محتوای اما در سطحی کوچک و محدود هستند. اداره کننده کتاب الکترونیکی کوچک باید در پشت صحنه وبلاگ یا وب سایت خود از یک نظام و ثبات رویه برخوردار باشد. به روزرسانی‌ها باید حتی الامکان دارای یک نوع نظم از پیش طراحی شده باشد. سایت‌های وب با ماهیت پورتال، یا سایت‌های صرفاً جهت اطلاع رسانی و خبری، بازارهای الکترونیکی افقی یا عمودی که مثلاً طیف وسیعی از اقلام کالا و خدمات، پروژه‌ها و کارهایی، مزایده و مناقصه‌ها را در بر دارند و یا آنجا که به صورت عمودی فعالیت می‌کنند اطلاعات منحصر به فرد در خصوص یک نوع آیتم مثل خودرو را ارائه می‌دهند و علاوه بر آن، در کنار فعالیت اصلی سایت خود می‌خواهند ارائه دهنده گزیده‌ای از اخبار مرتبط، مقالات مرتبط، آمار و ارقام و اطلاعات متنوعی پیرامون موضوع اصلی خود باشند. به طور خلاصه باید برای تولید محتوا (خبر یا مقاله یا کتاب و نشریه) وارد چرخه مهم جمع آوری و ساختن اطلاعات و محتوا، بررسی و تایید (Verify) و در نهایت قالب بندی (Formating) محتوا بود. همچنین باید برای به روزرسانی و ذخیره سازی و نمایش محتوای خود حتی الامکان دارای یک سیستم مدیریت محتوا (CMS) منحصر به فرد و در عین حال کارا و موثر باشند که بتوانند به طور ثابت اطلاعات و محتوای سایت را به صورتی منظم و حتی الامکان خودکار انجام دهند.

بزرگ‌ترین مشکل محتوای نشریات و کتاب‌های الکترونیک ما و البته راه حل رفع آن چیست؟

نداشتن یک سیستم مدیریت محتوا در تک تک وب سایت‌هایمان کاملاً مشاهده می‌شود و من معتقدم

که ما باید یک سازوکار مدیریت محتوا جامع و کلی در سطح سایت‌ها و وبلاگ‌هایمان داشته باشیم. توجه داشته باشید که این سیستم قرار نیست محدودیت ایجاد کند بلکه باید به فعالیت‌ها نظم و ترتیب بیشتری بدهد. فرض کنید یک رویداد در نقطه‌ای از کشور مورد توجه و پوشش خبرنگاران خبرگزاری‌ها قرار می‌گیرد. در اکثر خبرگزاری‌ها، شیوه‌ارسال اخبار تکمیل کننده خبر قبل رعایت می‌شود که در ایران من، شخصاً، خیلی کم چنین چیزی را دیده‌ام. خبری که تهیه می‌شود، از زمان تولید وارد سیستم مدیریت محتوا می‌شود که به نظر من باید توسط سایر منابع به نوعی تکمیل تر شود و در این سیستم مدیریت محتوای جامع، اخبار و اطلاعات تحلیل شود. در یک سیستم جامع مدیریت محتوا، نیازهای مخاطبان را باید در نظر گرفت و تعامل مداوم بین عوامل تهیه و تنظیم خبر، اطلاعات و مصرف کنندگان آن، موجب می‌شود که وقت و سرمایه نیروهای انسانی و از طرف دیگر تجهیزات و امکانات فناورانه بیهوده تلف نشود.

نمایش اطلاعات و محتوای تکراری از سایت‌های دیگر بر روی سایت‌های اینترنتی ما از جمله مواردی است که باید از آن حتی الامکان اجتناب شود چرا که مخاطبان این سایت‌ها نیاز به اطلاعات و محتوای تکراری ندارند، بلکه باید برای آنان محتوایی منحصر به فرد که در هیچ کجای دیگر روی اینترنت یافت نشود تهیه و تنظیم و ارائه کرد. در یک سیستم مدیریت محتوا یا (CMS) اهمیت وجود عنصر نویسنده برای خلق محتوای مورد نظر و واقعاً مورد نیاز جامعه کنونی ما. که تشنه اطلاعات نیز هست. ضروری است و حیاتی و دوام سایت‌های ما همان طور که بدون بازدید کننده و کاربر یا عضو غیر ممکن به نظر می‌رسد، بدون نویسندگان خبر یا تحلیل‌های خبری و مقالات نیز امکان پذیر نیست. اینترنت یک رسانه مکتوب است و متن، اساس آن به شمار می‌رود.



اولین دوره جشنواره مطالعه مفید آبان ماه ۸۷ توسط نهاد کتابخانه های عمومی کشور، در تهران برگزار می شود. در این جشنواره که با هدف توسعه مطالعه مفید برگزار می شود، مقالات، پایان نامه ها و پژوهش های منتشر شده و منتشر نشده در پنج گروه مطالعه مفید، توسعه کتابخانه های عمومی، کتابخانه های رقمی (دیجیتال)، فناوری، اطلاع رسانی و کتابداری و مشارکت و عزم نهادهای دولتی و غیر دولتی در توسعه کتابخانه ها، داوری می شود. با علی اکبر حاج مومنی مدیر کل روابط عمومی و امور بین الملل نهاد کتابخانه های عمومی و دبیر اجرایی این جشنواره درباره جشنواره مطالعه مفید و اهداف آن به گفت و گو نشستیم.

علی اکبر حاج مؤمنی، دبیر جشنواره مطالعه مفید:

# کتابخوان های حرفه ای گرد هم می آیند

به طور قطع شرط لازم هست ولی شرط کافی نیست. به این مفهوم که ما در بخش مطالعه مفید در حال ورود به مرحله شروع هستیم اما تا کنون هیچ نهادی به طور جدی به این مقوله نپرداخته است و ما باید از جایی شروع می کردیم. اما اگر توسعه کتابخوانی مفید را فقط به برگزاری یک جشنواره محدود کنیم، کار اشتباهی است.

ما برگزاری این جشنواره را نقطه آغاز می بینیم. اداره مربوط به کتابخوانی مفید در نهاد کتابخانه های عمومی در حال شکل گیری است و مسئول آن به زودی منصوب می شود. مساله ما فراتر از صرفاً تشکیل یک دبیرخانه است؛ مساله تشکیلاتی است که در چارچوب یک نهاد عمومی غیر دولتی عهده دار توسعه مباحث مرتبط با مطالعه مفید است.

**برگزاری چنین جشنواره هایی در درازمدت چه تاثیری بر توسعه کتابخوانی خواهد گذاشت؟**

به طور طبیعی با برگزاری این جشنواره مجامعی متشکل از نخبگان عرصه توسعه کتابخوانی در سطح کشور شناسایی می شوند و سنگ بنای تشکیل بانک اطلاعاتی نخبگان این عرصه گذاشته خواهد شد. پس اولین دستاورد ما تشکیل این بانک است.

از سوی دیگر می توانیم به یک ارزیابی درباره اینکه چه منابعی در زمینه کتابخوانی مفید در کشور وجود دارد برسیم و پدید آورندگان آنها را شناسایی و تشویق کنیم تا ما در تحقق اهداف مطالعه مفید یاری کنند.

از طرف دیگر سوژه مطالعه مفید، مربوط به بخش های دانشگاهی است. در رشته کتابداری بخش عمده ای از مباحث، به اداره و خدمات فنی اختصاص دارد؛ در حالی که در بخش خدمات کتابخانه ای باید به کیفیت کتابخوانی هم توجه داشته باشیم و برگزاری این جشنواره یک گام به جلو است.

**توجه به مقوله مطالعه مفید چه اثری بر آموزش کتابداری می گذارد؟**

این انتظار وجود دارد که بر آموزش کتابداری هم اثر بگذارد چون آموزش کتابداری ما باید با توجه به نیازهای جدید تعریف شود.

دقیقاً اعلام نشده است که سرانه مطالعه در کشور ما چقدر است اما مساله این است که مشوق های مطالعه نباید به سمت خود مطالعه سوق پیدا کند، بلکه باید ببینیم چه انتظاری از مطالعه داریم؟ آیا به دنبال مطالعه مفید هستیم یا مطالعه برای مطالعه؟ توجه به مقوله مطالعه مفید یکی از مسائلی است

که می تواند به بحث های مرتبط با جایگاه و لزوم آمارگیری در این حوزه بپردازد. برای توسعه مطالعه مفید، نیاز اولیه ما آمار است تا ببینیم در کجا ضعف داریم و در چه نقاطی استعداد توسعه بیشتر است. در کشور ما جدال بین آمارها وجود دارد و ماهیت روش های علمی در آمارگیری این حوزه مورد تردید است. ما نتوانسته ایم هیچ ملاکی را برای این آمارگیری احصا کنیم و توجه به مقوله مطالعه مفید می تواند در این آمارگیری به ما کمک کند.

نهاد کتابخانه های عمومی به عنوان نهادی که ۱۸۰۰ کتابخانه در سراسر کشور را تحت پوشش خود دارد، با گردآوری و مطالعه آمارها و گزارش هایی که از سوی این کتابخانه ها ارائه می شود، می تواند بخشی از این نیازها را احصا کند و در گسترش مطالعه مفید گامی رو به جلو بردارد.



کتابخانه های رقمی (دیجیتال)، فناوری؛ اطلاع رسانی و کتابداری و مشارکت و عزم نهادهای دولتی و غیر دولتی در توسعه کتابخانه ها متشکل از استادان مرتبط با این حوزه ها تشکیل شد که کار داوری آثار را در صورت های مقاله، پایان نامه و تحقیقات چاپ شده و چاپ نشده بر عهده گرفتند. در نهایت از هر گروه چهار مقاله انتخاب می شود و ۲۰ پژوهش مورد تجلیل هیات داوران قرار می گیرد. مهلت ارسال آثار تا چه زمانی است و جشنواره چه زمانی برگزار می شود؟

مهلت ارسال آثار تا پایان شهریور ماه جاری است و جشنواره ۲۴ آبان ماه به کار خود پایان می دهد.

**دلیل انتخاب آبان ماه، تقارن با هفته کتاب جمهوری اسلامی است؟**

چون بیشتر مناسبت های مرتبط با کتاب در آبان ماه برگزار می شود، ما هم سعی کردیم به این نکته توجه داشته باشیم. از طرف دیگر با توجه به این که مهمانانی از سراسر کشور خواهیم داشت، آب و هوای ماه آبان مساعدتر به نظر می رسد.

**این جشنواره بخش جنبی هم خواهد داشت؟**  
در کنار این جشنواره نمایشگاه کاریکاتور مطالعه مفید با شرکت گروهی از کاریکاتوریست های کشور که آثاری در این زمینه داشته اند، برگزار می شود. همین طور در حوزه عکس، فیلم و کلیپ های انیمیشن مذاکرانی با نهادهای ذیربط داشته ایم تا در زمان برگزاری جشنواره فعالیت های خود را از طریق صدا و سیما جمهوری اسلامی معرفی کنیم. برگزاری جشنواره مطالعه مفید چقدر می تواند به گسترش کتابخوانی کمک کند؟

مطالعه در جمهوری اسلامی ایران را بر اساس نیازهای ملی و اسلامی تبیین کند و به سمت اهداف سند چشم انداز ایران ۱۴۰۴ هجری شمسی هدایت کند. با ذکر این مطالب تلاش کردم نوعی آسیب شناسی از این وضعیت ارائه دهم. در واقع بحث مطالعه مفید در ارتباط با جهت دهی به نظام مطالعاتی کشور در بخش عمومی و افزایش کیفیت خوانش مطرح می شود. افزایش کیفیت خوانش، مفهومی است که بسیاری از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه روی آن کار می کنند. از جمله کشور کانادا که نظام اداره کتابخانه های عمومی آن مانند کشور ما مبتنی بر تشکیلات غیر دولتی است.

**ساز و کار اجرایی جشنواره مطالعه مفید چگونه است؟**

در ابتدای سال ۸۷ فراخوان این جشنواره را اعلام کردیم و بر اساس این فراخوان پنج گروه مطالعاتی مطالعه مفید، توسعه کتابخانه های عمومی، تشکیلات غیر دولتی است.

**نخبگان کتابخوانی در جشنواره مطالعه مفید شناسایی می شوند تا سنگ بنای بانک اطلاعاتی کتابخوان های حرفه ای گذاشته شود**

**طرح برگزاری جشنواره مطالعه مفید چگونه شکل گرفت؟**

بعد از اینکه مهندس منصور واعظی به دبیر کلی نهاد کتابخانه های عمومی منصوب شدند، چارت تشکیلاتی جدید نهاد کتابخانه های عمومی را بر اساس برنامه میان مدت به تصویب هیات امنای نهاد رساندند. هیات امنای ریاست وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی اداره می شود و شخصیت های حقیقی و حقوقی مانند مهندس چمران؛ رئیس شورای شهر تهران، علی اکبر اشعری؛ رئیس کتابخانه ملی، خانم دکتر مباحثی از دانشگاه الزهراء، خانم سیمین دخت وحیدی، آیت الله آشتیانی عراقی و علی اصغر شعر دوست در آن عضو هستند.

از جمله مدیریت هایی که در برنامه میان مدت دبیر کل جدید نهاد در نظر گرفته شده بود، مدیر کل مطالعه مفید نهاد است که زیرمجموعه معاون امور کتابخانه ها است. در حال حاضر هنوز مدیر کل مطالعه مفید منصوب نشده است، ولی کارهای کارشناسی این بخش در نهاد کتابخانه های عمومی در حال پیگیری است.

درست است که یکی از وظایف مهم نهاد، توسعه کتابخانه هاست، اما وظیفه محوری آن توسعه کتابخوانی و جهت دهی کتابخوانی به منظور مطالعه مفید است.

**منظور از مطالعه مفید چیست؟**

مطالعه مفید یک مفهوم انتزاعی نیست و اساساً مبتنی بر نظریه کیفیت خوانش است که مطالعه مفید را با توجه به سرگرم کنندگی، توسعه کتابخوانی و زمینه سازی برای شکل گیری و قوام مطالعات تخصصی در نظر می گیرد.

آنچه درباره مطالعات تخصصی گفته شد به این مفهوم نیست که وظیفه نهاد باشد چون کتابخانه های عمومی مروج توسعه کتابخوانی عمومی هستند و در آنها به مباحث تخصصی توجه نمی شود چرا که هر چند کلیاتی در حوزه های تخصصی دارند، ولی کار ویژه کتابخانه عمومی ما خدمات عمومی کتابخوانی است.

به عنوان مقدمه باید بگویم که در حال حاضر بر اساس قانون مصوب سال ۱۳۸۲ مجلس شورای اسلامی به جز پنج نهاد کتابخانه های عمومی، کتابخانه ملی، کتابخانه آستان قدس رضوی، کتابخانه آستان حضرت عبدالعظیم و کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، هیچ دستگاهی اجازه تأسیس کتابخانه عمومی را ندارد چون دخالت در عرصه کتابخوانی عمومی، در واقع زمینه ساز انحراف فرهنگ عمومی می شود. متأسفانه یکی از نهادهایی که به طور خودسرانه و بدون هیچ گونه وجاهت قانونی، به تأسیس کتابخانه ها می کند، شهرداری تهران است.

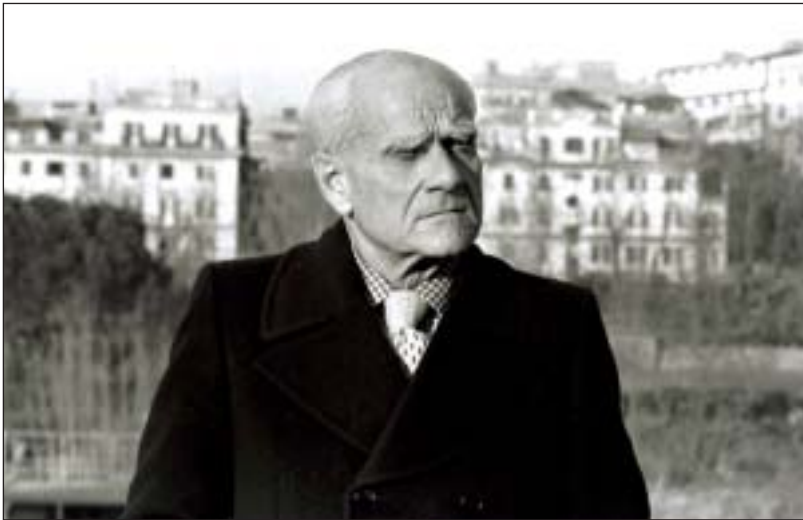
برای ترویج مفاهیم کتابخوانی هیات امنای نهاد کتابخانه های عمومی دارای اهلیت سیاست گذاری است و شهرداری هیچ اهلیتی برای این کار ندارد. با ذکر این مقدمه می خواهم به این نتیجه برسیم که مطالعه مفید در بخش تخصصی کتابخانه های عمومی جای می گیرد. یعنی ممکن است نهادی مانند شهرداری تهران کتابخوانی عمومی را گسترش دهد اما از درونش اعتلای فرهنگ عمومی و اعتلای زمینه های تخصصی کتابخوانی زاده نشود. بخش مطالعه مفید تلاش می کند که نظام و سامانه





موراویا از «دلدنکی» و سایر کتاب هایش می گوید

# سرزمین های وارونه



اگر به تصویر در آوردن کلانشهرها و زندگی تو در تو و پیچیده، یکی از وظایف نویسنده دنیای مدرن باشد، آلبرتو موراویا یکی از چهره هایی است که به بهترین نحو از پس این کار برآمده است. نوشته های موراویا به بهترین وجه دغدغه های ذهنی یک انسان اروپایی را به تصویر می کشد. او در رمان ها و داستان های کوتاهی که نوشته نشان داده است که با وجود همه پیشرفت های فناوریانه، زندگی مردم اروپا تغییر چندانی نکرده است. نمایش فقر و بدبختی در اروپا و مردمانی که با وجود زندگی در کنار کاخ ها، روش مردمان کوخ نشین قرون وسطی را حفظ کرده اند ثروتمند با آن که با ظواهری متفاوت به زندگی ادامه می دهند اما در نهایت همچنان با فقر اخلاقی روبه رویند؛ فقری که موراویا در نوشته هایش از جمله «دلدنکی» آن را به خوبی به تصویر کشیده است. او در کنار نویسندگانی همچون مارسل پروست که به تصویر دنیای ثروتمندان اروپایی پرداخته به خوبی نشان می دهد که این قشر از چه انحطاط اخلاقی رنج می برد. موراویا در مصاحبه ای در این باره گفته است: «متأسفانه هیچ چیز ما با مردمان پیش از تاریخ فرق چندانی نکرده است. اگر آنها برای تکه ای غذا دیگری را از پای می انداختند، ما نیز چنین می کنیم، اما به جای یک تکه غذا، یک اسکناس همین وضعیت مشابه را ایجاد می کند و تنها تفاوت ما با مردمان اولیه در آن است که ماسک ما جدیدتر و قشنگ تر است.»

موراویا در نوشتن رمان دو عنصر را در نظر می گرفت؛ یکی عنصر داستانی و دیگری نمایش. وجه شاخص رمان هایش را نیز باید در به تصویر کشیدن زشتی ها و پلشتی های دنیای غرب به حساب آورد. نگاه موراویا آمیخته با رئالیسم خنثی است که این فضا را به تصویر می کشد، از همین رو او در حال انتقاد مداوم از فرهنگ ایتالیا و اروپاست. او در این رهگذر، قشر متوسط را بیش از بقیه مورد انتقاد قرار می دهد.

موراویا در رمان «دلدنکی» نه تنها واقعیات ملموس زندگی را مورد توجه قرار داده بلکه در رویارویی با واقعیات، اندیشه ها، اعتقادات و ارزش ها نیز به داستان پردازی پرداخته است. او در مصاحبه ای در این باره گفته است: «نه با تملک چیزها و نه با تجزیه و تحلیل آنها، که فقط با درک و پذیرش آزادی و استقلال آنهاست که می توان ارتباط عمیقی با پدیده ها برقرار کرد.» او می افزاید: «هیچ گاه برخلاف آن که به نظر می رسد، نمی توان به واقعیت عینی رسید، فقط می توان درباره اش به تامل نوشت.» از همین روست که او در رمان «دلدنکی» یک نقاش را به عنوان شخصیت اصلی اش برگزیده است، چرا که این نقاش،

علاوه بر آن که با واقعیت عینی رنگ، بوم و طرح سروکار دارد، از سوی دیگر نمی تواند عینیت را همان گونه که هست به تصویر بکشد. موراویا در این مورد گفته است: «نقاشی مرز باریکی است میان واقعیت و عینیت. یک نقاشی همان قدر می تواند واقعی باشد که می توان تصورش کرد و همان قدر هم می تواند از واقعیت به دور باشد، گویی اصلاً وجود نداشته است. نکته در اینجا است که ما واقعیت را چگونه می بینیم.» او انتخاب یک نقاش به عنوان شخصیت محوری رمانش را برخاسته از این حس دوگانه می داند و معتقد است که در این واقعیت خشن اجتماعی، شاید تنها یک هنرمند بتواند واقعیت را هاشده از پول و قدرت اجتماعی را ببیند.

شخصیت هایی که موراویا در «دلدنکی» به تصویر می کشد، شخصیت هایی هستند که به نظر می رسد هیچ پایگاه اخلاقی و اجتماعی تعریف شده ای ندارند و با این که از طبقه مرفهان جامعه به حساب می آیند، اما گاه دست به اعمالی می زنند که به هیچ وجه توجیه شدنی نیست. نویسنده مطرح ایتالیایی در این مورد گفته است: «سال هاست به ما اثبات شده که بین پول و فضیلت اجتماعی هیچ ارتباطی وجود ندارد. من در رمان «دلدنکی» نشان داده ام که چگونه برخی از آدم های پولدار، دزد هستند. گرچه آنها به ظاهر هیچ گونه نیاز مالی ندارند، اما از کوچک ترین امکان برای دزدیدن فرصت و پول دیگران نمی گذرند.» از همین جهت آدم های رمان موراویا، شخصیت هایی هستند که با نگاه نه چندان خوشایندی رفتار دیگران را دنبال می کنند. آنها دچار بدبینی و شک مغرطی نسبت به دیگران هستند؛ شک که روح و روان انسان غربی را به شدت به خود درگیر کرده است. او در این کتاب نثر قابل توجهی را عرضه کرده

## درباره آلبرتو موراویا

آلبرتو موراویا - با نام اصلی آلبرتو پینکرله - رمان نویس و نمایشنامه نویس ایتالیایی در سال ۱۹۰۷ در شهر رم متولد شده و طی ۸۳ سال عمر خود، بیش از ۳۷ رمان، مجموعه داستان کوتاه و نمایشنامه منتشر ساخته است. وی یکی از نویسندگان مطرح قرن بیستم ایتالیاست و پازولینی او را فرهیخته ترین نویسنده تاریخ ایتالیا می داند. وی در دوران حکومت موسولینی، از مخالفان سیاست های او بود. زن سرخ پوش، دلدنکی، دنباله رو، بی تفاوت ها و داستان های رومی از جمله آثار مطرح این نویسنده اند. آخرین اثر او یک ماه پس از درگذشتش با عنوان «آشیانه» منتشر شد. رمان ها و داستان های بلند موراویا همواره با رویکردی تراژیک نوشته می شوند، اما او داستان هایی طنزگونه نیز دارد که از میان آنها می توان به «داستان های رومی» اشاره کرد. او همچنین داستان هایی را در سبک سوررئال (فرا واقع گرایانه) خلق کرده است. این نویسنده سبک روایتگری خاص خودش را دارد. به باور منتقدان، زبان ایتالیایی موراویا بسیار پیشرفته و قوی است و ظرافت های نثر او باعث می شود لطف اثر در ترجمه از زبان واسطه از میان نرود.

## یادداشت

نگار نجات بخش



## از نگاه یک نقاش

روایت در رمان های بزرگ جهان، با شخصیتی که راوی آن است همخوانی و همسانی دارد. به عنوان نمونه وقتی ویلیام فاکنر در رمان مشهور خود «خشم و هیاهو»، به روایت ذهن از هم پاشیده یک عقب افتاده ذهنی می پردازد، روایتی مغشوش دارد. فصل اول این رمان که به گفته بسیاری از منتقدان ادبی، شاهکار نویسندگی ویلیام فاکنر به حساب می آید، از ذهن یک مرد سی و چند ساله روایت می شود، اما از آنجایی که این شخصیت در خردسالی مانده و پس از آن رشد ذهنی نکرده، داستان بسیار درهم و از هم گسیخته روایت می شود هر چند نمونه هایی از این دست در دنیای ادبیات کم نیستند.

آلبرتو موراویا نیز در کتاب «دلدنکی» رویکردی مشابه را در استمبایه کار خود قرار داده است. قهرمان او نقاشی سی و پنج ساله است و این نکته ظرافت های ساختاری خاصی را بر رمان حاکم می کند. او به عنوان یک نقاش به جزئیاتی توجه می کند که شاید کمتر فردی به آن توجه داشته باشد. ممکن است این توصیف ها بسیار ساده و کوتاه باشند، اما تنها یک نقاش است که می تواند به آنها توجه داشته باشد. در ابتدای رمان می خوانیم که نقاش برای روز تولد سی و پنج سالگی اش قصد دارد به دیدار مادرش برود. او پیش از این شرح داده که حس دلدنکی عجیبی آزارش می دهد، اما توصیفی که او از جاده می دهد، حس دلدنکی را بیشتر انتقال می دهد: همین نکته نشان از ظرافت اندیشه نقاش دارد: «قلبم با دلواپسی سنگینی بیشتر و بیشتر می زد و دلواپسی ام روی جاده آبی یمن، بین درختان سرو و کاج های سرنگون شده و ویرانه های به آتش کشیده شده و ردیفی طولانی از گل و گیاهان کنار جاده، فرو می ریخت.» نقاش در ادامه می گوید: «تا این که، راه باریک ویلا از آن بالا دیده شد، من به تنه های پیچ و تابدار سروها و کاج ها نگاه کردم و ویلای کوچک و قرمز را زیر آسمانی مملو از ابرهای خاکستری قوز کرده دیدم. که پنداری در لایه کثیفی فرورفته بود. و با روح وحشت زده ام آن را شناختم.»

آلبرتو موراویا با انتخاب هوشمندانه این نقاش به عنوان شخصیت محوری داستانش، به طور توانمند چند بعد به داستانش داده است که علاوه بر نگاه دقیق یک نقاش، حس هنرمندانه و حساس او نیز وارد رمان شده است. در فصل نهم رمان، وقتی که راوی تصویر مادرش را در روز عروسسی به خیسال می آورد و از دست و دل بازی اش می نویسد، ناخودآگاه در یک روایت ذهنی دیگر به وصف او می پردازد. این تصویر فقط می تواند در ذهن حساس یک هنرمند شکل بگیرد و موراویا از این امکان بهره می گیرد: «اغلب از خودم می پرسیدم که دنیای مادرم چه جذائیتی دارد؟ اما آن روز در آنجا، فقط این جمله را به یاد آوردم و چهره هایی در اطراف خودم دیدم و در نهایت همه چیز را فهمیدم. در واقع، به مهمان های مادرم دقت کردم و فوری احساس کردم که خیلی ارزش ندارند که به خودم سخت بگیرم.»

موراویا در رمان «دلدنکی» همچون سایر کارهایش به نقد جامعه اروپایی به ویژه قشر سرمایه دار پرداخته است. او همه چیز این جامعه را به نقد می کشد؛ از بت های دروغین گرفته تا مدیرستی، ایدئولوژی ساخته شده بر باد هوا و البته نگاه سرسری اش. موراویا در این رمان نشان می دهد که انسان غربی تا چه اندازه خود و دنیایش را به ویرانی کشانده است.

است. دیالوگ های دقیق و برخاسته از زندگی روزمره از ویژگی های کار موراویاست. این نویسنده برای رسیدن به چنین نثر و دیالوگ هایی که به نظر واقعی می رسند، اول از همه به دل اجتماع نظر داشته است. به گفته یکی از منتقدان آثار این نویسنده ایتالیایی، او همواره دفترچه کوچکی را در جیبش نگاه می داشت و عبارات ها و گفت و گو هایی را که به نظرش جالب می آمد، در آن می نوشت. از سوی دیگر، موراویا برخی از این دیالوگ ها را با دوستانش در میان می گذاشت.

او دوست نقاشی داشته که در نوشتن رمان «دلدنکی» کمک شایانی به او کرده است. موراویا ضمن رد این نکته که رمان «دلدنکی» هیچ ربطی به دوست نقاشش ندارد، در این مورد گفته است که دیالوگ ها را به دوستش می گفته و از او می خواسته که آن را از دیدگاه یک نقاش روایت کند. او از دوستش می خواسته که خود را در موقعیت شخصیت داستانی قرار دهد سپس دیالوگ مورد نظر را با توجه به فضا و بافت روایی بازگو کند. البته موضوع دیالوگ ها از پیش تعیین شده بوده اند. موراویا در توضیح بیشتر این نکته گفته است: «کار یک نویسنده همچون کار یک ذره بین است. او همه آنچه را که در واقعیت وجود دارد، نزدیک می آورد و دوباره به ما نشان می دهد. کار او شبیه یک جمع آورنده تمبر است، چیزهای جالب را جمع می کند و کنار هم می گذارد، هر چند ممکن است این چیزها از نگاه مردم ارزش چندانی نداشته باشند اما او تاریخ را از نگاه خودش می سازد.»

وجوه انتقادی و اجتماعی آلبرتو موراویا، یکی دیگر از ویژگی های کار اوست. او بارها در مصاحبه های خود به این سوال پاسخ داده که چرا مدام از جامعه انتقاد می کند. موراویا معتقد است که جامعه اروپایی، برخلاف ادعای خود هرگز دموکرات نبوده، چرا که اگر چنین می بود، او را بابت انتقاد هایش مورد بازخواست قرار نمی دادند. او اضافه کرده است: «من نکته چندان قابل تعریفی در جامعه ای که در آن زندگی می کنم نمی بینم. اگر هم نکته ای باشد آنقدر تریبون هست که به آن پردازد. من درباره آن چیزهایی می نویسم که به گمانم درستند حتی اگر به گمان شما درست نباشند.» این چنین است که رمان «دلدنکی» تصویری مالیخولیایی از قرن بیستم اروپا را به نمایش می گذارد و آدمی که همیشه در جست و جوی ارزش های از دست رفته است را به خوبی به تصویر می کشد.



دکتر محمود عزیزی:

## کتاب‌های اجاره‌ای



دکتر محمود عزیزی چهره‌ای است که نه تنها در میان متخصصان و حرفه‌ای‌های تئاتر، بلکه در میان مردم عادی کوچه و خیابان شناخته شده است و این امر انتخاب

خود آگاه او است. محمود عزیزی از آن دسته هنرمندانی است که معتقد است گرچه تئاتر روشنفکری و تجربی باید وجود داشته باشد اما تئاتر باید بتواند با هوشمندی و انتخاب‌های دقیق هنرمندان در میان مردم عادی نیز جایی برای خود دست و پا کند. این استاد کارگردانی دانشکده هنرهای زیبا حوزه ادیان و عرفان و نیز اسطوره‌شناسی را جذاب‌ترین زمینه‌ها برای مطالعه می‌داند و می‌گوید: «بعد از این دو حوزه، به کتب تاریخی و نمایشنامه علاقه مند هستم. چند تنوریسین بزرگ تئاتر هم هستند که بنا به رشته‌ام، همیشه به آنها رجوع می‌کنم. آثار این بزرگان به گونه‌ای است که در هر بار خواندن نگاه آدم را نو و با نشاط می‌کند.»

عزیزی به روزگاری که تازه پا بر صحنه تئاتر گذاشته بود اشاره می‌کند و در مورد احوال و اوضاع کتاب در آن زمان توضیح می‌دهد: «آن روزها کتاب مادری در زمینه تئاتر در ایران نبود و ما بیشتر ترغیب می‌شدیم تا آثار کلاسیک ادبیات ایران را بخوانیم. من هفت پیکر، گلستان سعدی و رباعیات خیام را خیلی دوست داشتم و کلا علاقه اصلی من شعر بود. کتاب‌های شعر تمامی شاعران نوگرا از سنتی‌ها گرفته تا آنها که مدرن‌تر بودند و خلاصه هر کسی که در آن دوران کتاب شعر چاپ می‌کرد، همه را می‌خواندم.»

این استاد با سابقه تئاتر ایران، وضعیت چاپ و نشر روزگار جوانی خود را کم‌رونق می‌داند و می‌گوید: «شرایط خرید کتاب برای همگان فراهم نبود و اغلب ما کتاب‌ها را از یکدیگر قرض می‌گرفتیم یا گاهی کتاب‌ها را کرایه می‌کردیم، می‌خواندیم و بازمی‌گردانیم.» دکتر محمود عزیزی کتاب‌های بسیاری را در رشد شخصیت و اندیشه خود موثر می‌داند و انتخاب یک کتاب را به عنوان تأثیرگذارترین کتاب زندگی‌اش قدری مشکل می‌داند، با این حال کتاب «پرتره هنرمند در بازار مکاره» نوشته استروینسکی را از آثار مهم زندگی خود می‌داند.

عزیزی در حالی که از فشار کار و ممانعتی که برای مطالعه ایجاد می‌کند گلایه‌مند است تأکید می‌کند که بیشترین کتاب‌هایی که قصد خواندن آنها را دارد ولی هنوز زمان مناسب برای مطالعه آنها را نیافته است، کتاب‌های تئاتری هستند. او در ادامه درباره اقتباس از آثار ادبی و رمان‌های مهم برای عرصه تئاتر می‌گوید: «من چندان تمایلی به اقتباس از آثار ادبی برای تئاتر ندارم. اگر قرار باشد رخدادهای یک رمان یا اثر ادبی را با وضعیت اجتماعی ام مطابقت دهم حتماً سراغ اجتماع می‌روم و این وضعیت اجتماعی را مستقیماً منتقل می‌کنم.»

عزیزی که سال‌ها ریاست گروه هنرهای نمایشی دانشکده هنرهای زیبا را برعهده دارد هدیه دادن کتاب را هنجاری پسندیده می‌شمارد. او در این باره می‌گوید: «اگر بخواهم به جوانان هدیه بدهم کتاب‌هایی را انتخاب می‌کنم که مضامین رمانس داشته باشند و باعث می‌شوند انسان امیدوار باشد و آینده‌اش را روشن ببیند البته دوست دارم کتاب‌هایی که هدیه می‌دهم کتاب‌های تئاتری باشند.»

مروری بر رهیافت‌های کتاب «فهم هنر و هنر فهم»

# اندیشه دینی در گستره زیبایی‌شناسی



یا به تعبیر عارفان مسلمان؛ اسماء و صفات الهی، تجلیات و جلوه‌هایی در آینه هستی و عالم وجود دارند که جلوه‌هایی از جمال، لطف، مهر، قدرت، اراده، علم و حیات آن ذات بی‌همتا را به نمایش می‌گذارند و هستی را به مثابه کارگاه هنری خداوند در نظر می‌گیرند بنابراین خداوند هنرمند الهی است نه ساعت ساز لاهوتی.

مؤلف در بخش دیگری بر این نکته پافشاری می‌کند که هستی همواره با طراوت و تازه است و موجودات دم‌به‌دم در حال نوشیدن هستند. او در این باره می‌گوید: «من هنر را در واقع نوعی الهام می‌دانم که توسط هنرمند احساس و تجربه و سپس ابراز می‌شود. تجربه هنری یعنی خلقیات و روحیات و فضای ذهنی و جهان بینی هنرمند که بدون تردید در اثر هنری او بازتاب دارد و جلوه‌گر است و از همین جاست که هنر همواره با گونه‌ای از معنویت آمیخته می‌شود و آن جدانشدنی نیست و چنین است که آلودگان تر دامن و هرزه پیشگان را راهی به ساحت والای هنر نیست، بلکه کار آنها نوعی تکنیک است.»

مؤلف در مبحث الهیات هنر نیز به وابستگی و ارتباط تنگاتنگ میان مقوله‌های دین و هنر می‌پردازد و این دو را یاران آشنا و غیر قابل انفکاک از یکدیگر معرفی می‌کند چرا که به اعتقاد او پرسش‌هایی که حاصل تحولات زمانه و مقاطع خاصی از تاریخ هستند و پرسش‌های وجودی (Existential) ریشه در جان آدمی دارند که از ریشه و مبدا وجود آدمی سوال می‌کنند و از هدف خلقت و آفرینش می‌پرسند. به راستی جایگاه آدمی کجاست؟ جغرافیای وجود من چیست؟ ارتباط و نسبت من با موجودات دیگر کدام‌ها هستند؟ کدام قرن و کدام عهد را می‌تواند در تاریخ بشر نشان دهد که آدمی فارغ از این دغدغه‌ها بوده باشد؟ دین پژوهان بزرگ معاصر مثل نینیان اسمارت و لوئیس هاف در کتاب‌هایشان می‌گویند: «ما هنر را نمی‌توانیم بشناسیم مگر این که دین را بشناسیم و تاریخ هنر را نمی‌توانیم مطالعه کنیم مگر این که تاریخ ادیان را مطالعه کنیم.» چرا؟ چون به اعتقاد آنها دین و هنر دو امر در هم تنیده‌اند و رابطه‌ای تنگاتنگ، صمیمی و وثیق و استوار دارند و هرگز جدایی‌پذیر نیستند. معنویت چه در قالب دین و چه در قالب عرفان، چه در قالب اخلاق و چه در قالب پرسش‌های وجودی در هنر متجلی است.

پرسش‌های هستی‌شناسانه و دین‌شناسانه مطرح می‌کند و سپس ارتباط تنگاتنگ میان دین و هنر را مورد بررسی و کاوش قرار می‌دهد.

طبعاً باید اذعان داشت که مقوله مورد بحث و فحوص مؤلف در کشورمان چندین مورد عنایت اهل اندیشه و پژوهش قرار نگرفته و نه تنها کتاب، بلکه حتی مقاله‌ای مستدل و جامع نیز در این زمینه نگاشته نشده است در حالی که بحث‌های مسووطی به زبان‌های خارجی و به ویژه انگلیسی در این باره صورت گرفته و کتاب‌ها و مقالات متعدد و مفیدی در باب پدیدارشناسی هنر، فلسفه هنر، زیبایی‌شناسی فلسفی، زیبایی‌شناسی الهیاتی و پدیدارشناسی هنری به رشته تحریر درآمده که اکنون در دسترس علاقه‌مندان قرار دارند. باید پذیرفت که در اروپا از زمان ظهور باومگارتن (BAUMGARTEN) تا به امروز، پژوهش‌های پدیدارشناسی درباره هنر و مقولات مرتبط با آن دامنه وسیعی یافته و تجربه زیبایی‌شناختی نیز مورد مباحثه قرار گرفته اما متأسفانه عمده این آثار هنوز به فارسی ترجمه و چاپ نشده‌اند هر چند ناآشنا بودن با زبان‌های خارجی گریبانگیر بسیاری از علاقه‌مندان پژوهش‌های هنری جامعه ماست.

همتی در پیشگفتار کتاب، پیوندهای میان دین و هنر را مورد کاوش قرار می‌دهد و برخی ادعاها مبنی بر شکاف میان هنر و دین و نیز اسارت هنر برای سال‌های متمادی در بند ابتذال دین ستیزان را رد می‌کند و می‌گوید: «همین شکاف‌های زیانبار و دل‌آزار میان هنر و اخلاق، هنر و دین‌ورزی، هنر و معنویت، آرمانگرایی و قداست‌پروری، دل‌هر صاحب‌نظر و ژرف‌اندیش هنردوست و دین‌باور را به دردمی آورد، زیرا گوهری پاک به دست پلید اهریمن صفتان و ناپاک‌اندان افتاده است.»

وی درباره الهیات هنر می‌نویسد: «از زمان دکارت به بعد محیتی در فلسفه و الهیات مسیحی در مغرب زمین به خصوص غرب مسیحی مطرح شد که خدا را ساعت‌ساز لاهوتی یا ساعت‌ساز الهی می‌نامید اما امروز این بحث که خدای تعالی خود نخستین هنرمند است، نه به مجاز بلکه واقعیت و حقیقت است.»

در واقع اگر عنصر اصلی هنر را آفرینشگری تلقی کنیم خداوند خالق هستی و هنرمند مطلق است. از جمله اسماء الحسنای پروردگار «صانع»، «مبدع»، «بذیع»، «خالق» و «فاطر» است و همه این اسماء الهی

بحث درباره زیبایی‌شناسی دین و مباحث عمده الهیات هنر چندی است که به دغدغه متفکران داخلی بدل شده و برگزاری همایش‌های بین‌المللی با محوریت زیبایی‌شناسی دین طی سال‌های اخیر به نوعی نشانگر اهمیت یافتن این بحث در ذهن متفکران ایرانی است.

با این وجود هنوز اثر قابل‌تاملی در حوزه زیبایی‌شناسی دین و الهیات هنر که با رهیافتی بومی به این بحث پردازد منتشر نشده است و اگر تلاش‌های دکتر همایون همتی را به حساب نیاوریم می‌توان مدعی بود که زیبایی‌شناسی دین و الهیات هنر جزو فقیرترین حوزه‌های میان رشته‌ای علوم انسانی در ایران به شمار می‌آید.

چندی پیش سرانجام اولین حلقه از مجموعه آثار الهیات هنر این دین‌پژوه که در مجامع بین‌المللی نیز به عنوان یکی از نمایندگان تفکر امروز ایران حضور دارد با عنوان «فهم هنر و هنر فهم» از سوی نشر پرسش روانه بازار شد. مؤلف در این کتاب که در ده فصل سامان یافته، مباحثی را در حوزه زیبایی‌شناسی مطرح می‌کند که گاه از فرط بداهت مغفول مانده‌اند.

کتاب با غزلی از سعدی آغاز می‌شود که درباره صنع زیبا و هنرمندی دلربای پروردگار در جهان آفرینش است؛ خدایی که خالق زیبایی است و همچون نقاشی چیره‌دست و توانا بر صحیفه دهر صورتگری کرده است.

مؤلف در پیشگفتار کتاب آورده: «در این دفتر ده مقاله درباره شناخت هنر و مقولات مرتبط با آن گردآوری شده تا از سویی نشانگر تعلق خاطر و دغدغه‌ای باشد که جان و ذهن را سال‌های متمادی به خود مشغول داشته و از منظری دیگر شاید انگیزه کاوش بیشتر و ژرف‌تر صاحب‌دلان شود تا در این عرصه سترگ به پژوهش و تحقیق بپردازند و نتیجه کار آنان پاسخگویی به مباحث گسترده این حوزه باشد.»

وی سپس در کتاب کم‌حجم اما مستدل خویش، مباحثی نظیر ماهیت تجربه زیبایی‌شناختی را مورد بررسی قرار می‌دهد و با مطرح ساختن تئوری‌های نظریه‌پردازان غربی نظیر ویلیام جیمز، شلایر ماخر، رودلف تو، جان‌اتان اواردز، پل تیلیخ، آلتستون و بسیاری دیگری از اندیشمندان مغرب‌زمین با تحلیل دیدگاه‌های آنان، پاسخ‌های علمی و استدلالی را در خصوص



منیژه محامدی از پرکارترین هنرمندان تاریخ تئاتر ایران است. او طی چهل و پنج سال فعالیت هنری خود تاکنون بیش از شصت نمایش را کارگردانی و حدود بیست مقاله و کتاب تخصصی نیز در حوزه تئاتر تألیف کرده است. از این کارگردان و استاد دانشگاه برجسته کشورمان که در سال ۱۳۷۰ موفق به کسب درجه تخصص در رشته تئاتر درمانی از دانشگاه سانفرانسیسکو شد پنج مقاله با موضوع تئاتر درمانی منتشر شده است. آنچه در پی می آید گفت و گویی با محامدی درباره آخرین کتاب او «درام درمانی» است.

گفت و گو با منیژه محامدی مؤلف کتاب «درام درمانی»

# دواخانه نمایش

درام درمانی بیشتر در پی درمان چه بیماری‌هایی است؟

نمی‌توان انکار کرد که درام درمانی بیش از هر چیز قصد دارد بیماری‌های روحی را درمان کند اما این به معنای بیمار بودن مخاطبان و شرکت کنندگان در درام درمانی نیست؛ چرا که همه انسان‌ها هرچقدر هم که به عنوان یک فرد عادی در اجتماع زندگی کنند به هر حال دچار نواقص و مشکلاتی در زندگی هستند. آنها دچار وضعیت‌هایی می‌شوند که از نظر روحی آنها را رنج می‌دهد و حتی باعث نابسامانی جسمی در آنها می‌شود. «درام درمانی» سعی می‌کند، این معضلات و رنج‌های روحی را مرتفع کند و مخاطبان خود را از نظر روانی به وضعیتی کاملاً متعادل و سالم برساند.

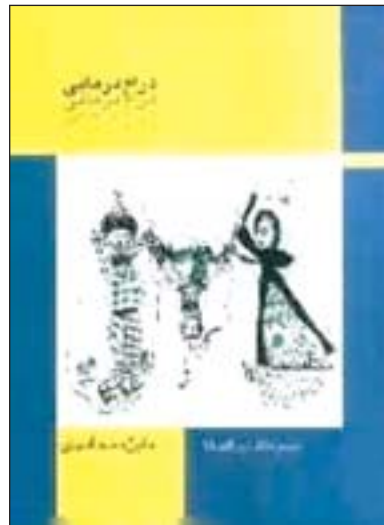
درام درمانی طی چگونه فرایندی این رنج‌های روحی را بهبود می‌بخشد؟

چنانچه ارسطو هنگام توضیح «کارتاسیس» گفته، تماشاگر می‌تواند خشم‌ها، اضطراب‌ها و ترس‌های خود را طی تماشای تئاتر تخلیه کند و از بسیاری فشارهای روحی آزاد شود. اما این تأثیر کلی تئاتر است که محدود به «درام درمانی» یا «سایکو درام» نیست؛ گرچه در آنها هم وجود دارد. پیش از ارسطو و در تمامی فرهنگ‌ها نیز شاهد برگزاری مراسمی بوده‌ایم که افراد با شرکت در آنها مشکلات روحی خود را تخلیه می‌کرده‌اند و به آرامش روانی می‌رسیده‌اند.

در زمانه ماروان شناسان به این نتیجه رسیده‌اند که می‌توان از همان عملکردهای مراسم آیینی استفاده کرد و هیجانات کاذب درمان‌جو را رفع کرد. در واقع «درام درمانی» با کمک بازی‌های نمایشی و مجسم کردن مشکلات روانی درمان‌جو به صورت پدیده‌ای عینی، این مشکلات را درمان می‌کند. به‌طور مثال، درام درمانی می‌تواند ترس یک درمان‌جو را به صورت پدیده‌ای عینی به او نشان دهد و همین برخورد نمایشی باعث کم شدن یا از میان رفتن ترس او می‌شود.

به این ترتیب میان «درام درمانی» و تئاترهای اولیه رابطه‌ای واضح وجود دارد.

دقیقه‌همین طور است. می‌توان گفت که درام درمانی ادامه همان تئاترهای اولیه یا در واقع آیین‌های اولیه است. انسان اولیه برای رهایی از ترس‌ها و بسیاری از فشارهای روانی خود، آن آیین را برپا می‌کرده است. در درام درمانی این باور به صورت حس اعتماد به



درمانگر گروه درمان‌جو تغییر یافته و جزو اساسی آن شده است، بدین معنی که بدون این حس اعتماد اساساً درمان‌جو بهبود نخواهد یافت. نکته دیگر این که در درام درمانی مانند آیین، خط‌مزمزشخصی میان درمانگر و درمان‌جو وجود ندارد و هیچ‌کس ناظر فرد دیگری نیست و مخاطبی بیرون از اجرا وجود ندارد، بلکه همه درگیر ماجرا هستند و در پیشبرد یک اجرای «درام درمانی» سهیم می‌شوند. درمان‌گر از این حیث نیز مانند آیین است که همه در آن مشارکت دارند.

درام درمانی چه تفاوتی با سایکو درام دارد؟

«سایکو درام» پیش از درام درمانی به وجود آمده و در واقع درام درمانی از شاخه‌های سایکو درام محسوب می‌شود. ژاکوب لویی مورنو نخستین روان‌شناسی است که بر اثرات شفابخش سایکو درام در درمان بیماری‌ها و نابسامانی‌های روانی واقف شد. مورنو تلاش می‌کرد با کمک سایکو درام افرادی را که در جنگ جهانی دوم به لحاظ روانی آسیب دیده بودند، درمان کند. سایکو درام دارای قواعد و چارچوب از پیش تعیین شده‌ای بود که تلاش می‌کرد یک نابسامانی مشخص را در دوران بیماری درمان کند. در سایکو درام، پزشک کارگردان یا اداره‌کننده نمایش، سالم فرض می‌شود. او بیرون می‌نشیند و سعی می‌کند بیماران را درمان کند اما در درام درمانی گروهی شامل درمانگر جمع می‌شوند و تلاش می‌کنند از طریق بازی‌های

نمایشی روح و روان یکدیگر را پاک و آرام کنند. در اینجا درمانگر، کارگردان یا پزشک خود درگیر فضایست و خود او هم از این فضا تأثیر می‌پذیرد. به این ترتیب فاصله درمانگر و گروه درمان‌جویان از میان می‌رود. علاوه بر این برخلاف سایکو درام در درام درمانی، هدف، بیماری خاصی نیست. ما نمی‌پرسیم مشکلک چیست؟ حتی هیچ چیز راجع به زندگی و ظاهر آدم‌ها پرسیده نمی‌شود مگر آنکه در روند نمایش این پرسش‌ها لازم باشد. به این ترتیب درام درمانی بدون در نظر گرفتن مشکلات روانی، سعی می‌کند آنها را طی اجرا کشف و درمان کند.

به این ترتیب نقش نمایشنامه‌نویس در درام درمانی چیست؟

البته از آنجا که تقریباً کل فرآیند درام درمانی وابسته به اجزاست، نقش نمایشنامه‌نویس در این گونه تئاتر کم‌رنگ می‌شود. در درام درمانی هیچ برنامه‌ریزی‌ای پیش از اجرا وجود ندارد. البته شاید بتوان آنچه را که در طول اجرای یک «درام درمانی» به وجود می‌آید نوشت، ولی این کار صحیح به نظر نمی‌آید و چه بسا خود فرآیند درام درمانی را دچار مشکل کند؛ چرا که افراد شرکت‌کننده در یک درام درمانی مسائل خصوصی و حتی رازهای مهم زندگی‌شان را مطرح می‌کنند. حال اگر قرار باشد فردی مکالمات و مشکلات شرکت‌کنندگان را عیناً به صورت نمایشنامه منعکس کند، حتماً در مان‌جویان با مراقبت و خودآگاهی بیشتری در طول نمایش رفتار می‌کنند و هیجان‌ها و احساسات نهفته خود را بی‌پروا بروز نمی‌دهند. به این ترتیب درام درمانی موفق نخواهد شد و به هدف خود نخواهد رسید.

آیا می‌توان درام درمانی را همچنان هنر دانست؟

تصور می‌کنم جواب مثبت است. گرچه هدف اصلی درام درمانی سلامت روانی و درمان بیماران است، اما در این فرآیند از شیوه‌های نمایشی استفاده می‌شود؛ پس می‌توان درام درمانی را واجد خصوصیات یک اثر هنری دانست.

تحت چه تحولات اجتماعی و از چه زمانی درام درمانی اوج گرفت؟

درام درمانی پس از جنگ ویتنام در آمریکا مورد توجه واقع شد. پس از شکست آمریکا، هنرمندان چارچوب‌ها و قواعد سنتی هنر را بیش از پیش شکستند. هنرمندان تئاتر از سالن‌ها و آمفی‌تئاترها به خیابان‌ها و کافه‌ها رفتند.

قائمی، مسیح شاه‌جوان، سیما نظام‌آبادی، محمدرضا شیرمحمدی و مرتضی آکوچکیان از جمله برندگان این مسابقه بودند. آثار منتشر شده در کتاب «گوتنبرگ ۵۵۵» با سه نوع کاغذ «کالک»، «روغنی» و «گراف» چاپ شده است. آثار چاپ شده در این کتاب چند نکته را پیش روی ما می‌گذارد. نخست آن که ۱۶۳ پوستر از طراحان گرافیک جوان را پیش روی ما می‌گذارد و می‌توانیم دورنمایی از آثار این دسته از گرافیست‌ها را در کنار هم ببینیم و از سوی دیگر تنوع موضوعی، نوع نگاه و اجرا در این آثار ما را به تفاوت‌هایی رهنمون می‌کند که می‌تواند در مورد یک موضوع مشترک خلق شود. به‌طور مثال رشید رهنما در طرحی عدد ۵۵۵ را بزرگنمایی کرده به گونه‌ای که تصویر به صورت دانه دار (گرین) چاپ شده است. طرح حامد بیدی، کاغذ سفیدی را پیش روی ما می‌گذارد و چند حرف G و عدد ۱۴۵۰ و ۵۵۵ years ago Gutenberg در سفیدی کاغذ قرار گرفته شده است. طرح ساناز حمید، نمایش دهنده سه عدد ۵ در کنار هم است که با اسم Gutenberg شکل گرفته است. آثار متنوعی که در این کتاب آمده، نشانگر دامنه نگاه متنوع به یک موضوع است.



معرفی کتاب

## تنوع در نگاه

کاوه رحمانی

۵۵۵ سال از تولد دستگه چاپ گوتنبرگ می‌گذرد.

به این مناسبت مسابقه‌ای از سوی انتشارات رسم و با همکاری انتشارات میردشتی، کانون مشاوران

ایده‌های نو و گروه پژوهشی عفراوی برگزار شد. هیئت داوران پس از سه روز از میان ۳۰۹ اثر از سال ۱۲۷ طرح، تعداد ۱۶۳ پوستر از ۱۰۴ طراح را برای چاپ در کتابی تحت عنوان «گوتنبرگ ۵۵۵» انتخاب کرد و از این بین ۲۳ پوستر از ۱۹ طراح به مرحله نهایی راه یافتند. هیئت داوران پنج عامل را در این مسابقه مورد توجه قرار داد که از میان آنها می‌توان به هویت ایرانی، خلاقیت و نوآوری متناسب با موضوع و لحاظ کردن آیتم چاپ اشاره کرد. مرتضی

## یادداشت

پرویز فنی پور



## رسوایی در آمریکا

طی دهه‌های اخیر شاهد تعداد زیادی اثر هنری بوده‌ایم که همگی ساختار قضایی و پلیس آمریکا را مورد نقد قرار داده‌اند و فیلم‌هایی چون «مسیر سبز»، «رقصنده در تاریکی» و «آخرین گام‌های یک محکوم به مرگ» از جمله این آثار در حوزه سینما بوده‌اند. در کنار این آثار بزرگ سینمایی، «تبرئه شده» نمایشنامه‌ای است که با مدد گرفتن از شیوه‌ای بدیع در روایت از ساختار قضایی و تبعیض نژادی در آمریکا به درستی انتقاد می‌کند. جسیکا بلنک و اریک جانسون که هر دو از بازیگران و نویسندگان تأثیرگذار در آمریکا هستند، تلاش کرده‌اند در این نمایشنامه اثر بی‌عدالتی در آمریکا به خطر افتاده است. «تبرئه شده» به افرادی می‌پردازد که از پنج تا بیست و دو سال از زندگی خود را در زندان در انتظار صندلی الکتریکی به سر برده‌اند، اما سرانجام بی‌گناهی آنها ثابت شده است. حال چه کسی پاسخگوی عمر تباه شده متهمانی است که بی‌هیچ جرمی سال‌ها در زندان فرسوده شده‌اند؟ افرادی که تنها به خاطر بی‌لیاقتی یا فساد پلیس و ساختار قضایی مجرم شناخته شده بودند. این نمایشنامه نشان می‌دهد که چگونه جامعه آمریکا با وجود آن که بی‌گناهی این افراد ثابت شده است، برخوردی ناشایست با آنها می‌کند و ایشان را نمی‌پذیرد، هیچ کارفرمایی به آنها اعتماد نمی‌کند و هیچ‌کس نمی‌تواند قبول کند که این افراد چندین سال را بی‌دلیل در زندان گذرانده‌اند.

نویسندگان این نمایشنامه گفته‌اند که ایده اولیه «تبرئه شده» زمانی به وجود آمد که در همایشی در دانشگاه کلمبیا راجع به محکومین شرکت کرده‌اند. اینجا بود که نویسندگان نمایشنامه احساس کردند مردم باید حقیقت را در مورد اشتباهات نظام قضایی آمریکا بدانند و با این اعتقاد که تئاتر قدرت زیادی در آگاه‌سازی و تأثیرگذاری دارد، به دنبال تحقیق در مورد تبرئه شده‌ها رفتند که حاصل کار، نمایشنامه «تبرئه شده» است.

اگر بخواهیم این اثر را به یکی از ریختارهای کلان‌تئاتری نزدیک کنیم، بی‌گمان این نمایشنامه در قالب ریختار برشتی و حماسی درخواهد آمد. به نظر می‌رسد با توجه به مضمون نمایشنامه که اثری سیاسی، اجتماعی است و قصد هوشیار کردن مردم نسبت به مسئله‌ای اجتماعی را دارد، انتخاب ریختار برشتی کاملاً مناسب است چرا که هدف اصلی ریختار برشتی نیز آگاه‌سازی مردم نسبت به نابسامانی‌های اجتماعی است. چنانچه اشاره شد، روایت در این نمایشنامه با وجود سادگی، چنان بدیع و کوبنده است که هر مخاطبی را به فکر فرومی‌برد و او را از حالت انفعال خارج می‌کند.

ترجمه این اثر توسط منیژه محامدی صورت گرفته است. از سوی دیگر از آنجا که مترجم قصد اجرای این نمایشنامه را داشته، ترجمه و نوع زبان متن کاملاً معطوف به اجراست که این را نیز می‌توان از امتیازات ترجمه اثر دانست.

مراسم بزرگداشت ویلیام چیتیک در انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ایران برگزار شد

# جان شرقی

میراث عظیم فرهنگی خواهد بود. دفاع از سنت

پس از محقق این بار نوبت به دکتر غلامعلی حداد عادل رسید که بنا به گفته خودش تنها به خاطر علاقه و احترام به ویلیام چیتیک و همسرش پروفسور موراتا در این بزرگداشت به عنوان سخنران حاضر شده بود.

او ضمن تشکر از رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی در مورد برپایی این بزرگداشت به بازگویی خاطراتی از سابقه آشنایی خود با ویلیام چیتیک پرداخت.

رئیس بنیاد دایره المعارف اسلامی این آشنایی را این گونه توصیف کرد: «در سال ۱۳۵۱ دانشگاه صنعتی شریف با ورود دکتر نصر، مرکزی به نام تعلیمات عمومی تاسیس شد که در آن دانشجویان در کنار آموختن علوم فنی و ریاضیات، علوم انسانی و اسلامی را نیز می‌آموختند و این مرکز موجب همکاری هفت ساله بنده و دکتر پورجوادی با دکتر چیتیک شد.»

حداد عادل از حرکت پرشتاب دانشجویان و استادان دانشگاه شریف آن سال‌ها به سوی تجدد گفت چرا که به گفته این استاد دانشگاه تهران، در سال‌های پیش از انقلاب توجه دانشجویان یکسره معطوف به غرب و علی‌الخصوص آمریکا بود و توجه بیش از حد آن مرکز به تمدن غرب، موجب شد که چند پژوهشگر ایرانی به همراه دکتر چیتیک تلاش خود را معطوف به یادآوری این نکته به دانشجویان کردند که اساساً صنعت غربی میوه درختی است که باید ریشه‌اش را شناخت، چرا که به اعتقاد حداد عادل شناخت ریشه تمدن غربی، دانشجویان را وامی‌داشت که به فرهنگ‌های دیگر نیز توجه کنند تا شاید از این رهیافت دانشجوی متخصص صنعت، متوجه سنت نیز شود.

رئیس پیشین مجلس حضور چیتیک در ایران آن سال‌ها و دفاع او از سنت را پدیده‌ای غیر متعارف دانست و بر این باور بود که در فضای مفتونی ایرانیان به غرب و آمریکا، حضور این پژوهشگر که آمریکا را رها کرده و در دامان سنت، به بازشناسی تمدن کهن ایرانی - اسلامی می‌پرداخت، مغتنم بود. او در ادامه نقبی نیز به نگاه شکاک ایرانیان به مستشرقان، خاورشناسان و اسلام‌شناسان غربی زد و دلیل اصلی این پدیده را از سویی شک سیاسی معرفی کرد و از سوی دیگر به تردید در مورد درجه دانش این پژوهشگران اشاره کرد.

البته حداد عادل، بر این اعتقاد بود که این دو دلیل کاملاً بجا بوده چرا که در بخش عمده‌ای از موارد، مستشرقان هم از نظر سیاسی مورد اعتماد نبوده‌اند و هم گاه مشاهده می‌شد که به لحاظ علمی نمی‌توان به آنها استناد کرد.

این در حالی است که به اعتقاد رئیس پیشین مجلس شورای اسلامی، چیتیک به هیچ عنوان در معرض این دوشک نبوده است و می‌توان به گواه نظر کسانی چون دکتر احمد مهدوی دامغانی و دکتر سید حسین نصر او را در زمره دانشمندان به‌شمار آورد که علاوه بر شناخت کافی از غرب، ایمان و وقوف عمیقی نسبت به فرهنگ ایرانی دارد و همین گواهی دوستانه شناخته شده فرهنگ و تفکر اسلامی،

عصر گرم آخرین شنبه بهاری، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی در منتهی‌الیه جنوبی خیابان ولی عصر (عج) برای ادای احترام و دین به یکی از مولوی‌شناسان برجسته آمریکایی - که به قول بسیاری از دوستانش تنها شناسنامه‌ای آمریکایی دارد اما ایرانی است - میزبان جمعی از پژوهشگران و استادان برجسته ادبیات و علوم انسانی بود. ویلیام چیتیک به اتفاق همسر ژاپنی‌اش پروفسور ساجیکو موراتا - که او نیز در ایران فقه و الهیات خوانده است - شاهد ارج‌گزارای ایرانیان به تلاش هایش در معرفی فرهنگ و تمدن ایران و اسلام بود.

## تربیت جان‌ها

به سیاق سابق دکتر مهدی محقق که تا پیش از این نود بزرگداشت برای خادمان عرصه فرهنگ ایرانی برگزار کرده است به پشت تریبون دعوت شد تا از مقام علمی این دانشمند آمریکایی تجلیل کند. او در آغاز سخن درباره مقام علمی ویلیام چیتیک انگشت روی نقطه‌ای گذاشت که به نوعی حلقه مفقوده ارائه و احیای فرهنگ ایرانی - اسلامی به‌شمار می‌آید، چرا که مقصود و مخاطب اصلی این نشست‌ها به باور محقق، نسل جوان ایرانی است تا مگر به این واسطه، آن فرهنگ دیرین که از گذشتگان به جای مانده، به دست نسل جوان برسد و میراث‌خواران این تمدن پای بر جاپای اهل فکر بگذارند.

به اعتقاد رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تربیت جان‌جوانان حکمتی مغفول در ذهنیت فرهنگی مسئولان بوده، چرا که اغلب برای تربیت جسم جوان ایرانی چندین استادیوم یکصد هزار نفری احداث شده اما برای تربیت جان ایشان مکانی هزار نفری هم یافت نمی‌شود و این غفلت را باید جبران کرد. او دلیل برگزاری این بزرگداشت را حضور مشتاقانه چیتیک در سال‌های گذشته و خدمت او به متون فارسی عنوان کرد و از ساجیکو موراتا همسر ژاپنی چیتیک به عنوان دیگر دانشمند حاضر در جمع که او نیز دانش آموخته ایران است، تشکر کرد.

البته حضور عرفان اسلامی در فرهنگ ایرانی به اعتقاد محقق دلیل ادای احترام به چیتیک علاوه بر تلاش مشتاقانه او در معرفی فرهنگ و تمدن ایرانی - اسلامی به جهان غرب، روش‌شناسی او در پژوهش است از این حیث که چیتیک برای کار فرهنگی خود، انگشت روی شخصیت‌های کلیدی فرهنگ و تمدن ایران و اسلام گذاشته و طبعاً وقتی کسی به شوق فرهنگ ایران با علاقه به مولوی، جامی، شبستری و... در غربت، زبان فارسی آموخته و تمام هم و غم خویش را مصروف احیای متون اسلامی کرده است، نیازمند معرفی به نسل جوان است. از دیگر سو نمی‌توان از کنار این موضوع گذشت که چیتیک مطالب حکمی و عرفانی مشاهیری چون شیخ محمود شبستری و دیگر حکمای ایرانی را به خوبی دریافته و به جهان معرفی کرده است و دین بزرگی بر گردن فرهنگ و ادب این سرزمین دارد.

البته حضور عرفان در فرهنگ ایرانی خود یکی از افتخاراتی است که محقق به آن بالید و بر این باور بود که برگزاری نشست‌هایی از این دست علاوه بر ادای احترام به خادمان فرهنگ و تمدن اسلامی، موجب تشویق جوانان برای زنده نگه داشتن این



در مقام رئیس موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران رسید تا به عنوان سخنران بعدی این مراسم در جایگاه حاضر شده و به مقام فکری این اسلام‌شناس آمریکایی بپردازد.

او که پیش‌تر در دوران جوانی‌اش به همراه چیتیک در کلاس‌های درس فلسفه اسلامی و تاریخ علم اسلامی نصر دانشگاه آمریکایی بیروت حضور یافته بود، آشنایی خود با این اسلام‌شناس را تقدیری دانست که بعدها در ایران محقق شد و همین موجب یاد کرد چیتیک به عنوان یک دوست عزیز بود.

تصحیح «نقش الفصوص» توسط ویلیام چیتیک موضوعی بود که اعوانی با اشاره به آن از مرحوم استاد سید جلال‌الدین آشتیانی یاد کرد که این اثر جامی را به چیتیک رسانده بود.

البته هم‌کلاسی اعوانی و چیتیک محدود به دانشگاه آمریکایی بیروت نبود چرا که بعدها پس از تاسیس انجمن حکمت و فلسفه ایران - که هم‌اکنون خود اعوانی مسئولیت آن را برعهده دارد - با او یک دوره فصول الحکم خوانده و بر سر درس‌های آموزش زبان چینی که توسط توشیهیکو ایزوتسو؛ قرآن‌پژوه برجسته چینی در آن انجمن ایراد می‌شد، با او حضور پیدا کرده بود.

هم‌سخنی و حضور چیتیک در محضر مرحوم علامه طباطبایی و برگردان انگلیسی گلچینی از احادیث شیعه به انتخاب علامه در نظر رئیس موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، نشان از همت او در معرفی فرهنگ ایران و اسلام به جهان غرب است.

پاکیزگی کار چیتیک به واسطه دقت و پرهیز از اعوجاج - برخلاف اغلب مستشرقان - نکته دیگری بود که اعوانی با استناد به برگردان‌های انگلیسی چیتیک از کتاب‌های مهمی چون صحیفه سجادیه، لوائح جامی و لمعات عراقی بر آن تأکید داشت و با اشاره به ترجمه‌ها و تالیفات راهگشای این اسلام‌شناس برجسته آمریکایی از مولوی، ترجمه برگزیده‌ای از فتوحات مکیه و دیگر متون عرفان

بیانگر عظمت فکری چیتیک است.

در نظر حداد عادل، وسعت دانش چیتیک علاوه بر این که فرهنگ و تمدن ایران، غرب و جهان اسلام را در برمی‌گیرد، به برکت همسری ساجیکو موراتا و البته تلاش‌های خود او شامل آشنایی با شرق آسیا نیز شده است.

به اعتقاد رئیس بنیاد دایره‌المعارف اسلامی، چیتیک برای این که پیوندش را با شرق بیشتر کند همسری از ژاپن اختیار کرد که البته این دو مکمل یکدیگرند.

حداد عادل معتقد است که زوج دانشمند موراتا - چیتیک جزو خدمتگزاران و سرمایه‌های ایران و اسلام هستند چرا که امکانی فراهم آورده‌اند تا در شرایطی که فضای دولت، به واسطه تبلیغ‌های سیاسی آمریکا خراب شده، اسلام و ایران به ملت آمریکا معرفی شود.

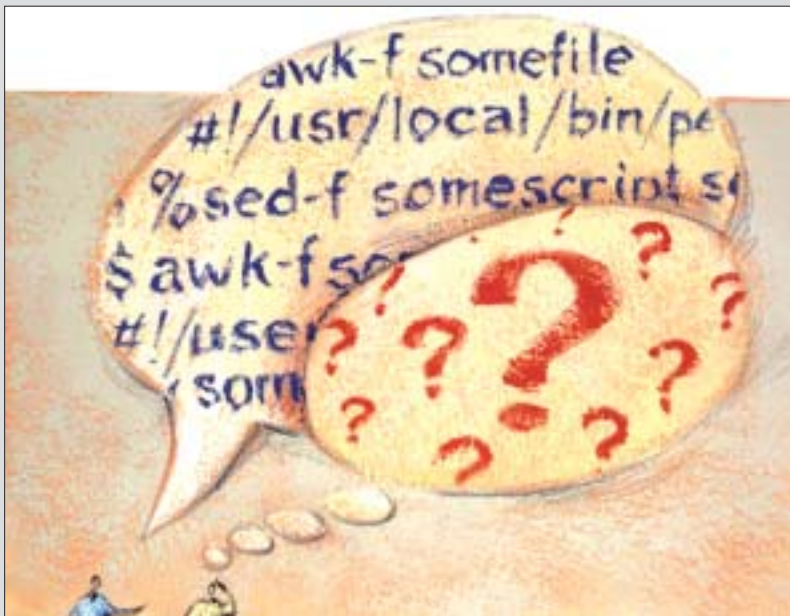
او در ادامه به عشق و علاقه چیتیک به معارف اسلامی که موجب پژوهش مستمر در متون اسلامی طی ۱۲ سال سکونتش در ایران شده اشاره کرد که حاصل آن برگردان قابل اعتماد و انتشار کتاب‌ها و آثار ارزنده‌ای چون «صحیفه سجادیه»، «دعای عرفه امام حسین (ع)» و... بوده است به طوری که در ترجمه چیتیک، مفاهیم دست‌نخورده مانده و واژگونه نشده‌اند.

حداد در بخش پایانی سخنانش یادآور شد که با ساجیکو موراتا که در ایران در رشته الهیات اسلامی و فقه درس خوانده، آشنایی قدیمی تری دارد و به رساله دکتری موراتا اشاره کرد که در فضای بسته سیاسی ایران در سال‌های پیش از انقلاب به مسائل اجتماعی توجهی جدی نشان داده بودند و از این حیث باید گفت که تجلیل از دکتر چیتیک باید همیشه با تجلیل از همسر ژاپنی‌اش که او نیز جزو دانش‌پژوهان برجسته این سال‌ها به‌شمار می‌آید، همراه باشد.

## مقامی برجسته در عالم تفکر

پس از حداد عادل نوبت به دکتر غلامرضا اعوانی

# شورش واژه‌ها زیر دست مترجم



تالیف و ترجمه را تفکیک کرد؛ اما اگر اثری در عرصه علوم اجتماعی ترجمه شود غالباً استقبال بیشتری از آن صورت می‌گیرد.»

جواد گنجی نیز با بیان این که در کلیت فضای موجود ترجمه نقایص فراوانی وجود دارد و هنوز امکانات ناشناخته بسیار است، نخست از مترجمان دسته‌بندی‌ای به دست داده و می‌گوید: «در همین فضا معذور مترجمانی هستند که با دقت و درایت، روش مشخصی را دنبال می‌کنند این که فی‌البداهه به ترجمه روی آورده باشند و یا این که ترجمه برایشان صرفاً نوعی پرکردن وقت باشد. عده کثیری اما چنین رویکردی ندارند و ترجمه‌فی‌نفسه برایشان امری جدی نیست.»

به اعتقاد این مترجم جوان ترجمه خود رسانه‌ای برای تفکر است، نه صرفاً ابزاری برای انتقال معنا از زبانی به زبان دیگر. اگر این گونه فکر کنیم، می‌توانیم معانی را به‌طور کامل از زبانی به زبان دیگر منتقل کنیم.»

به اعتقاد گنجی نحوه برخورد با زبان و انتخاب معادل‌ها به نگرش کلی موجود در امر ترجمه بازمی‌گردد. تصور غالب این است که می‌شود با جعل لغات از فرهنگ زبان فارسی برای لغات کلیدی متن اصلی، مفاهیم را منتقل کرد.

جواد گنجی بر این باور است که نسل جدید مترجمان با داشتن حداقل امکانات به ترجمه روی می‌آورند و در کارشان مشکلات زیادی وجود دارد، اما در همین نسل عده‌ای آثار جدی‌ای به وجود می‌آورند؛ چرا که به دلیل وضعیت جدید فرهنگی - رسانه‌ای و وجود اینترنت، خود به خود شرایط جدیدی برای ترجمه و مترجمان به وجود آمده است. او درباره نسبت ترجمه و تولید داخلی علوم اجتماعی می‌گوید: «با نگاه به تاریخ تأثیر ترجمه در حوزه نظریه‌ها می‌بینیم که صرف نظر از برخی حرکت‌ها که می‌توان به آنها نظریه پردازی گفت، بقیه نوشته‌ها در حوزه علوم اجتماعی با ترجمه‌ها به شدت در تعامل بوده‌اند.»

او در پایان با بازگشت به بخش نخست چنین نتیجه‌گیری می‌کند که مشکل ترجمه در حوزه علوم اجتماعی با معادل‌گذاری حل نمی‌شود بلکه باید اساساً نوع نگاه ما به ترجمه تغییر کند. موفق‌ترین نمونه‌ها در ترجمه علوم اجتماعی هم نقایص و هم موفقیت‌های مابه‌ویژه ظرفیت‌های زبان فارسی را نشان می‌دهد؛ اما همه این کارها بدون حضور جدی دانشگاه بی‌معنی است و دانشگاه باید وارد میدان شود.

تولید دانش را فراهم کند.» دکتر فرهنگ ارشاد نیز معتقد است که ترجمه در ایران دچار آشفتگی است به گونه‌ای که در میان آثار ترجمه شده از متون بسیار خوب تا متون سطح پایین یافت می‌شود. به اعتقاد این مترجم و استاد دانشگاه در کشور ما تصور بر این است که ترجمه امری سهل و ممتنع است در حالی که تا کسی خود معلم نظریات اجتماعی نباشد و تلاشی برای فهمیدن شخصی و فهماندن آن نداشته باشد ترجمه‌های او از متون علوم اجتماعی نیز نمی‌تواند چندان ارزشی داشته باشد.

ارشاد معتقد است بسیاری از ترجمه‌ها که به ظاهر روان هستند وقتی با متن اصلی مقایسه می‌شوند دیده می‌شود که خیلی چیزها از آن حذف شده‌اند. او در این باره می‌گوید: «انتخاب منابع و اولویت بندی آنها برای ترجمه خط مشی مشخصی ندارد و این بی‌برنامگی باعث می‌شود برخی از کتاب‌ها که منابع باارزشی هستند توسط افراد تازه‌کار ترجمه می‌شوند.»

او برخلاف باقر ساروخانی بر این باور است که طبیعتاً هیچ ترجمه‌ای برگردان دقیق متن اصلی نیست بلکه تفسیری از آن متن است، اما این تفسیر باید نزدیک‌ترین تفسیر به اصل باشد. به نظر او رعایت امانت به این معنا نیست که متن جمله به جمله ترجمه شود بلکه باید مفهوم به مفهوم منتقل شود.

فرهنگ ارشاد درباره وضعیت موجود منابع در حوزه علوم اجتماعی پرسشی مطرح کرده و می‌گوید: «چرا ما نمی‌توانیم در حوزه علوم اجتماعی تالیفاتی داشته باشیم و سهم عمده ما از متون آموزشی این حوزه ترجمه‌هاست. باید گفت که نظام آموزشی و سیاست تحقیقی ما نیازمند بازنگری جدی است.» او در پایان در مورد جایگاه ترجمه می‌گوید: «ترجمه به نوعی تولید فکر است و در تولید علم نمی‌توان

## چرا ما نمی‌توانیم

### در حوزه علوم اجتماعی

### تالیفاتی داشته باشیم.

### باید گفت که نظام آموزشی

### و سیاست تحقیقی ما

### نیازمند بازنگری

### جدی است

**علی تدین:** مقوله ترجمه همواره یکی از جدی‌ترین مباحث مرتبط با مسئله کتاب، نشر و تولید دانش است. ترجمه در حوزه علوم انسانی - اجتماعی که در سطحی علمی و تخصصی قرار می‌گیرد جایگاهی ویژه، حساسیت‌برانگیز و به همان اندازه نیز مستعد مناقشات نظری دارد. این که چه آثاری برای ترجمه انتخاب می‌شوند، چه کسانی به ترجمه روی آورده و ترجمه متون را عرضه می‌کنند، چه سطحی از تخصص پشتوانه آنهاست، چه ارزیابی‌ای می‌توان به لحاظ فنی از ترجمه‌ها به دست داد، جریان ترجمه چه تأثیراتی بر جای می‌گذارد و همه از پرسش‌ها و مسائلی است که حول مقوله ترجمه علمی ظاهر می‌شود. این گزارش کوشیده است گزارشی از نظرات کارشناسان این حوزه را گردآورده و منعکس کند. با این توضیح که این گزارش تنها تلاش خود را مصروف طرح بحث کرده تا مگر در فرصت و مجال دیگر، ابعاد مختلف این بحث و اشکافی شود. بیش از چهار دهه از انتشار نخستین کتاب‌های ترجمه شده در حوزه علوم اجتماعی در ایران می‌گذرد و در این مدت آثار فراوانی به فارسی ترجمه شده‌اند که بخشی از این آثار بیش از یک ترجمه دارند. در دهه گذشته اما توجه بی‌سابقه‌ای به مقوله ترجمه و ناگهان موج جدیدی از نام‌های محققان، آثار و مترجمان بر پیشانی کتاب‌ها نشسته است، جریانی که تا امروز نیز ادامه یافته و به رغم بالا رفتن میزان انتشار کتاب‌های علوم اجتماعی، سهم نظریه پردازی و تالیف در مقایسه با ترجمه متون غیر فارسی همچنان کمتر است.

با توجه به این روند می‌توان از ظهور نسل جدید مترجمان و فعالیت آنها در کنار نسل پیشین سخن گفت و به مقایسه ترجمه‌های آنان پرداخت. به عنوان مثال نوع انتخاب آثار برای ترجمه، نحوه برخورد با زبان، معادل‌سازی و از مواردی است که می‌توان در مقایسه میان این نسل‌ها مورد توجه قرار داد.

دکتر باقر ساروخانی پیش از هر چیز مایل است درباره کاستی‌ها و مشکلات ترجمه بحث کرده و برخی از آنها را یادآور شود. به اعتقاد این محقق و استاد دانشگاه در درجه نخست مشکل ترجمه به ناآشنایی و تسلط نداشتن در بعد کمی ترجمه زبان فارسی؛ زبان اصلی و دانش مقتضی در حوزه مورد نظر بازمی‌گردد. او این سه بعد را ابعاد سه گانه می‌نامد و معتقد است که از سوی دیگر در بعد کیفی، درک و انتقال روح اثر ترجمه شده امری است که کمتر با آن روبه‌رو می‌شویم. این امر امری اساسی است، چرا که مترجم باید به ذوب افق‌ها برسد؛ افق متنی که می‌خواهد ترجمه کند و متنی که دارد نوشته می‌شود.

مشکل دیگر ترجمه در ایران، آشفته بازار مفاهیم است؛ چرا که همواره هر کسی به گونه‌ای ترجمه می‌کند که خود می‌پسندد. در این وضعیت عده‌ای هم دست به معادل‌تراشی می‌زنند. ساروخانی به وجه دیگری از مقوله ترجمه اشاره کرده و می‌گوید: «مشکل دیگر گفتمان مسلط آکادمیک است که برای ترجمه ارزش لازم را قائل نیست.»

ساروخانی در پایان به بخش نخست ملاحظات خود بازگشته و می‌گوید: «من فکر می‌کنم ترجمه کار بسیار دشواری است چون با توجه به کمیت و کیفیت یاد شده جمله‌ها باید دقیقاً ترجمه شوند. ترجمه پلی است میان تمدن‌ها و اندیشه‌ها و جز از طریق آن نمی‌شود این میزان از داده‌ها را منتقل کرد و دستمایه تولیدات بعدی قرار داد و ما نیز نیازمند جدی‌تر ترجمه هستیم اما ترجمه نباید ترجمه صرف باقی بماند بلکه باید مبشر تولید باشد و زمینه‌های

اسلامی و وحی محمدی را شاهدهی بر این مدعا گرفت که بیانی دقیق و درعین حال خوشخوان دارند. این استاد فلسفه دانشگاه تهران در پی مثال آوردن از رویکرد چیتیک به متون ایرانی - اسلامی، به آثاری چون «عالم خیال» و «این عربی به عنوان وارث انبیاء» اشاره کرد که به زعم اعوانی از آثار برجسته پرفسور چیتیک به شمار می‌آیند.

اعوانی در پایان به سباق سخنرانان پیشین به زندگی و سلوک شخصی این اسلام شناس برجسته غربی نگاهی داشت و با یادکردی از فعالیت‌های ساجیکو مورانا، زندگی این زوج را ایرانی‌تر از یک ایرانی اصیل معرفی کرد و شاهد این مدعا نیز سخن گفتن آنها به زبان فارسی در چارچوب زندگی شخصی و تزئینات ایرانی خانه‌شان بود که به باور اعوانی همه آنها دلالتی بر فهم و ابستگی آنها به این سنت بوده تا مگر از این ره یافت، سنت ایرانی - اسلامی به جهانی غیر از جهان ایران معرفی شود.

بحث دقت در ترجمه متون اسلامی - ایرانی و تحقیق درباره ادب فارسی موضوعی بود که سخنران نهایی این بزرگداشت بر آن تأکیدی ویژه داشت. بهاءالدین خرمشاهی برخلاف سخنرانان پیشین سعی خود را معطوف به بازبینی تلاش این ایران شناس در عرصه ترجمه به صورت مستند کرد و اظهار داشت که بهترین نمونه برای بازبینی تلاش چیتیک در عرصه مولوی پژوهی، ترجمه مقالات شمس تبریزی بر اساس نسخه تصحیح شده دکتر محمدعلی موحد است.

به اعتقاد این پژوهشگر، ترجمه انگلیسی چیتیک از مقالات شمس در ضمن شناساندن سنت اسلامی - ایرانی، با ابتکارهایی نیز همراه است به طوری که دکتر موحد به عنوان مصحح اصلی این کتاب، مقاله‌ای درباره ترجمه‌های چیتیک از آثار شمس و مولانا نوشته و ضمن بررسی این برگردان، اهمیت، زیبایی و دقت کار او را می‌ستاید و طبعاً باید پذیرفت که به سامان رساندن این کار سترگ، موفقیت بزرگی برای چیتیک است.

این عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی در ضمن بحث درباره برگردان چیتیک از مقالات شمس نقبی نیز به فعالیت‌های دانشگاهی او زد و نمونه بارز استادی او در امر تحقیق، به زعم وی، پژوهش در کتاب «نقد النصوص» است که به شیوه‌ای علمی تحقیق شده و به اعتقاد خرمشاهی هنوز بعد از گذشت سی سال از انتشار آن، کاری به این تراز علمی درباره نقد النصوص صورت نگرفته است.

با پایان یافتن سخنرانی بهاءالدین خرمشاهی، مجری از امیر بانو کریمی، نوش آفرین انصاری و مهدی محقق خواست تا لوح سپاس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی و موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران را به همراه یک جلد نفیس از «مثنوی معنوی» با خط استادهمایی به ساجیکو مورانا تقدیم کنند. این اهدای جایزه باعث شد تا مورانا نیز برای لحظاتی پشت تریبون قرار گیرد و شگفتی خود را از تقدیر انجمن پیش از همسرش ابراز کند و با اشاره به همسفری، همکاری و همسری ۳۴ ساله با چیتیک، از حداد عادل، محقق، اعوانی و خرمشاهی تشکر کرد.

استاد دانشگاه ایالتی نیویورک نیز به دعوت حجت الاسلام احمد احمدی، دکتر فتح‌الله مجتبابی و مهدی محقق روی سن رفت تا لوح‌های تقدیر موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، بنیاد شمس تبریزی و مولانا، منوچهر صادقی سها و انجمن آثار و مفاخر فرهنگی را به همراه طرحی از چهره مولانا، کار دست استاد ابوذر نادری را از دستان هنرمند دریافت کند.

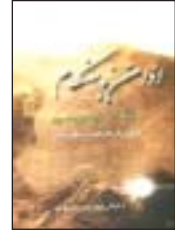
## میوه‌های تفکر ایرانی

سخنران پایانی این بزرگداشت از زبان ویلیام چیتیک با خوشحالی از برگزاری این مراسم غیر منتظره ابراز شد.

او خوشحالی خود را از دیدن دوستان قدیمی اش پنهان نکرد و از عشق و علاقه‌اش به ایران سخن گفت و آموختن از محضر بزرگانی چون بدیع الزمان فروزانفر و استاد جلال‌الدین همایی طی تحصیل ادبیات در دانشگاه تهران را مایه مباهات خود دانست.

## دلتنگی خاکریزها

اذان نابهنگام، شهاب الدین و وطن دوست، کردگاری، ۱۳۸۶.



دفاع مقدس ملت مسلمان ایران در برابر رژیم بعث و استکبار جهانی، آغازگر تحول عظیمی در خاطره نگاری بود شاید بتوان گفت که خاطره نویسی از این نوع در ایران، پیش از آن سابقه نداشته است. نسلی که برای دفاع از کیان ملی و دین اسلام به جبهه ها رفته بود، بعد از جنگ به حکم وظیفه و احساس نیاز، قلم به دست گرفت. حالا او به فکر ماندگار کردن حماسه ها و پایداری هاست و در این راه کتاب های خاطرات فراوانی چون «جنگ دوست داشتنی»، «جنگ پابرهنه»، «ستاره های شلمچه»، «زنده باد کمیل» و ده ها اثر ارزشمند دیگر به چاپ رسیده و گوشه ها و زوایای پنهان و پیدای جنگ را کاویده و بازنسازانده اند.

جنگ، خیلی زود فرماندهان خود را شناخت؛ فرماندهان جوانی که ژنرال های بعثی را انگشت به دهان گذاشتند. کتاب «اذان نابهنگام» خاطرات یکی از این فرماندهان است. جواد صبور یکی از ده ها فرمانده اردبیلی است که سال های جوانی خود را در جبهه ها و خاکریزها سپری کرد تا چیزی ارزشمند و بزرگ به دست آورد. او که متولد ۱۳۳۴ است در کودکی همپای پدر در مسجد مرحوم حاج میرزا علی اکبر و در جریان مباحث سیاسی و مذهبی حضور داشت و شخصیتش در خانواده ای مذهبی و در جلسات تفسیر قرآن شکل گرفت. او در اردیبهشت ماه ۱۳۵۷ همزمان با ماه رمضان به خدمت سربازی رفت و پس از آن به فرمان امام خمینی (ره) از سربازخانه فرار کرد و به گروه های انقلابی و مردم پیوست.

خاطرات حاج جواد صبور پیش از این ثبت و ضبط شده بود، اما این بار نگارش پایانی آنها را شهاب الدین و وطن دوست به عهده گرفته است. او کتاب را در پنج فصل سامان داده و براساس یک سیر زمانی خاطرات را پیش می برد و بخش های مختلف زندگی حاج صبور را بازگو می کند. وطن دوست با بیان فضای کلی شهر اردبیل به حضور علما و روحانیون برجسته و برپایی کلاس های دینی و قرآنی آنان اشاره می کند و می نویسد که چگونه حاج صبور در آن فضای اختناق و خفقان از محضر بسیاری از این علما کسب فیض کرده است.

نویسنده فصل بعدی را به فعالیت های انقلابی حاج صبور و خاطرات او از این سال ها اختصاص داده است. بخش مفصل کتاب که در مورد دفاع مقدس و اتفاقات مختلف آن است، با حمله عراق به ایران و نحوه اعزام رزمندگان اردبیلی به جبهه های جنوب آغاز شده است. حاج جواد صبور در ادامه از تشکیل سپاه اردبیل و حضور در عملیات های والفجر ۱، ۲، ۳ و ۴ و خیر روایت ها و خاطرات بسیاری از لحظه های تلخ و شیرین جبهه تا پایان جنگ عنوان می کند.

حجت الاسلام ابوالفضل پیرزاده که در اردبیل به دست منافقان به شهادت رسید نیز از نزدیکان حاج جواد صبور است که در بسیاری از خاطرات این بخش نقش برجسته ای دارد و صبور در فصل پایانی به نحوه شهادت او نیز اشاره می کند. در انتهای کتاب تصاویری از سردار صبور، شهید پیرزاده و... ارائه شده است.



مجموعه ای از هر آنچه شهید بهشتی گفته است

# مردی که یک ملت بود



به شورای انقلاب و حزب جمهوری گرفته تا سخنرانی به مناسبت اعیاد مختلف را شامل می شود. سرابندی جلد دوم را با کنفرانس هفتگی شهید بهشتی به عنوان رئیس دیوان عالی کشور و عضو شورای انقلاب در تاریخ ۲۸ خرداد سال ۵۹ آغاز کرده و تا پایان کتاب بیش از ۱۰۲ مصاحبه، سخنرانی و اظهار نظر از ایشان نقل کرده است. مسائل و موضوعات متعدد و متنوعی نیز در جلد دوم جای گرفته است که اولین انتخابات ریاست جمهوری و مسائل و مشکلات روی کار آمدن بنی صدر، شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و مسئله گروهبان ها و منافقان از مهم ترین آنهاست.

جلد سوم و پایانی این مجموعه که گوشه ای از تاریخ پرفراز و نشیب جمهوری اسلامی ایران را روایت می کند، در واقع چهار ماه پایانی عمر پربرکت شهید بهشتی است؛ یعنی اسفند ۵۹ تا تیر ماه ۶۰. سخنرانی ایشان در مراسم شروع به کار همایش دادستان های انقلاب سراسر کشور، آغازگر این مجلد است. صد و هفت مصاحبه، سخنرانی، کنفرانس خبری و... در مجلد سوم و در فاصله زمانی کمتر از چهار ماه، نشانگر تحرک، مسئولیت سنگین، گستردگی وظایف و خدمتگزاری صادقانه شهید بهشتی است. شهید بهشتی در این جلد سخنان بسیار روشن و شیوایی را اظهار کرده است که گویای دانش و معرفت عمیق او نسبت به مسائل مختلف است.

در پایان کتاب، نویسنده از زبان شهید بهشتی، زندگی و مبارزات ایشان را بیان کرده و سپس عکس هایی از جوانی ایشان، حضور او در مراسم مختلف، تظاهرات ها، جلسات حزب، مجلس، محل کار و... ارائه شده است.

منابعی که سخنرانی ها و مصاحبه های شهید بهشتی از آن استخراج شده است، در درجه اول روزنامه ها و به ویژه روزنامه جمهوری اسلامی طی سال های ۵۷ تا ۶۰ است البته از روزنامه ها و مجلات دیگر نیز برای تکمیل این مجموعه استفاده شده است. همچنین چندین نوار سخنرانی از این بزرگوار در آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی موجود بوده که پس از پیاده کردن آنها، در این مجموعه گنجانده شده است.

دهه ۱۳۲۰ یعنی بعد از خروج رضاشاه از کشور، سال های فعالیت و آزادی احزاب و گروه های سیاسی و مذهبی بود. جامعه مذهبی پس از تحمل فشارها و هجمه سنگین به فرهنگ دینی در دوره پهلوی اول، اکنون آماده بود تا نقش خود را به عنوان یک حرکت اصیل اسلامی با سازمان و هدف مشخص دنبال کند که نخستین نمود آن را می توان در جمعیت فدائیان اسلام و همکاری نیروهای مذهبی در ملی کردن صنعت نفت مشاهده کرد.

حوادث پس از کودتای ۲۸ مرداد اما تمامی گروه های مبارز سیاسی را از میدان بیرون کرد؛ هر چند که در بطن جامعه، نیروهای مذهبی به سازماندهی جوانان برای مقابله با رواج الگوهای غربی و ظلم و ستم رژیم پهلوی مشغول بودند. این افراد بیشتر از روحانیونی بودند که پس از کودتای ۲۸ مرداد و شکست نهضت ملی مردم ایران به لزوم تشکیلات مذهبی پی بردند و سعی در ارائه تعلیم اسلام در قالب هایی نوین و اشاعه آن در بین دانشگاهیان و طلاب حوزه علمیه داشتند.

این فعالیت ها بود که پشتوانه حوادث ۱۵ خرداد و همچنین پدید آمدن گروه های مبارز اسلامی در دهه های بعدی قرار گرفت و سرانجام به انقلاب بزرگ اسلامی ایران در بهمن ماه ۱۳۵۷ منتهی شد. از جمله این افراد که نقش بارزی در تربیت جوانان و آگاه ساختن نسل جدید با تعلیم انسان ساز اسلام داشت و آن را به صورت یک مکتب مبارز معرفی کرد، آیت الله دکتر سیدمحمد حسینی بهشتی بود. شهید بهشتی در دوم آبان سال ۱۳۰۷ در اصفهان در خانواده ای روحانی متولد شد. او در سال ۱۳۲۵ عازم تهران و پس از تحصیل در دانشکده معقول و منقول موفق به اخذ لیسانس شد. شهید بهشتی در نهضت ملی شدن صنعت نفت، نقش فعالی ایفا کرد. او با تأسیس دبیرستان «دین و دانش» در قم، سعی کرد حوزه و دانشگاه را به هم نزدیک کند. او سپس به هامبورگ آلمان سفر کرد و مشغول تبلیغ و هدایت مردم شد. او یک بار در سال ۱۳۵۴ و بار دیگر پس از عاشورای سال ۱۳۵۷ به دلیل نقش موثری که در هدایت انقلاب داشت، توسط رژیم شاه دستگیر شد.

با عزیمت امام خمینی (ره) به فرانسه، وی نیز عازم پاریس شد و به امر امام، هسته اولیه شورای انقلاب را با همکاری سایر اعضای آن تشکیل داد. شهید بهشتی در سال های پس از پیروزی انقلاب به سمت های ریاست شورای انقلاب، نیابت رئیس مجلس خبرگان و ریاست دیوان عالی کشور را بر عهده داشت. او مؤسس حزب جمهوری اسلامی و اولین دبیر کل این حزب بود. دکتر بهشتی سرانجام در هفتم تیر ماه ۱۳۶۰ در جریان بمب گذاری منافقان در ساختمان مرکزی حزب جمهوری اسلامی به همراه ۷۲ تن از یارانش که غالباً نمایندگان مجلس بودند به شهادت رسید.

### مجموعه ای به وسعت دو هزار صفحه

شهید بهشتی در سخنرانی ها و مصاحبه های خبری فراوانی به وضوح نظرات خود را درباره مسائل گوناگون عقیدتی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی اظهار کرده اند. چندی پیش محمدرضا سرابندی در مجموعه ای سه جلدی تحت عنوان «سخنرانی ها و مصاحبه های آیت الله دکتر شهید سیدمحمد حسینی بهشتی» تمامی سخنرانی ها و مصاحبه های دینی شهید بزرگوار را پس از انقلاب جمع کرده و تا حد امکان به سخنرانی های پیش از

انقلاب ایشان نیز پرداخته است.

سرابندی جلد اول این مجموعه را با بیان و تشریح زندگی، تحصیلات، فعالیت های علمی، مذهبی و سیاسی شهید بهشتی و بررسی افکار و اندیشه های ایشان آغاز می کند. او پس از آن که با تامل از این بخش می گذرد به سراغ بخش دوم و پایانی جلد اول می رود. مباحث این بخش سخنرانی شهید بهشتی درباره «اسلام و پیوندهای اجتماعی» و سپس «بررس قانون علیت در دین و دانش بشر» آغاز می شود. سرابندی تاریخ دقیق ایراد این سخنرانی ها را عنوان نکرده اما آنچه مسلم است این است که پیش از ۱۴ خرداد ۱۳۴۹ بیان شده اند، زیرا «آشنایی با مرکز اسلامی هامبورگ» که سومین سخنرانی شهید بهشتی در این جلد است در این تاریخ ایراد شده است.

نویسنده پس از ارائه یک مصاحبه و دو سخنرانی دیگر در سال های ۱۳۵۱ و ۵۲ با برداشتن گامی بلند، ادامه مصاحبه ها و سخنرانی های شهید بهشتی را در اسفند ۱۳۵۷ پی می گیرد؛ اما این بار فاصله زمانی سخنان شهید بهشتی بسیار کم است. به طوری که تا ۲۵ خرداد ۱۳۵۹ و پایان جلد اول، ۸۱ مصاحبه و سخنرانی از آن شهید گرانقدر ذکر شده است. البته در اواخر این جلد، تاریخ یکی از سخنرانی ها به اشتباه تیرماه ۱۳۶۱ ذکر شده است. از آنجایی که شهید بهشتی در چند مسئولیت مختلف به طور همزمان فعالیت می کرد، محتوای مصاحبه های ایشان با روزنامه های مختلف از موضوع های اتهامات وارده

**در پایان کتاب، نویسنده از زبان شهید بهشتی، زندگی و مبارزات ایشان را بیان کرده و سپس عکس هایی از جوانی ایشان، حضور او در مراسم مختلف، تظاهرات ها، جلسات حزب، مجلس، محل کار و... ارائه شده است**



نگاهی به روایت زندگی و مبارزات شهید محمدحسن قنوتی

# سه مزار برای یک شهید

شماره وحانی هستند. الان وضعیت شهر خیلی حساس شده. عراقی‌ها از پانصد متری که به این جمع نگاه کنند، شمارا از بین آنها تشخیص می‌دهند و به سمت شما شلیک می‌کنند. این لباس روحانی لباسی است که برای عراقی‌ها مشخص است. عراقی‌ها به لباس شما خیلی حساس هستند، بهتر است که شما لباس نظامی تن کنید تا بتوانید خودتان را از تک یا گلوله دشمن حفظ کنید. حاج آقا شریف نگاهی به من کرد و با تبسم فرمود من با خدای خود عهدی بسته‌ام که این لباس پیامبر (ص) را هیچ‌گاه از تنم خارج نکنم. من با خدا عهد بسته‌ام که در همین لباس بجنگم و با همین لباس شهید و این لباس، کفنم باشد و با همین لباس به دیدار خدا و رسول خدا بروم.»

رضا آلبوغیش از رزمندگان مقاومت خرمشهر و دوستان نزدیک شهید قنوتی در خاطرات متفاوتی که در کتاب بیان کرده، به بیان ابعاد مختلف زندگی و مبارزات وی پرداخته است. او در خاطره‌ای که در فصل انتهایی کتاب جای گرفته است از حساسیت و عداوت رسانه‌های غربی و حامی رژیم بعث نسبت به روحانیون نمونه‌هایی ذکر کرده است.

نویسنده در انتهای کتاب تصاویری را از شهید قنوتی در دوران نوجوانی، در شهرهای سپیدان و مشهد، حوزه علمیه بروجرد، زندان رژیم طاغوت در اهواز، در کنار آیت الله پسندیده (برادر بزرگ حضرت امام خمینی<sup>(ع)</sup>) و... به نمایش گذاشته است. آخرین خاطره‌ای که در کتاب نقل شده نیز بیانگر علت نام‌گذاری کتاب به «سه مزار برای یک شهید» است. نویسنده در اینجا از زبان یکی از اهالی سپیدان نقل می‌کند که آنقدر خاطره شهید قنوتی در دل مردم این شهر جاودانه مانده که قبرواره‌ای به عنوان یادواره شهید قنوتی در قبرستان شهدای این شهر ساخته‌اند. این شهید در بهشت شهدای بروجرد و در میان خیل مقدس شهدا، سنگ یادبودی برای زیارت عاشقان خود دارد، اما مدفن اصلی شهید شریف قنوتی در گلزار شهدای آبادان است.



مخاطب به پاورقی از روای آنها نام برده و سعی کرده است با ارائه مشخصات راویان، آنان را به مخاطب بشناساند.

نویسنده در بخشی از کتاب، شجاعت، دلاوری، ایمان و اعتقاد شهید قنوتی را چنین بیان کرده است: «یک روز به شیخ گفتم حاج آقا ما که همه می‌دانیم

نویسنده، خاطرات کتاب را که به تلاش فرزند شهید قنوتی گردآوری شده، سرآغاز مبارزات، حرکت به سمت خرمشهر، روز شهادت و بعد از شهادت قرار داده است. خاطرات مطرح شده که اغلب از سه، چهار پاراگراف تجاوز نکرده‌اند، دارای هویت و منبع مشخصی هستند و نویسنده با ارجاع

بسیاری گفته‌اند و درست هم گفته‌اند که غیرت، دلاوری، ولایت مداری و دین محوری از ویژگی‌های بارز و برجسته هموطنان ماست. این را می‌توان با نیم‌نگاهی به گذشته، آن هم نه گذشته‌های دور، بلکه دهه ۶۰ به وضوح دید و درک کرد. زمانی که تجاوز رژیم بعث عراق همه را بر اساس همین ویژگی‌ها به جبهه‌ها کشاند. در گوشه‌ای از خاکریز خط مقدم، در یک سنگر کوچک می‌دیدید که چطور یک دانشجو، یک معلم، یک کشاورز و یک مغازه‌دار با هم خو گرفته‌اند و به چیزی جز ادای تکلیف و عمل به فرمان ولی امر خود فکر نمی‌کنند. اما در میان این خیل عظیم حضور روحانیون نیز همواره درخشان و سلوکشان در جبهه‌های حق علیه باطل درس آموز بود.

حجت‌الاسلام والمسلمین شهید محمدحسن قنوتی، فرزند شیخ محمود قنوتی نژاد از ساکنان اروند کنار در استان خوزستان بود. شیخ محمود پنج سال آخر عمر خود را در جبهه‌های حق علیه باطل گذراند. محمدحسن قنوتی در آخرین روزهای مقاومت خرمشهر به شهادت رسید. عبدالرحیم سعیدی راد چنددی پیش زندگی و مبارزات این روحانی شهید را که یکی از رزمندگان مقاومت ۳۵ روزه خرمشهر بوده، در قالب کتابی تحت عنوان «سه مزار برای یک شهید» به چاپ رسانده است. او در این کتاب تلاش کرده تا از زبان دوستان، آشنایان، خانواده و هم‌زمان ایشان، ابعاد مختلف زندگی پربرکت شهید قنوتی را به رشته تحریر درآورد. این کتاب را انتشارات پیام آزادگان چاپ و منتشر کرده است.

به گفته سعیدی راد شهید قنوتی فرمانده جنگ‌های چریکی در جنگ تحمیلی است که در میدان نبرد به شهادت رسیده است. او همچنین از هم‌زمان شهید نواب صفوی در مبارزه با رژیم طاغوت بوده و خانواده او در اروند کنار و آبادان به خانواده‌ای مبارز و ضد رژیم شاه معروف بوده‌اند.

گذری بر کتاب «گفت و گوی ناتمام» نوشته حسین زکریایی

## قنوت پروانه‌ها بر شانه خاکریز

از مهم‌ترین و معتبرترین شیوه‌های احیا و ثبت یاد و خاطره دلاوران عرصه پیکار و جهاد، به دست دادن گزارش‌های عینی و واقعی از زندگی و سلوک آنان در قالب انتشار خاطرات بر جای مانده است که میزان تاثیرگذاری آن بر مخاطب آگاه، به مراتب بیشتر از شیوه‌های دیگر است چرا که در این سبک نگارشی، عنصر خیال کمترین نقش را در اثر دارد و آنچه هست یکسره روایت هنرمندانه و انکارناپذیر واقعیت است.

از سوی دیگر انتشار خاطراتی که از مجاهدان راه حق در حافظه‌ها باقی مانده است، دستمایه بکر و بدیعی برای آن عده از محققان و هنرمندانی است که در آثار خود، دغدغه شناخت سالکانی را دارند که روزگاری برای پاسداری از ارزش‌های انسانی و سرزمین اسلامی خویش به میدان رفتند و حماسه‌ها آفریدند تا سرانجام آن شجره طیبه به دست مبارک حضرت امام خمینی (ره) در خاک ایران اسلامی بیالند و سایه عزت و پایداری‌اش را بر تمام آزادی‌خواهان جهان بگستراند.

کتاب «گفت و گوی ناتمام» خاطراتی است از اعماق جبهه‌های جنگ؛ خاطراتی که نشان می‌دهد چگونه سربازان خمینی کبیر (ره) در عاشورای ایران در پشت خاکریزها و درون کانال‌هایی که در معرض دید مستقیم دشمن قرار داشت، نمازشان را اقامه و هر لحظه عاشورای حسینی را زنده می‌کردند. این کتاب مجموعه‌ای است از خاطرات به معراج رفتگانی که نماز سرلوحه عملشان بود و با این فریضه، دلاورانه و شجاعانه جنگیدند و به استقبال شهادت رفتند. حسین زکریایی با روایت ۱۸ خاطره از مسئولان، سرداران و فرماندهان دوران دفاع مقدس نشان می‌دهد که حتی آنان نماز را از جان خود عزیزتر می‌شمردند.

زکریایی در بخشی از کتاب از زبان امیر پردیس (فرمانده سابق نیروی هوایی ارتش) می‌نویسد: «... هیچ نگفتم، می‌دانستم که تیمسار باید نمازش را اول وقت به جای آورد. از جای بلند شدم و لختی بعد با یک لیوان آب کنار تیمسار حاضر شدم. امیر با دیدن آب لب‌بندی روی لب‌ها نشانده همه تجدید وضو کردند. پتویی در انتهای هواپیما پهن شد. قبله نسبت به حرکت هواپیما مشخص شد و نماز

جماعت چهارنفره به امامت امیر (شهید علی صیاد شیرازی) در هواپیما برگزار شد.» در نگاه اول به خاطرات کتاب، چنین به نظر می‌رسد که بیش از آن که به واقعیت نزدیک باشند به داستان و قصه نزدیک‌ترند اما به گفته نویسنده اگر چه خاطرات با شیوه‌ای داستانی و روان نگارش شده‌اند اما سعی بر آن بوده تا از استناد آن کاسته نشود، بنابراین در روایت‌ها تخیل هیچ نقشی نداشته



و همه عناصر، اماکن جغرافیایی و زمان حقیقی است. زکریایی در انتهای کتاب با ارائه تصاویری از لحظات حضور رزمندگان و سرداران در پیشگاه ربوبیت، اهمیت این فریضه الهی را نمایان‌تر می‌سازد. «گفت و گوی ناتمام» جندی پیش از سوی انتشارات شاهد روانه بازار شده است. گفت و گوی ناتمام/ حسین زکریایی/ نشر شاهد/ ۱۳۸۷.



نگاهی به «واپسین وارث تخت و تاج قاجار، سلطان حمید میرزا قاجار»

# لهجه انگلیسی حمید میرزا



کتاب «واپسین وارث تخت و تاج قاجار، سلطان حمید میرزا قاجار» نه کتاب مفصلی است و نه برای بررسی تاریخ معاصر ایران اثری پراهمیت به شمار می آید، اما بر زوایایی از تاریخ کشور ما پرتو می افکند که سال هاست در تاریکی باقی مانده اند و حتی گاه پژوهشگران تاریخ نیز از آن اطلاع کافی ندارند. این کتاب حکایتی است از آموزش چند شاهزاده قجر توسط دولت انگلستان برای پیشبرد مقاصد استعماری در ایران. هر چند سلسله قاجاریه با سلسله جنبانی دولت انگلستان از اریکه قدرت به زیر کشیده شد و رضاخان سردار سپه با هدایت انگلیسی ها کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ خورشیدی را فرماندهی کرد و با حمایت آنها هم به سلطنت رسید، اما نباید از یاد برد که کارنامه قاجاریه نیز سرشار از بی کفایتی ها و بی عدالتی و خودسری های بسیار بود، کسی برای رفتنشان دل نسوزاند.

ایل قاجار بازمانده ترکانی بودند که در محدوده ای از غرب و شمال دریای خزر تا سرزمین های آسیای مرکزی با نظام قبیله ای روزگار می گذراندند. آنها از حدود سال ۸۸۲ هـ. ق که شیخ حیدر، پسر شیخ جنید از احفاد شیخ صفی الدین اردبیلی، اتحادیه ای از جنگجویان قزلباش تشکیل داد، همراه با ایلات دیگری چون روملو، شاملو، قره مانلو، ذوالقدر، تکلو، افشار، بیات و در ساق به آن اتحادیه پیوستند و پس از تاسیس سلسله صفویه در سال ۹۰۷ هـ. ق در صدر برخی امور نظامی قرار گرفتند.

آنها در روزگار پایانی سلسله صفویه و هرج و مرج هایی که در کشور رخ داد و در پس از مرگ نادرشاه افشار مدعی سلطنت ایران شدند که مدتی قدرتشان توسط کریم خان زند تحدید شد اما با مرگ او و با همت آغا محمدخان قاجار توانستند که در عین ناباوری همگان سلطنت را قبضه کنند. آغا محمدخان از سال ۱۳۱۰ تا ۱۳۱۲ که به قتل رسید پایه های قدرت سلسله قاجار را در پرتو برق شمشیر خود استوار کرد و پس از او شش شاه دیگر به این ترتیب حکومت کردند:

فتحعلی شاه از ۱۲۱۲ تا ۱۲۵۰ هـ. ق

محمدشاه از ۱۲۵۰ تا ۱۲۶۴ هـ. ق

ناصرالدین شاه از ۱۲۶۴ تا ۱۳۱۳ هـ. ق (۱۲۷۵ خورشیدی)

مظفرالدین شاه از ۱۲۷۵ تا ۱۲۸۵ خورشیدی

محمدعلی شاه از ۱۲۸۵ تا ۱۲۸۸ خورشیدی

احمدشاه از ۱۲۸۸ تا ۱۳۰۴ خورشیدی

با کودتای انگلیسی سوم اسفند ۱۲۹۹ که به قدرت رسیدن رضاخان میرنپنج منجر شد، احمدشاه گام به گام در برابر او عقب نشست و در حالی که ریاست الوزراء و فرماندهی قوای نظامی را به وی واگذار کرده بود، به اروپا رفت و ولیعهد او که در ایران باقی ماند تا چراغ سلطنت دودمان قاجار را روشن نگاه دارد، برادر ناتنی و بیست و چند ساله او (تولد ۱۲۷۹ هـ. ش) محمدحسن میرزا قاجار بود اما او نیز وقتی در روز ۹ آبان ۱۳۰۴ مجلس شورای ملی ماده واحده انقراض سلسله قاجار را تصویب کرد از کشور اخراج شد و راه اروپا را در پیش گرفت. از این تاریخ به بعد، دودمان قجر که ۱۳۵ سال زمام امور ایران را در دست داشتند، از روشنائی تاریخ به زوایای تاریک کوچیدند و خاندان پهلوی نیز نهایت کوشش خود را به کار برد تا نام و یادشان

حمید میرزا نیز در سال ۱۳۲۱ و در دوران جنگ جهانی دوم، داوطلبانه به نیروی دریایی سلطنتی انگلستان پیوست و با درجه ناوبانی استخدام شد. شاید کمتر کسی بداند که او یک بار دیگر نیز در سال ۱۳۳۱ برای تصاحب سلطنت ایران نامزد شد. گویا در زمان نخست وزیر دکتر مصدق و استیصال انگلیسی ها از ملی شدن نفت ایران، قوام السلطنه، سیاستمدار کهنه کار ایرانی طرف مشورت آنان قرار گرفت و پیشنهاد داد که حمید میرزا زمام امور را در دست بگیرد. جالب این که در آن زمان این نامزد تاج و تخت ایران حتی نام ایرانی نداشت و با نام انگلیسی «دیوید دراموند» و با درجه نائوسروانی و به عنوان تبعه دولت انگلستان در نیروی دریایی این کشور خدمت می کرد.

کتاب «واپسین وارث تخت و تاج قاجار» زندگی حمید میرزا را تا زمان بازگشت او به ایران در سال ۱۳۳۶ خورشیدی و کار در کنسرسیوم نفت ایران پیگیری می کند و تا هفت سال پیش از مرگ او ادامه دارد. این شاهزاده قجر سرانجام در پنجم اردیبهشت سال ۶۷ خورشیدی در لندن درگذشت و در گورستان «بروک وود» شهر سوری (Surrey) به خاک سپرده شد.

با این حال نکته ای که در این کتاب چندان به آن پرداخته نشده، دلایل اصلی بی رغبتی دولت انگلیس به بازگرداندن طایفه قاجار به عرصه قدرت در ایران است؛ به ویژه آن که در بررسی وقایع مربوط به دوران قاجاریه درمی یابیم با همه بی کفایتی ها، میزان سرسپردگی پادشاهان سلسله قاجار به انگلیس بسیار کمتر از خاندان پهلوی بوده است. این کتاب در شمارگان ۱۶۵۰ نسخه و با بهای ۳۵۰۰ تومان در اختیار علاقه مندان تاریخ معاصر قرار گرفته است.

رضاشاه را بر سریر قدرت نشاند و موجب تداوم قدرت او شده بودند، وی را از تخت سلطنت به زیر کشیدند. در این شرایط رضاخان دیگر نمی توانست منافع آنان را تامین کند و در یک قمار بزرگ در جنگ جهانی اول به سوی آلمان نازی متمایل شده بود. در اینجا، یک بار دیگر نام محمدحسن میرزا و پسرش سلطان حمید میرزا مطرح شد و نمایندگانی از وزارت امور خارجه انگلستان به نزد این دو رفتند تا جریزه آنها برای قبول سلطنت ایران را محک بزنند. کتاب «واپسین وارث تخت و تاج قاجار» بیشتر درباره این موضوعات سخن می گوید. این کتاب متن مصاحبه ای است با سلطان حمید میرزا فرزند محمدحسن میرزا و برادرزاده احمدشاه قاجار (متولد ۱۲۹۷ هـ. ش) که در سال ۱۲۶۰ خورشیدی به انجام رسیده و اینک با ۲۷ سال تأخیر توسط امیر سعید الهی ترجمه و با کوشش نشر ثالث به بازار کتاب عرضه شده است.

حمید میرزا که در زمان انقراض قاجاریه کودکی هفت ساله بود همراه خانواده در پاریس به سر می برد. او با تبعید پدرش به خارج از ایران به انگلستان رفت و در آنجا یک انگلیسی تمام عیار شد. ابتدا وارد دانشکده دریانوردی تجاری «کنت» شد و سپس در شرکت پست سلطنتی به عنوان افسر قراردادی به استخدام درآمد. او در سال ۱۳۱۸ خورشیدی به شرکت نفت موبیل در لندن پیوست و در تابستان سال ۱۳۲۰ که انگلیسی ها به فکر تغییر سلطنت پهلوی افتادند، طرف مذاکره آنها قرار گرفت. اما او بیشتر یک انگلیسی تلقی می شد و زبان فارسی را هم خوب نمی دانست بنابراین این انگلیسی ها ریسک نکردند و ترجیح دادند محمدرضا پهلوی ولیعهد جوان رضاشاه را بر تخت سلطنت بنشانند.

از ذهن ها پاک شود.

احمدشاه در سال ۱۳۰۸ هـ. ش در بیمارستانی در پاریس بر اثر بیماری کلیوی و برخی نارسایی های ژنتیکی درگذشت و برادر یا همان ولیعهد ۲۷ ساله او مدعی تاج و تخت ایران شد. بنابراین دولت پهلوی بلافاصله املاک و وی در ایران را مصادره کرد و از ارسال عایدات املاک و اراضی کشاورزی شاهزادگان قاجار به خارج از کشور جلوگیری کرد. در همین زمان سالارالدوله، برادر محمدعلی شاه و عموی احمد شاه و محمدحسن میرزانیز هر از چندگاهی نواحی غربی ایران را مورد تاخت و تاز قرار می داد و تهدیداتی برای سلسله تازه کار پهلوی فراهم می آورد، حتی وقتی رضاشاه، سردار اسعد بختیاری (سردار اسعد سوم) را در سال ۱۳۱۲ به زندان انداخت و در فروردین ۱۳۱۳ به قتل رساند، مدعی شد که او می خواسته محمدحسن میرزا را به ایران بازگرداند و به سلطنت برساند.

نهایتا در شهریور سال ۱۳۲۰ خورشیدی دولت های انگلیس و اتحادیه جماهیر شوروی با نقض بی طرفی ایران در جنگ جهانی دوم، کشور را به اشغال خود درآوردند و انگلیسی ها که خود

**این نامزد تاج و تخت ایران حتی نام ایرانی نداشت و با نام انگلیسی «دیوید دراموند» و با درجه نائوسروانی و به عنوان تبعه دولت انگلستان در نیروی دریایی این کشور خدمت می کرد!**





نگاهی به کتاب «لبنان: سرزمین و مردم»

# ناگفته‌هایی از سرزمین سیب و آتش

آنها قرار گرفت، اما در نهایت صلاح‌الدین ایوبی به سلطه صلیبی‌ها پایان داد و در سال ۱۲۹۱ میلادی سازمان سیاسی صلیبیان از منطقه‌ای که امروز خاور میانه خوانده می‌شود برچیده شد.

در ادامه کتاب، تاریخ لبنان در دوره جدید یعنی از ۱۵۱۶ میلادی به بعد شرح داده می‌شود. یعنی زمانی که لبنان بخشی از قلمرو امپراتوری عثمانی شد. این وضعیت تا اضمحلال دولت عثمانی در جنگ جهانی اول ادامه پیدا کرد و از آن پس قدرت‌های غربی خصوصاً فرانسه تأثیر زیادی بر تحولات لبنان داشتند. در این دوره لبنان از سوریه جدا و تحت الحمایه فرانسه شد. در همین زمان، تأسیس رژیم صهیونیستی در فلسطین با سلسله جنبانی انگلیس، دوره‌ای سراسر رنج و محنت را برای لبنانی‌ها به‌عنوان همسایه فلسطین رقم زد؛ دوره‌ای که متأسفانه هنوز پایان نیافته است. آرش نورآقایی و ماندانا علیزاده تحولات این دوره را نیز به‌طور کامل شرح می‌دهند و ضمن مرور روند شکل‌گیری مقاومت و تشکیل دوگروه جنبش حزب الله و امل، تحولات را تا جنگ ۳۳ روزه سال ۲۰۰۶ و مقاومت جانانه حزب الله در برابر صهیونیست‌ها که به شکست رژیم صهیونیستی منتهی می‌شود، پی می‌گیرند.

فصل بعدی با عنوان «سیاست و حکومت»، ساختار سیاسی لبنان را که ساختاری پیچیده است توضیح می‌دهد. سپس نوبت «اقتصاد و معیشت» می‌رسد که در فصل بعد شرح داده می‌شود. «فرهنگ و هنر» نام فصل دیگر کتاب است که جنبه‌های دیگری از لبنان را به‌خوبی معرفی می‌کند. فصل بعدی با عنوان «زندگی و مردم» بافت اجتماعی لبنان را شرح می‌دهد؛ بافتی که در آن اقوام، زبان‌ها و مذاهب گوناگون هر یک با شعبات و فروع فراوان در یکدیگر تنیده شدند. نهایتاً فصل آخر کتاب به سفر و گردشگری اختصاص پیدا کرده است و طبیعت زیبا و تاریخ دیرپای این کشور در این فصل به اختصار معرفی شده است. کتاب لبنان در ۱۴۹ صفحه در قطع جیبی و با شمارگان ۳۰۰۰ نسخه توسط شرکت سهامی کتاب‌های جیبی روانه بازار کتاب شده است و علاقه‌مندان می‌توانند آن را با بهای ۱۵۰۰ تومان تهیه کنند.



لبنان از جمله سرزمین‌هایی است که ایرانیان آن را بسیار دوست می‌دارند. این کشور پس از ایران و عراق سومین قطب جهان‌تشیع است و همین موضوع باعث به‌وجود آمدن پیوندهای عمیق میان مردم دو کشور در طول تاریخ شده است. این پیوندها پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ میلادی گسترده‌تر و عمیق‌تر شد چرا که سیاست دولت ایران در تمام این سال‌ها معطوف به حمایت از جنبش مقاومت لبنان و مبارزه با اشغالگری رژیم صهیونیستی بوده است.

در سال‌های اخیر، سفر به لبنان و بازدید از جاذبه‌های طبیعی و تاریخی آن، نظر بسیاری از ایرانیان را به خود معطوف داشته است. علاوه بر کسانی که صرفاً به لبنان سفر کرده‌اند، کاروان‌های زیارتی سوریه نیز برنامه‌ای یک یا دو روزه را برای دیدار کوتاه از عروس خاورمیانه تدارک می‌بینند و بدین ترتیب ارتباط دو ملت ایران و لبنان روز به روز عمیق‌تر می‌شود.

با این وجود، به جرئت می‌توان گفت که اغلب ایرانیان و کسانی که به لبنان می‌روند، از سرگذشت این سرزمین کهن در طول تاریخ و بافت فرهنگی، اجتماعی و سیاسی آن اطلاع کافی ندارند. همین موضوع دستمایه نگارش کتابی با عنوان «لبنان: سرزمین و مردم» توسط آرش نورآقایی و ماندانا علیزاده شده است. این کتاب که به زبانی ساده و برای مخاطب عام به نگارش درآمده، از سری کتاب‌های مجموعه جهان‌نماست که به وسیله شرکت سهامی کتاب‌های جیبی منتشر شده است. مجموعه جهان‌نما شامل کتاب‌هایی است که به‌طور مختصر اما کاربردی و مفید، به معرفی کشورهای جهان می‌پردازد. هر یک از کتاب‌های این مجموعه افزون بر آن که می‌تواند منبعی روزآمد و کامل برای تحقیق و مطالعه درباره یک کشور باشد، به عنوان یک راهنمای دستی در مسافرت نیز قابل استفاده خواهد بود.

کتاب لبنان در هفت فصل تدوین شده است. فصل اول با عنوان سرزمین و اقلیم، به اختصار جغرافیا و طبیعت لبنان را معرفی می‌کند. به این ترتیب خواننده آماده مرور تاریخ لبنان در فصل بعدی می‌شود که عنوان «در عرصه روزگار» برای آن انتخاب شده است. این فصل که یکی از جذاب‌ترین فصول کتاب است،

تاریخ لبنان را از آمدن سامی‌ها به این سرزمین آغاز می‌کند و حضور اقوام مختلف در این منطقه در عصر باستان را مرور می‌کند. چرا که لبنان در این عصر همواره تحت سلطه اقوام و دولت‌هایی مانند مصری‌ها، آشوری‌ها، بابلی‌ها، پارس‌ها، یونانی‌ها، رومی‌ها و امپراتور بیزانس بوده است. آن‌گاه تاریخ لبنان پس از ظهور اسلام شرح داده می‌شود. از این تاریخ به بعد، مسلمانان، مسیحیان و

اقلیتی از یهودیان به شکل مسالمت‌آمیز در کنار یکدیگر زندگی می‌کردند، اما این منطقه هر از گاهی صحنه نبرد مسلمانان و امپراتوری‌های روم و بیزانس بود. با این وجود لبنان توانست به رغم همه ناملایمات در قرن هشتم میلادی دوره‌ای از تجدید حیات فرهنگی را تجربه کند. هنگامی که جنگ‌های صلیبی با یورش صلیبیون مسیحی به سرزمین‌های اسلامی آغاز شد، لبنان به‌طور مداوم هدف دست‌اندازی و اشغالگری

## نگاهی به شهریار ایرانی: دیباچه‌ای بر نظریه سیاست در ایران

### آیین شهریاری



عصر ساسانی روشن می‌سازد که در روزگار ساسانیان، بیش از گذشته به ویژگی‌های شهریار فرهمند پرداخته شده است و نخبگان آن عصر، آموزه‌های سیاسی و اخلاقی خود به حاکمانشان را در قالب اندرز حاکم به‌فرزندش و یا ستودن حاکم با صفات عالی و برجسته‌ای که در عالم واقع وجود نداشته، نگاهشاند.

این سنت در دوران اسلامی با سبک اندرزنامه‌نویسی رواج گسترده‌ای پیدا کرد و به عنوان سنتی سیاسی تا روزگار مشروطه ادامه یافت که فصل چهارم کتاب شهریار ایرانی به آیین شهریاری در اندیشه‌های ایرانی اسلامی در سه بخش خصال ملوک (شهریاران) و جایگاه آنان، سلوک ملوک با رعیت و وظایف رعایا و شخصیت، وظایف و جایگاه

فصل اول به بررسی شهریار و آرمانشهر در ایران‌شهر اساطیری اختصاص یافته است. آرمان شهریاری در ایران باستان، نظریه‌ای تاریخی-اساطیری است که بازتاب آن در اندرزنامه‌ها و کتیبه‌های تاریخی و متون حماسی به چشم می‌خورد و با برخورد یونانیان با ایران، آموزه عالی شهریار آرمانی که در کتیبه‌های هخامنشی آمده، بر اندیشه‌های افلاطون در طرح نظریه‌اش تأثیر گذاشته است.

فصل دوم آیین شهریاری و اوضاع سیاسی ایران‌شهر پیش از ساسانیان را بررسی کرده و در همین زمینه به سه دوره مادها، هخامنشیان و اشکانیان اشاره می‌کند. فصل سوم با عنوان نظریه شهریار فرهمند در

کتاب «شهریار ایرانی: دیباچه‌ای بر نظریه سیاست در ایران» شرح حال و با بیان اعمال شاهان و حاکمان ایرانی نیست، بلکه این اثر پژوهشی بر دیدگاه‌ها، انتظارات و توقعات مردم از حاکمانشان نظر دارد. صادق حیدری نیا، مؤلف کتاب هدف خود از

نگارش این اثر را چنین عنوان می‌کند: «پژوهش حاضر که حاصل بازخوانی بیش از چهل متن کهن از اواخر قرن سوم تا اوایل قرن هفتم است، کوشیده تا نمایی عینی و ملموس از اندیشه و سیاست در آینه اسطوره و تاریخ ایران ترسیم کند تا از سطح تحقیقی صرف‌نظری و ملال‌آور، به پژوهشی عینی و کاربردی بدل شود. این پژوهش تلاشی است برای بازجویی و بازنمایی بنیان‌های اندیشه و ساختار سیاسی در ایران (شکل‌گیری و تحول آن) و نیز بازنمایی تعاریف و تمایز اندیشه و رفتار سیاسی در تاریخ ایران و حاصل این بازنمایی در باورهای قطعی و تئوری‌های جزم‌اندیشانه درباره تاریخ ایران، تردید کند.»

مطالب این کتاب در چهار فصل به‌نگارش درآمده که هر یک از فصول با کنکاش در اندرزنامه‌ها، داستان‌ها، متون رسمی و سایر منابع مشابه به بررسی آرمان شهریاری در ایران پرداخته است.

وزیر می‌پردازد.

اندرزها و متون اخلاقی روزگار ساسانی و اسلامی سه محور ثابت دارد: فرد، خانواده و حاکم. این متون آموزه‌های خود را با هدف ارتقای اخلاق، تعادل و تناسب در جامعه ارائه کرده‌اند اما گذشته از مسائلی که درباره شخصیت حاکم نقل شده و یا اندرزهایی که حاکم مخاطب اصلی آن است، دو بخش دیگر این اندرزها نیز بیانگر ویژگی‌های اخلاقی، سیاسی و اجتماعی جامعه خود است و در نگاهی ژرف، گوشه‌های مبهمی از تاریخ اندیشه و ساختار سیاسی ایران پیش از اسلام را آشکار می‌سازد. اثر حاضر در ۲۲۱ صفحه با شمارگان ۱۲۰۰ نسخه و با قیمت ۲۸۰۰ تومان توسط انتشارات موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی منتشر شده است. نکته قابل ذکر در اینجا نگاه ویژه نگارنده کتاب به اساطیر است. وی این متن را با اعتقاد به نقش اسطوره در زندگی سیاسی، فرهنگی و اقتصادی بشر، در تمام دوران حیاتش تدوین کرده است و بنا به گفته خود تفسیرهایی که از برخی اساطیر ارائه شده و چگونگی تطبیقشان با واقعیت‌های تاریخی در این کتاب محل مذاقه قرار گرفته است.

## پسری با شوخی های گزنده

آرتمیس فاوول، بالاخره یک رقیب پیدا می کند، دختری نوجوان از وجود پری ها با خبر می شود و تصمیم می گیرد یک دیو را به دام بیندازد. اما مبارزه به این دو رقیب محدود نمی شود. در این میان، تنها چیزی که تاکنون بشر را از شر دیوها در امان نگه داشته، طلسمی است از دوران باستان که آرتمیس باید هر طور شده، جلوی باطل شدن آن را بگیرد و گر نه این موجودات خونخوار، نسل بشر را نابود می کنند. این بار شاید آرتمیس در این مبارزه پیروز نشود...!

آ این کالفر، نویسنده ایرلندی، متولد ۱۹۶۵ است و نخستین جلد از این مجموعه را در سال ۲۰۰۱ نوشته و پنجمین جلد از این مجموعه با نام «آرتمیس فاوول و مهاجران گمشده» در روزهای پایانی سال ۸۶ با ترجمه شیدا رنجبر و به همت نشر افق ترجمه و روانه بازار نشر شده است.

آرتمیس، نوجوان نابغه ایرلندی و پسر شوخ طبعی است که از کنایه زدن به دیگران ترسی ندارد. او ضدقهرمانی است که در طول داستان، دچار تغییر و تحول دیگران می شود و به گونه ای بلوغ روحی دست می یابد. آرتمیس در ابتدای مجموعه، نوجوانی به شدت منفی است اما به مرور تغییر می کند و چهره ای متفاوت از خود بروز می دهد. داستان «آرتمیس فاوول و مهاجران گمشده» به بیان روحیات یک بادیگارد یا محافظ شخصی می پردازد و اتفاق هایی را که برای او رخ می دهد مطرح می کند.

کالفر برای بیان منظور و مقصد خود از زبان عامیانه بهره برده و این زبان به ترجمه نیز، راه یافته است:

«آره، همین طوره. و حالا در بدترین قسمت فیلمنامه اش یه دیو ظاهر می شه، اونا با دارت می گیرنش، ما دخالت می کنیم، آشوبی به پا می شه که بیا و ببین. پلیس دیوه رو می گیره، ما همگی می افتیم زندان.»

نویسنده این رمان به خوبی دنیای نوجوانان را می شناسد و با ذهن و زبان آنها آشناست. همچنین جسارت او در پرداختن به شخصیت ها و حوادث، تحسین برانگیز است. به این معنی که تاپیش از کالفر، کمتر نویسنده ای یک ضدقهرمان را به شخصیت اصلی قصه خود تبدیل کرده و به روایت ماجراهای داستان از زبان او پرداخته است.

کالفر، افسانه ها را به خوبی می شناسد، با جذابیت آنها آشناست و فکرمی کند، این افسانه ها در گوشه ای از ذهن آدمیان جا خوش کرده اند. به همین خاطر در مجموعه آرتمیس فاوول، به روایت تازه ای از افسانه هادست یافته و ماجراهای جن و دیو و پری را در فضایی امروزی و با زبانی قابل لمس و درک برای مخاطبان خود، به تصویر کشیده است.

نویسنده به خلق داستانی ساده و طرح اتفاقاتی ساده تر اما جالب و خواندنی پرداخته و در نهایت داستانی جذاب و یکدست را به مخاطب عرضه کرده است.

کالفر در ابتدای جلد پنجم از مجموعه آرتمیس فاوول به معرفی شخصیت هایی پرداخته که مخاطب ضمن خواندن کتاب با آنها آشنایی شود؛ که نامشان، بارها در افسانه های اروپایی آمده است. افسانه هایی چون «رامپل، آب زیرکانه، کفش دوز و ...».

انتشارات افق، آرتمیس فاوول و مهاجران گمشده را در ۳۰۰۰ نسخه و به قیمت ۴۵۰۰ تومان منتشر کرده است.



«چقدر بلوط، چقدر بلوط! خداوند این سرزمین را با پیراهنی از بلوط پوشانده است. اینجا در مسیری که ما می رویم جاده از میان جنگل های بلوط می گذرد. درختان بلوط، شبیه چترهای بزرگی هستند که در کنار یکدیگر ایستاده اند و روبه بارانی که می بارد و نمی بارد بازند. هزاران هزار چتر سبز! و من هنوز غرق اوامم خورشیدم. که ناگهان خدای بلوط ها، شانه ام را تکان می دهد...» انتشار کتاب «خداوندگار بلوط ها» نوشته مریم صباغ زاده ایرانی از سوی انتشارات علمی- فرهنگی بهانه ای شد تا به گفت و گو با این نویسنده بپردازیم که در سال ۱۳۴۳ در شهر کرمان به دنیا آمده و نخستین مجموعه داستان خود را با نام «زخمه ها» در سال ۱۳۷۶ منتشر کرده است. «هجرائی، مجنون، شیدایی، نامه های باد» (درباره مقاومت لبنان) و «روایات هفتگانه» که به زندگی جلال آل احمد می پردازد و دو کتاب دیگر با عنوان «بابا مرا نبوس» و «اسیر کوچک» از مجموعه کودکان عاشورا از آثار اوست.

مریم صباغ زاده ایرانی از تازه ترین اثر خود می گوید

# خداوندگار بلوط ها



## خانم صباغ زاده! آیا آثار شما را می توان در شمار ادبیات دینی گنجاند؟

من اعتقاد چندانی به این دسته بندی ها ندارم و بر این باورم که تفاوتی میان ادبیات دینی و ادبیات به مفهوم کلی آن وجود ندارد و نمی توان ادبیات دینی را از سنخ و گونه دیگری دانست زیرا دین از فطرت آدمی برخاسته و با ذات و درون او هماهنگ است؛ به همین دلیل است که فطرت انسان، خوبی ها را می پسندد و از کنار بدی ها با درنگ می گذرد. اما «خداوندگار بلوط ها» را در شمار ادبیات مذهبی می توان گنجانند، چرا که بخشی از زندگی امام حسین (ع) را مطرح کرده است. گرایش به سمت مذهب در کل ادبیات دنیا به چشم می خورد و این کار به نوعی تخصصی کردن ادبیات دینی است، اگر چه من معتقدم که نمی توان به دسته بندی کردن ادبیات پرداخت و در واقع به تفاوت موضوعی ادبیات اعتقاد دارم تا تفاوت قالبی آن.

## آنچه شما نوشته اید، داستانی است که مذهب را درونمایه خود قرار داده است.

بله، من از قالب داستان استفاده کرده و تمام عناصر داستانی را به خدمت گرفته ام تا ماجرای سفر امام حسین (ع) از مکه به کوفه را بازگو کنم. و این بی شباهت به سفرنامه نیست. شما در داستان سفر خود از تهران تا کربلا و ماجراهایی که پیش می آید، حتی شهرها، مهمانسراها و قهوه خانه هایی که در راه وجود دارد و ... اشاره کرده اید. پس بهتر نیست از قالب سفرنامه نام ببرید نه داستان؟!

در «خداوندگار بلوط ها» به شرح داستان دو سفر پرداخته شده است. هم واقعه کربلا را در قالب داستان مطرح کرده ام و هم گزارشی از سفر خود به این سرزمین به خوانندگان ارائه داده ام، زیرا نتوانستم از کنار زیبایی ها و جذابیت های طبیعی که در این مسیر وجود داشت به راحتی بگذرم. به عبارتی، جغرافیای طبیعی و تاریخی را با هم آمیخته و به خوانندگان معرفی کرده ام.

## می توان گفت که در این کار به تک نگاری پرداخته اید؛ مانند کاری که جلال آل احمد در «اورازان» انجام داده است.

بله، من نکات ارزشمند بسیاری را در زمینه تک نگاری از آل احمد آموخته ام و درباره این سفرم هم نتوانستم با میل درونی خود بچنگم و به نوشتن تک نگاری نپردازم و جاذبه های تاریخی، طبیعی و آداب و رسوم مردمانی را که با شهر و دیارشان آشنا می شدم، معرفی نکنم.

## گفتید که برای نگارش «خداوندگار بلوط ها» از قالب داستان بهره برده اید در صورتی که به مستندات تاریخی نیز وفادار مانده اید. چطور به تلفیق روایت های تاریخی با عناصر داستانی دست یافتید؟

به هر حال ما بخشی از تاریخ را بازگو می کنیم و باید به مستندات تاریخی وفادار باشیم در عین حال نباید از کنار عناصر داستانی و جذابیت های

این قالب ادبی بی تفاوت بگذریم. برای مثال من در «فصل فاصله» به بیان داستان زندگی حضرت معصومه (س) پرداخته ام؛ کتابی که بسیاری از روحانیون و پژوهشگران پس از مطالعه آن می پرسیدند که تو چطور توانستی از زندگینامه بسیار مختصر این بزرگوار، داستانی چنین مفصل بنویسی، البته نوشتن داستان زندگی پیامبر و امامان بزرگوار (ع) باید به گونه ای باشد که کلام معصوم (ع) عینا نقل شود و خدشهای بر آن وارد نیاید.

## با این حساب بهتر نیست نویسندگان به حواشی زندگی این بزرگواران بپردازند؟

یکی از موفق ترین کارهایی که در این زمینه نوشته شده «روز واقعه» است. بهرام بیضایی در این داستان «واقعه عاشورا را از زبان یک نصرانی تازه مسلمان شده به نام عبدالله مطرح کرده و به نتیجه دلخواه خود رسیده است. به عبارتی این سبک نوشتن را نمی توان پرداختن به حواشی نامید بلکه نویسندگان این گونه آثار، از زاویه دیگری به ماجرا می نگرند و با زبانی متفاوت، واقعه خاصی را بازگو می کنند.

## در این کتاب به بیان خاطرات دفاع مقدس هم پرداخته اید، گویی بازگشته و خاطراتی را در ذهن خود مرور کرده اید. این پیوند بین دو مقطع تاریخی چگونه در ذهنتان شکل گرفت؟

دفاع مقدس ما از ظرفیت دراماتیک بسیار بالایی برخوردار است که باید کشف و به آن پرداخته شود؛ ظرفیت هایی که نویسندگان ما کمتر به آن توجه کرده اند. اما من با رسیدن به مهران، نتوانستم از این شهر و آنچه بر آن گذشته ننویسم. از روایت حضور شهدای کربلا در این واقعه بزرگ هم برای رساندن منظور و مقصود خود وام گرفته ام؛ چرا که همه این موارد خاطرات تاریخی ما را تشکیل می دهند و ناخودآگاه جمعی ما به دنبال این تشابهات می گردد.

## در این کتاب از «اسماء» دختر مسلم بن عقیل سخن گفته اید، در حالی که تاکنون بیشتر از دو پسر مسلم شنیده بودیم. به طور کل می توان گفت

کودکان در کتاب شما حضور موثری دارند؟ حضور کودکان در آثار من بدون تمهیدات از پیش تعیین شده و به طور ناخودآگاه است، چرا که بچه ها همواره در متن زندگی من حضور دارند. اما شخصیت اسماء دختر مسلم، همواره برای من جالب بوده چون از همه زندگی او، تاریخ تنها یک صحنه را، روایت کرده و آن زمانی است که امام حسین (ع) می خواهد دخترش، سکینه را ببوسد و او به پدر می گوید، روبه روی اسما که پدر خود را از دست داده چنین نکند و همین ماجرا، نوع دوستی، عواطف پدر و فرزند و ... را برای انسان های امروز؛ شاخص می کند به همین دلیل در آوردن نام اسماء در این داستان تعمد داشته ام.

## وضعیت آثار دینی در حوزه کودک و نوجوان را چگونه ارزیابی می کنید؟

کتاب های کودکان و نوجوانان باید مجموعه ای از متن، تصویر و صفحه آرائی باشد و تخیل آنان را پر و بال دهد، در صورتی که اکثر کارهایی که در زمینه مفاهیم دینی و شخصیت های مذهبی نوشته می شوند، سفارشی هستند و متأسفانه گاهی غلط های فاحشی در آنها به چشم می خورد. در حقیقت می توان گفت به ندرت نویسنده ای از سر ذوق، کاری در این زمینه انجام می دهد. از سوی دیگر، ارتباط چندانی بین نویسندگان و تصویرگران وجود ندارد و همه این موارد موجب می شود تا به جای این که به روشنگری مسائل دینی بپردازیم به موضوع آسیب برسانیم. به نظر من از جمله کارهای مهمی که در این زمینه می توان انجام داد این است که کودکان را با مقتل آشنا کنیم.

وقتی دختر بچه های ما چادر سیاه به سر می کنند، پسر بچه های ما پیراهن سیاه می پوشند و با مادران خود به مجلس عزاداری می روند یعنی به درجه ای از شعور رسیده اند که مقتل خوانی را درک کنند. بنابراین، این گونه ادبی هم به شناخت آنها کمک می کند و هم به رفتارهای مذهبی شان معنا می دهد.



با رونمایی نخستین جلد از فرهنگ دانشنامه‌ی نفت

# صد سالگی نفت ورق خورد



اولین فرهنگ دانشنامه‌ی نفت روز پنجشنبه بیست و سوم خردادماه همزمان با یکصد سالگی صنعت نفت در شرکت ملی صنایع پتروشیمی رونمایی شد.

تالیف و تدوین نخستین فرهنگ دانشنامه‌ی نفت کشور با همکاری انجمن نفت ایران از سال ۷۲ آغاز شد که نخستین جلد آن طی مراسمی با حضور غلامحسین نجابت معاون وزیر نفت و مدیرعامل پتروشیمی، مدیران ارشد صنعت نفت، هیات مدیره انجمن نفت، اعضای شورای علمی و تدوین دانشنامه رونمایی شد.

در این مراسم، مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران با بیان این که فرهنگ دانشنامه‌ی نفت ماندگارترین دستاورد این صنعت است گفت: «همه دستاوردهای ۱۰۰ سال صنعت نفت و ۵۰ سال صنعت پتروشیمی و گاز ایران در این دانشنامه آورده شده است که این امر وسعت و اهمیت کار گردآورندگان آن را بیشتر نمایان می‌کند.»

معاون وزیر نفت با گرامیداشت یاد و خاطره استاد احمد بیرشک بنیانگذار ایده تدوین فرهنگ دانشنامه علوم مختلف در کشور گفت: «واژه‌هایی که در طول تاریخ در حوزه‌های مختلف استفاده می‌شوند اگر جمع‌آوری و حفاظت نشوند به مرور زمان به فراموشی سپرده می‌شوند که این به معنای از بین رفتن یک مقطع تاریخی است، بنابراین ویژگی اصلی این دانشنامه، زنده نگه داشتن واژگانی است که در یک زمان خاص متداول بوده‌اند.»

نجابت در ادامه گفت: «مدت ۱۵ سال بزرگانی در انجمن نفت روی این طرح کار کرده‌اند. به طوری که حدود ۱۰ هزار واژه مربوط به حوزه نفت از زمان پیدایش تاکنون در همه زمینه‌های مربوط به فرایندها، فرآوری شخصیت‌ها و اتفاقات تاریخی را جمع‌آوری و به شرح آن پرداخته‌اند.»

در ادامه مراسم نیز سید رضا مختاری فر رئیس شورای علمی و سرپرست دانشنامه در خصوص نحوه کار و تالیف این اثر برای حاضران توضیحاتی ارائه کرد. پس از آن اعضای شورای علمی منوچهر الفت، مسعود ایزدی، مسعود جهدی، غازی عیدان، فرخ کمالی، ناصر گیوه‌چی، سیدرضا مختاری فر، مه‌ری مهرورز، آرامالین نریسیان و محمدحسین همدانی زاده مورد تقدیر و تشویق قرار گرفته و هدایایی دریافت کردند.

در پایان این مراسم فرصتی فراهم شد تا کتاب هفته با مهندس مختاری فر رئیس شورای علمی و سرپرست دانشنامه گفت‌وگویی داشته باشد.

مهندس مختاری فر در مورد شروع کار تدوین دانشنامه که به سال ۷۲ برمی‌گردد چنین می‌گوید: «پس از آن که زنده‌یاد استاد بیرشک از وزارت نفت خواسته بود که فرهنگ دانشنامه‌ی نفت تدوین شود، این امر به انجمن نفت محول شد. در ابتدا به نظر کاری آسان می‌آمد ولی پس از کمی بررسی مشخص شد که در این مجموعه باید تمامی واژه‌های صنایع گسترده نفت، گاز و پتروشیمی در بخش‌های اکتشاف، حفاری، تولید، انتقال و پالایش نفت و گاز و همچنین مسائل مربوط به تجهیزات، ایمنی و محیط زیست و حتی اعلام مربوط به آنها شناسایی و شرح داده شود. این بررسی ما را برآن داشت که به دنبال کتاب‌هایی با این مضمون به زبان‌های دیگر باشیم که عملاً چنین منبعی وجود نداشت و علاوه بر آن بسیاری از مطالب مربوط به کشور خودمان بود که می‌بایست توسط متخصصان

داخلی تالیف می‌شد.»

وی در ادامه با اشاره به این نکته که در تدوین و تالیف منابع تخصصی همواره این نکته وجود داشته که گروهی از افراد متخصص و آگاه به دانش خاصی هستند و گروه دیگر ادیب و آگاه به فنون صحیح نوشتاری و ویراستاری می‌گویند: «گرفتاری عمده در تولید منابع تخصصی علمی در پیوند این دو گروه است که تا الان از هم دور بوده‌اند. به طوری که در این مدت ۳۰ سال کار علمی و ویراستاری، مهندسان بسیاری را دیده‌ام که دانش فراوانی داشته‌اند ولی دستشان به نوشتن نمی‌رود. بنابراین قبل از شروع کار، برای گروه همکاران به مدت چهار ماه کلاس‌هایی را برگزار کردم و در آنها اصول نوشتن متن، ویرایش و نگارش مقالات را در حدی که یک مهندس باید بداند برای آنها شرح دادم تا گروه از یک شکل واحد نوشتن استفاده کند و امور ویراستاری به شکل

مطلوب‌تری انجام گیرد.»

مهندس مختاری فر که خود دانش‌آموخته رشته مهندسی شیمی از دانشگاه صنعتی شریف است از سال ۱۳۵۳ در شرکت ملی صنایع پتروشیمی شروع به کار کرده است. وی از سال ۶۸ کمیته انتشارات انجمن

نفت ایران و ویراستار نشریه انجمن نفت ایران بوده و تجربه‌ی سال‌ها کار هم به عنوان متخصص و هم به عنوان ویراستار متون علمی تخصصی وی را بر آن می‌داند که به فکر روشمند کردن نوشتارهای این مجموعه باشد. او معتقد است که یکی از آفت‌هایی که بسیاری از دانشنامه‌ها را درگیر خود کرده این است که سلیقه و نظر نویسندگان در ارائه مقاله اعمال می‌شود به طوری که حجم مطالب و قسمت‌های تشکیل دهنده آن بر اساس نظر نویسندگان مختلف متفاوت می‌شود.

مهندس مختاری فر ساختار واحد و روشمند بودن مقالات این مجموعه را یکی از ویژگی‌های آن ذکر می‌کند و ادامه می‌دهد: «واژه‌های این فرهنگ از لحاظ اهمیت و سایر معیارهای مورد نظر دسته‌بندی شده‌اند و برای واژگانی که در یک سطح بوده‌اند از یک روش نگارش استفاده شده و نویسندگان مقالات با توجه به قسمت‌های تشکیل دهنده مقاله و تعداد کلماتی که برای هر بخش در نظر گرفته شده مطالب خود را ارائه کرده‌اند.»

وی در ادامه می‌گوید: «بیش از ۹۰ درصد واژه‌ها که با اسامی فرایندها، سازنده‌ها یا اعلام است دسته‌بندی و مقاله آن تهیه شده و تنها حدود ۷ درصد از واژه‌ها دسته‌بندی نشده و با عنوان اسامی متفرقه شرح داده شده‌اند به طوری که در این فرهنگ نمی‌توان واژه‌های هم‌اهمیتی را پیدا کرد که در مورد یکی چندین صفحه و در مورد دیگری نصف صفحه توضیح داده شده باشد.»

سرپرست دانشنامه نفت در مورد چگونگی واژه‌یابی این فرهنگ نیز اضافه می‌کند: «در واژه‌یابی از حدود ۷۰۰ منبع داخلی و خارجی استفاده شد که فهرست آنها در پایان جلد پایانی ذکر خواهد شد به این ترتیب که ابتدا حدود ۱۰ هزار واژه استخراج شد که در صنایع نفت و گاز و پتروشیمی به کار می‌رود اما بخشی از آنها به رغم کاربرد در این حوزه متعلق به حوزه‌ای

دیگر از علوم و فنون بود که با بررسی‌هایی که در شورای علمی صورت گرفت برخی از آنها حذف حدود ۶ هزار واژه منتخب باقی ماند.»

مهندس مختاری فر در پاسخ به این سوال که چرا عنوان «فرهنگ دانشنامه‌ی» برای این کتاب انتخاب شده است می‌گوید: «برای تدوین دانشنامه فارسی، استاد زنده‌یاد احمد بیرشک طرح دانشنامه بزرگ فارسی را در مرداد ۶۷ پیشنهاد کرد و اساسنامه‌ای برای آن به تصویب رسید. استاد بیرشک برای رسیدن به هدف خود پیش از ده دانشنامه تخصصی در رشته‌های مختلف علوم و فنون با نام «فرهنگ دانشنامه‌ی» در حوزه‌هایی مثل برق، شیمی، ورزش، دامپزشکی و... تعریف کرد که تالیف و تدوین فرهنگ دانشنامه‌ی نفت به وزارت نفت سپرده شد. این کتاب، یک فرهنگ است زیرا واژه‌ها در آن به صورت الفبایی مرتب شده و معادل خارجی نیز در مقابل آمده است و دانشنامه است زیرا دانستنی‌هایی در مورد حوزه‌ای از علوم و فنون در آن گردآمده است.»

رئیس شورای علمی فرهنگ دانشنامه‌ی نفت در خصوص ادامه کار و انتشار جلد‌های بعدی این مجموعه یادآور می‌شود: «جلد اول شامل حروف آ و الف در ۸۰۰ صفحه منتشر شده ولی با توجه به این که تالیف این مجموعه به ترتیب حروف الفبا انجام می‌شود حدود ۸۰ درصد کار به انجام رسیده که به خواست خدا طی سه یا چهار سال آینده جلد‌های بعدی نیز منتشر می‌شود.»

برنامه‌های بعدی نیز مربوط به ملحقات دانشنامه مربوط به دانش‌های جدید و روزآمد کردن اطلاعات آنهاست. همچنین برای تدوین کتاب‌های پیوست دانشنامه که کتاب‌های مستقلی در موضوع‌های مهم صنایع نفت و گاز و پتروشیمی خواهند بود نیز برنامه‌ریزی‌هایی انجام شده که بر اساس ماهیت تولید دانشنامه‌ها، این کار هیچ وقت پایان نمی‌پذیرد.»



یادداشت

نسیم سلطانیان

## روش های کاربردی پژوهش

علوم انسانی همواره به دلیل پیچیده بودن موضوع مورد مطالعه یعنی انسان و مصادیق رفتاری اش، نیازمند دقت و بهره گیری از بهترین روش ها برای جمع آوری و تحلیل اطلاعات برای دستیابی به حقایق مکنون است. بدین منظور استفاده از شیوه های علمی پژوهش، خدمات بی بدیل و شایان توجهی را برای حیطه علوم انسانی به همراه داشته است.

کتاب «روش های کاربردی پژوهش در روان شناسی بالینی و مشاوره»، سومین کار مشترک دکتر حمیدرضا عریضی و دکتر حجت الله فراهانی در زمینه پژوهش و روش های تحقیق و دهمین اثر دکتر حمیدرضا عریضی در این حوزه به شمار می رود. این کتاب در هجده فصل توسط مولفان نامبرده نگاشته شده است. کتاب مذکور همچون اثر قبلی مولفان «روش های پیشرفته پژوهش در علوم انسانی» حاوی مطالب نو و ژرفی در گستره پژوهش در حوزه علوم انسانی است.

در ذیل با توجه به گستردگی مطالب و فصول کتاب، تنها به معرفی برخی از نکات بدیع تر پرداخته می شود. در فصل نخست ریشه های فلسفی حوزه پژوهش تا چگونگی تکوین پارادایم ها، رویکردها و دانش پژوهش بالینی، مورد مذاقه قرار گرفته است. در این فصل مباحثی همچون درهم تنیدن پژوهش های کمی و کیفی و انواع سوگیری ها در پژوهش بالینی از جمله عناوین نوینی است که در دیگر کتاب های ترجمه و تالیف شده در حوزه پژوهش و تحقیق روان شناختی به چشم نمی خورد. در فصل شش به موضوع مورد پژوهش کمی و کیفی پرداخته شده است که از دیگر وجوه تمایز این کتاب با دیگر کتاب های همتای خود است.

در فصل نه و ده کتاب به ترتیب موضوع درس پژوهش در خانواده و زوجین و موضوع های بررسی نتایج مداخله های درمانی برای نخستین بار و به گونه ای مبسوط مورد بررسی قرار گرفته است.

از دیگر موضوعات بدیعی که در این کتاب مطرح شد است می توان به موضوعات تحلیل بقا و تعیین تعداد جلسات درمانی موثر اشاره کرد.

در فصل دوازدهم، مولفان کتاب به ماهیت پژوهش های همه گیر شناسی پرداخته و به تعداد معتابهای از پژوهش های داخلی کشور اشاره کرده اند. از دیگر ویژگی های کتاب مذکور بازگو کردن موضوعات اساسی و رایج در حوزه پژوهش در فرم و محتوایی جذاب، جدید و عمیق، همچون موضوع نمونه و نمونه گیری در فصل چهاردهم است. در فصل هجدهم کتاب با عنوان «چشم اندازها و چالش های روش شناختی در پژوهش های بالینی» به موضوعات نوینی مثل سنجش های گوناگون در تشخیص بیماری ها و اختلالات روانی، الگوهای ابعادی در مقابل طبقه ای و نمودار ROC پرداخته شده است.

در مجموع کتب، مقالات و نوشته های دکتر حمیدرضا عریضی نه تنها حاکی از عمق تسلط ایشان به موضوعات، بلکه بازگوکننده میزان تسلط و آشنایی او با دیگر حوزه های علوم، مثل فلسفه، فلسفه علم، آمار، ریاضیات و ... است.

روش و روش

فاطمه صبحی



با دکتر حمیدرضا عریضی درباره «روش های کاربردی پژوهش در روان شناسی بالینی و مشاوره»

## نگاه بومی به قفسه روان شناسی

منظورم این است که ممکن است بعضی از پژوهش ها گریه برداری از پژوهش های خارجی باشند یعنی مشابه یک تحقیق که در خارج انجام شده در داخل کشور ما هم انجام شده باشد و در حقیقت ابزارهای اصلی اندازه گیری که در پژوهش به کار می رود ترجمه شده و بعد فقط نمونه تغییر کرده باشد. مادر بسیاری از تحقیقاتی که انجام دادیم سعی کردیم ایده های نو و خلاقه داشته باشیم اما موارد بسیاری هم هست که مرزی نمی شناسند مثل پژوهش های همه گیرشناسی. این روش های پژوهشی ثابت هستند یعنی اصول و روش های آماری ثابت است و این نوع تحقیقات باید در همه جای دنیا مبتنی بر نظریه های خاصی نیستند بلکه نوعی فرضیه آزمایی است که متناسب با مینان خاصی باید به صورت داده های تجربی گزارش شوند. مسائل فرهنگی در پژوهش های روان شناسی بالینی کمتر تاثیر گذار هستند و در پژوهش های مردم شناسی، جامعه شناسی و در پژوهش های حیطه روان شناسی اجتماعی بیشتر دیده می شوند.

ویژگی دیگری که در این کتاب می توانید مشاهده کنید ارتباط دادن مفاهیم علمی با فلسفه علم و نظریه هاست که در کتاب های پیش به چشم نمی خورد. ما از آنجا که اعتقاد داریم روش های تحقیق کمی ارتباط زیادی با آمار دارند کلیه روش های آماری که در این زمینه کاربرد داشتند را در یک فصل از کتاب مرور کرده ایم.

**در میان روش های پژوهشی موجود، چرا روش های کاربردی را انتخاب کردید؟**

برای این که بسیاری از تحقیقات ما جنبه کاربردی ندارند یعنی در جامعه ما نمی توانند کاربردی داشته باشند و البته ممکن است به یک سوال علم جواب بدهند اما تاثیرشان در جامعه ما احساس نمی شود بنابراین ما در این کتاب هر چند نخواستیم از قسمت اول به طور کامل چشم پوشی کنیم اما در عین حال به این نکته توجه داشتیم که این روش ها در جامعه ما کاربرد داشته باشند. برای مثال در همان پژوهش ارزشیابی ممکن است یک روش مداخله ای خاص به این دلیل تاثیر نداشته باشد که تعداد جلسات کافی برای درمان به آن اختصاص داده نشده باشد بنابراین، این سوال برای ما سوالی بسیار اساسی بود که چرا در تمام پایان نامه ها اعم از پایان نامه های کارشناسی ارشد و دکتری، روان شناسان بار وریکردی کلیشه ای، درمان را برای تمام روش های درمانی و برای تمام بیماری ها حدود هشت جلسه در نظر می گیرند؟ طبیعی است که ما نمی توانیم با یک نسخه برای همه اینها زمان کافی را تدارک ببینیم و خیلی از مواقع عدم تاثیر که مشاهده می شود ممکن است به دلیل ناکافی بودن تعداد جلسات درمانی باشد. ضمن این که اگر می خواستیم به جنبه های بنیادی هم بپردازیم این کتاب که الان حدود ۵۵۰ صفحه است، حجمی چند برابر حجم فعلی پیدا می کرد.

**مخاطبان این کتاب چه کسانی هستند؟**

ما سعی کردیم گستره وسیعی را برای مخاطبان این کتاب در نظر بگیریم. فصول اولیه این کتاب مناسب دانشجویان دوره کارشناسی است یعنی فصول اولیه این کتاب، درس روش تحقیق دوره کارشناسی را پوشش می دهد که البته در حال حاضر تدریس هم می شود. بعضی از فصول هم - به ویژه از فصل ۱۰ به بعد - با تاکید بر دوره های تحصیلات تکمیلی یعنی کارشناسی ارشد و دکترانو شده است.



پژوهشی پیشرفته معمولاً چندین سال در مجلات خارجی محل جدال و بحث هستند تا این که روشی تدوین می شود و بعد اینها کم کم به وسیله افرادی که کار تالیفی می کنند به کتاب های متنی راه پیدا می کنند. یعنی آنها این مباحث را بعد از این که تثبیت می شوند به شکل علمی تدوین و در قالب یک کتاب عرضه می کنند. اصولاً مباحث علمی ابتدا از طریق مجلات مطرح می شوند و بعد به صورت کتاب درمی آیند یعنی همه آنچه که در کتاب های متنی پیشرفته برای اولین بار می آید حاصل گذر از فیلتر چندین سال بحث و مجادله است؛ برای مثال یک نظریه مطرح می شود، بعد این نظریه مورد آزمون قرار می گیرد تا می رسد به مرحله ای که به صورت دانش رسمی قابل استناد می شود و در نهایت وارد کتاب های متنی می شود.

**تاریخ نگارش مقالاتی که از آنها استفاده کرده اید مربوط به چه مقطعی است؟**

تقریباً طی یک دهه گذشته این بحث ها در مجله ها مطرح بوده اند برای مثال از اواسط دهه ۹۰ تحلیل بقا به این سوال اساسی پاسخ می دهد که تعداد جلسات درمانی - که ما آن را به صورت کلیشه ای در هر روش درمانی هشت جلسه در نظر می گیریم - چقدر باید باشد. ما در این کتاب نشان دادیم که بر اساس تحلیل بقا، این موضوع تابع محاسبات دقیقی است که شکل و روند آن را نیز نشان داده ایم.

**یکی از گله هایی که اغلب پژوهشگران و مترجمان در این زمینه دارند دشواری دسترسی به منابع مورد نیاز است. شما در این زمینه به مشکلی برخوردید؟**

این مشکل در گذشته وجود داشت و دسترسی به منابع واقعاً دشوار بود اما امروز در پرتو وجود بانک های اطلاعاتی، امکان دسترسی به مجلات خارجی بسیار زیاد است برای مثال در حال حاضر یک بانک اطلاعاتی وجود دارد که حدود ۱۷۰۰ مجله علمی را شامل می شود و ما برای دسترسی به آنها فقط باید شناسه آن افراد و مقالات را داشته باشیم. البته باید یادآوری کنم که ما در این کتاب تا حد زیادی به کارهای پژوهشی داخل کشور ارجاع داده ایم که این ارجاع ها به هیچ وجه ترجمه نیستند یعنی حاصل یک کار پژوهشی خالص داخل کشور هستند.

**آیا اصول و قواعد پژوهش، متغیر و وابسته به فرهنگ ها هستند؟**

«روش های کاربردی پژوهش در روان شناسی بالینی و مشاوره» عنوان کتابی تالیفی به قلم دکتر حمیدرضا عریضی و دکتر حجت الله فراهانی است که به تازگی به همت انتشارات دانژه روانه بازار نشر شده است. در این کتاب - که بلافاصله پس از چاپ به عنوان منبع درسی دانشجویان دوره کارشناسی و دوره های تحصیلات تکمیلی در دانشگاه ها مورد استفاده قرار گرفته است - علاوه بر توضیح مبانی نظری روش های پژوهش، به روش های ویژه و پر کاربرد در روان شناسی و مشاوره نظیر تحلیل بقا، روش های بررسی همه گیرشناسی اختلال های روانی، خانواده پژوهی، روش های بررسی اثربخشی مداخله ای درمانی و ... پرداخته شده است. آنچه پیش روست حاصل گفت و گویی با دکتر حمیدرضا عریضی درباره نحوه نگارش و کم و کیف این اثر تالیفی است. دکتر عریضی دارای مدرک کارشناسی ریاضیات محض، کارشناسی ارشد روان شناسی تربیتی و دکترای روان شناسی صنعتی است و تاکنون آثار درخور توجهی را در زمینه روش تحقیق در کارنامه خود ثبت کرده که از آن جمله می توان به تالیف «روش های پیشرفته پژوهشی در علوم انسانی»، «روش های پژوهش در آموزش ریاضی» و ترجمه «افسردگی در زنان» اثر اشنایدر و کیمبرلی، «روش های تحقیق در علوم رفتاری»، «روش تحقیق در مامایی» و ... اشاره کرد.

**کتاب شما «روش های کاربردی پژوهش در روان شناسی بالینی و مشاوره» به عنوان یک اثر تالیفی چه تفاوتی با آثاری که با همین موضوع ترجمه شده اند دارد؟**

اغلب آثاری که در کشور ما به عنوان اثر تالیفی معرفی می شوند متأسفانه تنها نام تالیف را یکدک می کنند و به معنای واقعی کلمه، تالیف نیستند. به دلیل امتیاز خاصی که آموزش عالی برای آثار تالیفی در نظر گرفته - و این امتیاز را از کتاب های ترجمه ای گرفته اند - بسیاری از استادان ما برای این که امتیاز آثار تالیفی را به دست بیاورند بخش هایی که کتاب های متعدد را ترجمه می کنند و آنها را کنار هم می گذارند و بعد نام تالیف را به آنها اطلاق می کنند. اگر بخواهم به ویژگی هایی که این کتاب را در چارچوب یک کتاب تالیفی قرار می دهد اشاره کنم باید بگویم اولاً ما در این کتاب غالباً به تحقیقات و آثار داخلی خودمان مراجعه کرده ایم نه به آثار ترجمه ای، یعنی این کتاب حاصل پژوهش هایی است که پیش از این من و آقای دکتر فراهانی انجام داده ایم و حاصل آن در کتاب های متعددی به چاپ رسیده که در فهرست اعلام همین کتاب هم به آنها ارجاع داده ایم.

نکته دیگر این است که برخی مباحثی که در این کتاب مطرح شده حتی در متون لاتین هیچ متن نوشتاری مجزایی ندارند مثلاً فصل یازدهم کتاب که درباره پژوهش های ارزشیابی یا تحلیل بقاست پیش از این در مجلات لاتین دنبال می شده و به صورت فصلی مجزا در کتاب های روش تحقیق وجود نداشته و یا حداقل من برخورد نکرده ام.

**اما به هر حال این مباحث را از مجلات خارجی ترجمه کرده اید!**

نه؛ این را نمی شود ترجمه اطلاق کرد. مباحث



علیرضا طهماسب از ترجمه «درآمدی بر روابط موضوعی و روان شناسی خود» می گوید

## کتاب های روان کاوی در حاشیه مانده اند



نظریه پیچیده و در عین حال جاذب و قدرتمند را عرضه می کند و پیچیدگی های دنیای درونی آدمی را به بهترین نحو توصیف می کند هر چند تجربه صد سال اخیر هم نشان داده که تاثیر روانکاوی در حیطه های مختلف از جمله جامعه شناسی، انسان شناسی، مباحث سیاسی و حتی در فرهنگ عامه بیش از همه گرایش های دیگر روان شناسی بوده است.

در نگاه اول به این کتاب با یک متن نسبتاً ثقیل همراه با زبان تخصصی و مفاهیم غالباً انتزاعی روبه رو می شویم، یعنی به نظر می رسد خواننده این کتاب، برای درک درست آن باید از قبل با بسیاری از این مفاهیم آشنا باشد. آیا در ترجمه، این امکان وجود نداشت که مفاهیم قدری ساده تر بیان شوند؟ این موضوع تا چه حد به پیچیدگی ذاتی حوزه روانکاوی مربوط می شود و تا چه حد به کار ترجمه شما؟

پرسش خیلی خوبی است از این جهت که این موضوع در واقع یکی از نقدهای جدی به روانکاوی است بدین معنا که روانکاوی متاسفانه نوعی زبان تخصصی برای خودش فراهم کرده که البته ناگزیر از ابداع چنین زبانی بوده چرا که مفاهیم نوبی را عرضه کرد که این مفاهیم نو طبیعتاً نیازمند واژگان نو بودند اما این زبانواره گنگی که ایجاد شده در مجموع دافعه ای از روانکاوی ایجاد کرده و سبب شده برخی فکر کنند ورود به این حیطه مثل ورود به یک فرقه فکری است و مستلزم این است که فرد تسلیم محض شود و بعد یک سری کلمات و الفاظ را به کار ببرد. استفاده بی رویه از این اصطلاحات گنگ و پیچیده سبب شده برخی روانکاوان بسیار برجسته مفاهیم روانکاوی را به زبان رایج روان شناختی باز تولید و ترجمه کنند و نشان دهند در حرف ها یا نظریه هایی که در این زمینه مطرح می شود خیلی ساده و در عین حال به عقل متعارف نزدیک تر و آسان تر از آن چیزی است که در وهله نخست به نظر می رسد. به هر حال خواننده ای که کاملاً ناآشناست باید یا چندین بار مطلب را بخواند یا از کتاب های کمکی دیگری استفاده کند. در مجموع این کتاب، کتاب ساده ای است و وارد موضوعات تخصصی نمی شود و از حد یک معرفی اجمالی فراتر نمی رود ضمن این که روانکاوی در سه ساخت مختلف قابل توصیف است: یکی نظریه ای است در باب ذهن و شخصیت، دیگری نظریه ای در روانی یا ابزار درمانی است و سوم هم نظریه ای در باب رشد روانی - به معنای عام رشد روانی آدمی - است که ما در این

کتاب از باب نظریه های درمانی مطلب خیلی جدی و مفصلی نداریم و به نظر می رسد بیشتر تلفیقی از نظریه شخصیت (ذهن یا روان) و نظریه هایی در باب رشد روانی انسان باشد. همان طور که از نام کتاب هم برمی آید این اثر صرفاً یک درآمد است و وارد انتقاد جدی و تفصیل و پژوهش های تجربی نشده است. آیا پیش از کتاب شما، کتابی از این نویسنده ترجمه شده بود؟

خیر. نه تنها قبلاً از این نویسنده کتابی ترجمه نشده بود بلکه در باب این موضوع هم تا به حال هیچ کتابی ترجمه نشده و حتی برخی از اندیشمندان که نامشان در فصول مختلف این کتاب آمده، برای اولین بار است که معرفی می شوند و به تجربه این را فهمیده ام که نام بسیاری از این اندیشمندان حتی برای دانشجویان تکمیلی رشته روان شناسی نیز بیگانه است و این برمی گردد به وضعیت رایج در دانشگاه های ما و تصور غلطی که از روانکاوی وجود دارد. من امیدوارم کسانی پیدا شوند که به شکل جدی و با علاقه مستمر و پیگیر، مطالعه و تحقیق کنند و با انتشار کتب مفید و آثاری که روانکاوی علمی را آن طور که درخور و شایسته است معرفی کنند البته امیدوارم از در آمیختن روانکاوی با فلسفه که در جامعه ما خیلی رایج است پرهیز شود گرچه روانکاوی استلزامات فلسفی متعددی دارد و در کشور ما مشخصاً بیش از هر چیز به این حیطه توجه می شود چون کسانی که برای اولین بار در ایران روانکاوی را آموخته اند کسانی بودند که در فرانسه درس خوانده اند و طبیعتاً روانکاوی در آنجا تاثیر اندیشه های لکان است و روان کاوی لکانی به شدت وجه نظری دارد.

اما برخلاف شما برخی معتقدند که اشکال اساسی آثار روان شناسی در کشور ما این است که به بنیادهای فلسفی نظریه ها پرداخته نمی شود.

من با این نظر خیلی موافق نیستم به دو دلیل: یکی این که مبانی فلسفی، متخصصان خودش را می طلبد بدین معنا که باید کسانی باشند که در باب مبانی فلسفی هر چیزی تفکر و آثاری را منتشر کنند؛ روان شناسی هم همین طور است این که مبانی فلسفی روان شناسی را به درستی بررسی نکرده ایم البته یک نقد است یعنی جای اشکال هست و باید این کار انجام شود اما نکته دیگر این است که روان شناسی خودش یک علم مستقل است و برای این که شما یک مبحث روان شناختی را به درستی ارزیابی کنید نیازی نیست که الزاماً به مبانی فلسفی آن بپردازید؛ آن مبانی ساحت و متخصصان دیگری را می طلبد. روانکاوی در فرهنگ های مختلف صورت های مختلفی پیدا می کند. در فرانسه یک صورت پیدا کرده، در انگلستان یک صورت و در آمریکای شمالی هم صورت دیگری. آنچه من می خواهم بگویم این است که قرائت لکانی که امروزه در کشور ما رایج شده، قرائتی است که با زبان شناسی سو سواری از یک طرف و با فلسفه قاره ای از طرف دیگر در هم آمیخته است. برداشت شخصی من این است برای این که روان کاوی از رخوت و رکود خارج شود بهتر است به جنبه های تجربی و جنبه هایی که شواهد پژوهشی را یکدک می کشد و با بدنه اصلی روان شناسی در ارتباط بیشتری است بیشتر پیردازیم، مثل همین روابط موضوعی، روان شناسی خود و نظریه های ارتباطی. البته روانکاوی لکانی به نظریه های انتقادی، نقد ادبی و هنر و ... مجال می دهد که در نوع خود جذاب است اما باید به یاد داشته باشیم که علم یک مقوله است و جذابیت یک مقوله دیگر.

### یادداشت

معصومه حسین پور



### نگاهی به روان شناسی دین از منظر ویلیام جیمز

هر چند مطالعه علمی در حوزه روانشناسی دین قدمت طولانی ندارد - شاید به دلیل موانع متعددی که شیوه های بررسی تجربی و آزمایشگاهی در برخورد با تجربه های دینی دارند - ولی شاید بتوان مدعی شد که ویلیام جیمز از اولین روانشناسانی است که بررسی روشمندی درباره علل و تجارب عرفانی، دعا و زهدورزی انجام داده است.

وی در کتاب گونه های تجربه دینی خود که شامل ۲۰ سخنرانی است به بررسی انواع تجربیات دینی پرداخته و ضمن استناد به تجربیات شخصی افراد در حالات جذبه، شهود و احساس حضور نزد پروردگار به مسئله وحدت وجود که از مباحث اساسی در فلسفه و عرفان است توجه می کند. نکته جالب اینکه دامنه مطالعات ویلیام جیمز در زمینه تجربیات دینی از کشور آمریکا فراتر رفته و فرهنگ شرق را نیز در برمی گیرد. این بررسی ها شامل سرگذشت بزرگانی نظیر غزالی و اشاره به اشعار شیخ محمود شبستری در گلشن راز نیز می شود. حاصل این مطالعات منجر به ارائه یک فرضیه اساسی در زمینه روانشناسی دین می شود. طبق این فرضیه محتوای ناهشیار صرفاً شامل خاطرات ناقص، تداعی معانی عجیب و غریب و مانند آن نیست، بلکه قسمت ناهشیار شخصیت انسان می تواند منبع و سرچشمه بسیاری از شاکارها و آثار نوبوع باشد.

ویلیام جیمز درباره عمومی بودن حس دینی در همه افراد چنین می گوید: احتمال دارد که مردم از لحاظ درجه تاثیر پذیری از احساس یک ناظر درونی در وجودشان با یکدیگر اختلاف داشته باشند. برای بعضی از مردم، این توجه اساسی ترین قسمت خودآگاهی را تشکیل می دهد. آنان که چنین هستند احتمالاً دینی ترند ولی اطمینان دارم که آن کسانی هم که گمان می کنند فاقد آنند، خود را فریب می دهند.

یکی از پژوهش های مجملی که با محوریت اندیشه های این متفکر در ایران منتشر شده عنوان روان شناسی دین از دیدگاه ویلیام جیمز را بر جلد دارد و اثری است از دکتر مسعود آذربایجانی که اخیراً از سوی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه در حجمی بیش از سیصد صفحه روانه بازار شده و امسال به عنوان پژوهش برتر حوزه دین در دوازدهمین جشنواره پایان نامه سال دانشجویی نشان ویژه شیخ بهایی را به خود اختصاص داده است.

این دین پژوه در اثر خود با بیان تأثیر عوامل گوناگون در تجربه دینی به بررسی پدیده دینداری از منظر روان شناختی پرداخته و در پنج فصل به بازفهمی مفاهیم و مسائلی نظیر چیستی دین و دینداری، خاستگاه دین و منشأ دینداری، تحلیل ایمان، توصیف و تبیین تجربه دینی و سرانجام آثار دینی و محورهای اساسی روان شناسی دین از دیدگاه جیمز پرداخته است.

در بخشی از معرفی این اثر آمده است: رفیع ترین پروازهای مهرورزی، فداکاری، توکل، شکیبایی و شجاعت که در آنها بال های انسانیت دامنه خود را گسترده، برای آرمان های دینی است.

البته یکی از ویژگی های این کتاب، نقد آرای ویلیام جیمز درباره دین و رویکرد روانشناسانه او به مسئله دین به شمار می آید به طوری که آذربایجانی در کتاب خود ضمن گزارش اندیشه های جیمز در گستره غربی، این اندیشه ها را تحلیل و مورد بررسی نقادانه قرار می دهد.



این هفته با لیلیا خانجانی، نویسنده کتاب «دروغ نگو»

# راز دماغ دراز پینوکیو

ناشرم هم جواب روشنی نمی دهد و من هنوز هم نمی دانم که بعد از سه سال، شمارگان اندک کتاب چه شد؟ آیا واقعا توزیع شده؟ در کجاها؟ چرا جلوی چشم و در دسترس مخاطب نیست؟ اگر نشده، چرا؟ حتی اگر این ناشر با مسئله پخش مشکلاتی هم داشته باشد برای توزیع یک کتاب و بازگشت سرمایه راه های زیادی هست اما...

ناشرم می گوید تعدادی از کتاب ها را هم در نمایشگاه ها فروخته اند در حالی که تا پارسال می گفتند اصلا توزیع نشده! اما مسئله ای که مرا آزار می دهد این است که کتاب من بعد از سه سال معلوم نیست چه به روزش آمده؟

به عنوان یک نویسنده جوان چه پیشنهادی برای بهبود وضعیت نویسندگان جوان دارید.

پیشنهاد می کنم مرکزی برای مشاوره باشد تا در مورد قرارداد با ناشر به نویسندگان جوان مشاوره بدهد و از طرفی از نظر حقوقی بتواند پیگیری مطالبات نویسندگان باشد. این مرکز می تواند از طرف نویسندگان و با حمایت نویسندگان شاخص و پیشکسوت باشد. من الان احساس می کنم کتابم مهجور واقع شده در صورتی که اطمینان دارم می توانست موفقیت زیادی کسب کند و به چاپ های متعدد برسد.



سال ۸۴ که به چاپ رسید تا مهر سال ۸۶ که پیگیری کردم هنوز توزیع نشده بود. حتی من آن موقع گفتم تا آخر پاییز هم صبر می کنم و اگر توزیع نشود به انتشارات دیگری می سپارم.

یعنی شما از بازتاب کتابتان خبر ندارید؟  
ابداً. چون من درجایی کتابم را ندیده ام با نشنیده ام که کسی آن را خوانده باشد و همان طور که گفتم

کارشناسان کتاب را تایید کرده اند. خود من هم کتاب را به تعدادی از دوستان یا افراد مختلف دادم که بخوانند که بسیار برایشان جالب بود، مخصوصاً تناسب و ارتباط بین داستان ها و مصاحبه با مشاور، متن کتاب را خیلی روان کرده بود. پیش بینی خود من نیز این بود که مفید بودن موضوع منجر به استقبال گسترده شود اما متأسفانه این کتاب از

لیلیا خانجانی متولد ۱۳۵۲ در اولین کتابش دست به تجربه ای تازه زده و حاصل گفت و گو با چند روان شناس را در قالب یک کتاب جیبی عرضه و داستان هایی طنز و مرتبط با موضوع را هم اضافه کرده است. گفت و گوی کوتاه ما را با او بخوانید.

از قطع کتاب شما و نوع حروفچینی مشخص است که این اثر باید دارای حال و هوایی طنز آمیز باشد. لطفاً کمی درباره درونمایه این کار توضیح بدهید.

این کار شامل دو قسمت است که در هم ادغام شده اند. یک قسمت شامل مصاحبه با یک مشاور با تجربه است و به علل دروغگویی، که به اشکال مختلف رایج است. می پردازد اما برای آن که خسته کننده نباشد داستان های کوتاهی را متناسب با مصاحبه در کنارش آورده ام که این داستان ها به طنز بیان شده اند.

تجربه ثابت کرده که این نوع کتاب ها معمولاً در شمارگان بالا عرضه می شوند و فروش بالایی هم دارند. در مورد کتاب شما هم این گونه است؟

راستش وقتی کتاب را به ناشرم دادم، گفت که




## فراخوان

**دومین دوره جایزه گام اول**  
به همت خانه کتاب ایران برگزار می شود

این جایزه با هدف کشف استعداد و تشویق هرچه بیشتر پدیدآورندگانی است که در سی سال اخیر متولد شده اند و برای نخستین بار کتاب منتشر کرده اند.

موضوع های مورد ارزیابی هیت داوران عبارتند از:

**الف: مجموعه شعر یا داستان کوتاه، بلند و رمان برای کودکان و نوجوانان**

**ب: مجموعه شعر یا داستان کوتاه، بلند و رمان برای بزرگسالان**

از تمامی نویسندگان و شاعرانی که اولین اثر خود را از اول سال ۱۳۸۶ در زمینه های یاد شده به چاپ رسانده اند، دعوت می شود سه نسخه از اثر منتشر شده را تا پایان مرداد ۱۳۸۷ به نشانی دبیرخانه گام اول ارسال نمایند.

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین صبا و فلسطین جنوبی، ساختمان شماره ۱۱۷۸، طبقه اول تلفن: ۶۶۴۶۰۵۱۹ دورنگار: ۶۶۴۱۵۳۶۰




## فراخوان

**پنجمین جشنواره نقد کتاب**  
همزمان با شانزدهمین دوره هفته کتاب

مؤسسه خانه کتاب به منظور ارتقای سطح کمی و کیفی نقد کتاب، پنجمین جشنواره نقد کتاب را همزمان با شانزدهمین دوره هفته کتاب در سال جاری برگزار می کند. لذا از تمامی منتقدان و مدیران مسئول مطبوعات و نشریات تخصصی کتاب و نشرانی که اثری با موضوع «نقد کتاب» در سال ۱۳۸۶ منتشر کرده اند دعوت می کند آثار خود را حداکثر تا پایان مرداد ماه ۱۳۸۷ به دبیرخانه جشنواره ارسال کنند.

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، خیابان فلسطین جنوبی، کوچه خواجه نصیر، شماره ۱۰، سرای اهل قلم، طبقه پنجم

تلفن: ۶۶۴۱۵۲۵۵ تلفکس: ۶۶۹۶۶۲۱۸

[www.naghdeketab.ir](http://www.naghdeketab.ir)



# قلم ها علیه بوش تیز تر شد



در حالی که تا پایان دوره ریاست جمهوری جرج بوش چند ماهی باقی نمانده، به نظر می رسد تمایل نویسندگان و اهل ادب برای اعتراض به او و سیاست هایش روز به روز بیشتر می شود و ائتلافی نا نوشته علیه او و اقداماتش در حال شکل گیری است.

این ائتلاف نا نوشته که در قالب کتاب های جدید و مقالات عیان می شود، این روزها بیش از پیش رخ می نماید و با انتقاد از اقدامات اخیر و در شرف انجام آمریکا خودنمایی می کند.

ریچارد واکر یکی از نویسندگان و تحلیلگران سیاسی آمریکایی است که این هفته با اظهار نظر علیه اقدامات دولت جرج بوش رئیس جمهور آمریکا، اقدامات او را دخالت در امور سیاسی کشورهای جهان ذکر کرده است.

رابرت نایمن نویسنده دیگری است که اخیراً در مقاله ای سیاست های دوگانه آمریکا را دلیل اصلی گسترش تروریسم بین المللی دانسته است. او به صورت مستقیم سیاست های دوگانه دولت آمریکا را مورد انتقاد قرار داده و آن را تنها در جهت اهداف جنگ طلبانه حزب جمهوری خواه دانسته است.

نایمن دلیل خود از ریاکاری جمهوری خواهان را دوگانگی رفتار آنها در قبال موضوعات بین المللی اشاره می کند و معتقد است اگر آنچه که به وسیله شوری سابق در افغانستان انجام می شد قابل قبول نبود اما به همان میزان تمام آن اقداماتی که دولت آمریکا در نیکاراگوئه، السالوادور و گواتمالا انجام می داد نیز شرم آور بوده است.

وی با اشاره به تلاش های تجاوزکارانه شوری و آمریکا در کشورهای جهان به موضوعات امروز نیز می پردازد که هنوز در پرده ابهام قرار دارند.

نایمن در پایان، هفت سال تجاوز کشورهای ائتلافی به سرکردگی دولت بوش، را تنها عاملی برای گسترش تروریسم جهانی و کشتار مردم این کشور می داند و می نویسد: اکنون که تقریباً هفت سال از تجاوز نیروهای آمریکا به افغانستان می گذرد آیا فکر کرده ایم که مردم این کشور و مردم عراق به چه چیزی دست یافته اند.

این در حالی است که انتشار کتاب دیگری از فرید ذکریا، سردبیر نیوزویک، باعث جلب توجه افکار عمومی آمریکا شده است.

کتاب جهان فتر از آمریکا سیاست های خارجی این کشور را در قبال جهان و در آینده را بررسی و نقد کرده است. وی در بخشی از این کتاب با نگاهی به سیاست های گذشته و کنونی دولت ایالات متحده آمریکا در قبال سایر کشورهای جهان، به طرح این نظریه می پردازد که امپراطوری اقتصادی، سیاسی و فرهنگی آمریکا در شرف سقوط است.

کتاب پیشین فرید زکریا، آینده آزادی که پیشتر سر و صدای زیادی را در محافل سیاسی آمریکا به راه انداخته بود، به ۲۰ زبان دنیا ترجمه شده است.

او که متولد ۱۹۶۴ هندا است، خبرنگار، مقاله نویس و سردبیر بخش بین الملل نشریه نیوزویک است و از کارشناسان مسائل سیاست خارجی در آمریکا محسوب می شود.

## اعتصاب غذای برنده بوکر

سینها نویسنده مشهور هندی و نامزد جایزه بوکر ۲۰۰۷ در اقدامی عجیب و به منظور حمایت از مصیبت زدگان فاجعه نشت شیمیایی کارخانه بوپال هند دست به اعتصاب غذا زده است.

این نویسنده هندی در اعتراض به سیاست های

آمریکا در حالی اعتصاب غذای خود را آغاز کرده که

امیدوار است به این وسیله بتواند توجه جامعه جهانی را نسبت به یادآوری فاجعه نشت مواد شیمیایی کارخانه آمریکایی و مرگ هزاران هندی جلب کرده و در عین حال مقامات این شرکت آمریکایی را توبیخ و تنبیه کند.

در این کارخانه آمریکایی مستقر در هند به دلیل رعایت نکردن مفاد امنیتی و استانداردها در ۱۹۸۴ چندین تن سم گیاهی نشت کرد و به مرگ ۸ هزار نفر انجامید و بیش از نیم میلیون نفر را به عوارض جسمی مبتلا کرد. در ژوئن سال ۱۹۸۹ یونین کارباید تنها با اظهار تاسف و انتشار بیانییه اعلام کرده بود که از خسارت دیدگان حمایت و به وضع آسیب دیدگان رسیدگی می کند؛ اما از آن زمان تا کنون همچنان عده بیشتری به دلیل آلوده شدن محیط، به عوارض درمان ناپذیر مبتلا می شوند.

یونین کارباید به رغم تیره از این اتهام در همان سال بر اساس گزارشی از سازمان ملل و به دلیل نشت گاز در همان سال، در طی سالیان اخیر حداقل ۱۵ هزار هندی دیگر را به کام مرگ فرستاده و ۲۵ هزار نفر دیگر نیز در معرض عوارض جدی ناشی از

این آسیب قرار داده است.

سینها که در فرانسه زندگی می کند با پیوستن به ۹ مبارز بوپالی، در تلاش است با اعتصاب غذا، توجه جهانیان را بار دیگر به این مساله جلب کند.

سینها نویسنده ای هندی است که کتاب خود را بر اساس داستانی بر اساس همین واقعه نوشته است. او در کتاب خود مردم حیوانات به سه روایت همزمان از سه انسان می پردازد که به دلیل استنشام این گاز سمی در معرض مرگ آبی قرار دارند.

سینها معتقد است مرگ مسموم شدگان در بوپال همچنان ادامه دارد. آنها بدون کمک، بدون همدردی و بدون عدالت می میرند؛ زیرا سیاستمداران دهلی می خواهند برای منافع اقتصادی به هر ذلتی تن دهند.

## برنده کتاب سال استرالیا

گرالدین بروکز؛ رمان نویس استرالیایی-آمریکایی توانست جایزه کتاب سال استرالیا را نیز از آن خود کند. گرالدین بروکز برنده جایزه ادبی پولیتزر، در حالی توانست جایزه ادبی کتاب سال استرالیا در بخش داستان را با آخرین رمانش از آن خود کند که آخرین رمان این روزنامه نگار استرالیایی 'مردمان در کتاب' (People of the Book) نام دارد و بر مبنای

## روی قفسه ها

چیزی برای باختم ندارم" رکورد پر فروش ترین کتاب این هفته را زد. این کتاب که نوشته لی چاپلند است در فهرست پر فروش ترین کتاب های هفته گذشته بسیاری از روزنامه ها قرار گرفت و داستان این رمان به قهرمان بازی پلیسی بازنشسته می پردازد که نمی تواند نسبت به اتفاقات روزمره بی تفاوت بماند و سعی می کند سر از کار مردی ثروتمند که بیشتر مردم شهر را در کارخانه بازیافت خود به کار گمارده در آورد. 'میهمان' نوشته استفانی میر در رده دوم فهرست قرار گرفت. این کتاب، ماجرای مردم یک شهر را روایت می کند که از نظر جسمی و فکری از خود بیگانه شده اند اما یک زن خود را تسلیم نمی کند. کشتی طاعون اثر کلاویو کسلر هم رده سوم را به خود اختصاص داد. در این رمان عده ای مامور بررسی علت مرگ سر نشینان یک کشتی می شوند.

تو با او هستی نوشته امیلی گیفین و 'خون سیاه' اثر لورل همیلتون نیز به ترتیب در رده های چهارم و پنجم قرار گرفتند. در خون سیاه نوشته لورل کی. هامیلتون یک شکارچی خون آشام به نام آنتیپاتلیک، درگیر ماجرای می شود که رسوایی آن دامان جین کلاود، رئیس خون آشام ها را می گیرد و قدرت او را تهدید می کند. تعقیب هری وینستون به قلم لورن ویسبرگر نیز همچون هفته گذشته در جایگاه ششم جدول قرار گرفت. این کتاب که برای دومین بار است در جدول پر فروش ها خودنمایی می کند، به داستان زندگی سه دوست ۳۰ ساله در ماساچوست می پردازد. این سه دوست هم پیمان می شوند که زندگی خود را تا حد امکان تغییر دهند و در یک روز مشخص از سال دوباره یکدیگر را ببینند.

یک شنبه در تیغانی نوشته جیمز پاترسون و گابریل چارنوت نیز همچنان پر فروش است در حالی که رمان بی پروا اثر سباستین فاکز و شیخ قربانی اثر جان سندفورد در کنار کتاب 'سایه قدرت' نوشته استیو مارتینی در ردیف پر فروش ها خودنمایی می کنند. رمان 'جاسوسان و رشو' نوشته آلن فراست نیز از جمله رمان های تاریخی سیاسی است که با اقبال خوبی روبه رو شده است.

دستنوشته ای قدیمی شکل گرفته است روایت جمعی سرگردان است که سفری را از ساریوو آغاز و در کوردوبا خاتمه می دهند. حال این که این داستان در یک عرصه تاریخی طی پنج قرن شکل می گیرد.

## جایزه ایمپک، برنده خود را شناخت

راوی حاجی نویسنده مشهور لبنانی توانست با رمان 'بازی دنیرو' با کنار زدن رقبای خود هیئت داوران را متقاعد کند که جایزه ایمپک را از میان هشت نامزد نهایی به وی اعطا کنند.

جایزه ۱۰۰ هزار یورویی در حالی نصیب این نویسنده شد که وی هنگام دریافت جایزه گفت: 'من انسان خوشبختی هستم. پس از یک سفر طولانی و همدم شدن با جنگ و جدایی و بی خانمانی احساس می کنم از جمله پرسه زن هایی هستم که به او جایزه داده اند و از این بابت خیلی خوشحالم.'

رمان های 'سرعت نور' اثر خاویر سرکاس، 'شیرین و مهربان' اثر یاسمین گورنرانتنه، 'زویاهای سخن گفتن' نوشته گیل جونز، 'بگذار صبح شود' اثر سید قشوع، 'حمله' نوشته یاسمین خضراء، 'زنی که منتظر بود' اثر آندره مکین و 'هیزم زمستان' نوشته پاتریک مک کیب نامزدهای راه یافته به مرحله نهایی بودند. این جایزه یکی از معتبرترین جوایز بین المللی ایرلند است که در سال ۱۹۹۶ تاسیس شد و هر سال به بهترین رمان ترجمه شده از زبانی دیگر به زبان انگلیسی اعطا می شود.

## طنزپرداز مرگ در گذشت

شاعر و طنزنویس آلمانی پتر رومکوف تنها به فاصله چند ساعت بعد از اعلام برنده شدنش سکنه کرد. پتر رومکوف که یکی از مشهورترین طنزنویسان معاصر آلمان است در سن ۷۸ سالگی تنها به فاصله چند ساعت پس از اعلام برنده شدن او به عنوان برنده برگزیده کاسلر فوت کرد. خبر مرگ او در حالی اعلام شد که جایزه ادبی کاسلر به پاس طنز منحصر به فرد، به وی تعلق گرفت و بسیاری حتی فکر کردند این خبر نیز نوعی طنز جدید از سوی این نویسنده شوخ طبع است چرا که او از جمله نویسندگانی بود که در دهه ۷۰ با مقوله مرگ با طنز برخورد کرده بود.

او که به شاعر متافیزیک مشهور بود در هامبورگ به تحصیل روان شناسی و ادبیات پرداخت و در سال های دهه ۶۰ به عنوان ویراستار در موسسه ادبی روهه لت مشغول فعالیت شد و از همین جا بود که فعالیت ادبی و روزنامه نگاری خود را آغاز کرد.

## پیکر چنگیز آیتماتوف به خاک سپرده شد

هفته گذشته نویسنده نامدار دیگری درگذشت که مراسم تدفین او با شکوه هر چه تمام در بیشکک برگزار شد.

چنگیز آیتماتوف، نویسنده قرقیز در حالی در قبرستان آتایتب به خاک سپرده شد که بیش از ۳۰ هزار نفر در مرکز شهر بیشکک گردهم آمده بودند تا به پیکر این نویسنده ادای احترام کنند.

رئیس جمهور قرقیزستان در پیامی به مناسبت درگذشت این نویسنده قرقیز، گفت: 'نه فقط قرقیزستان یکی از بزرگ ترین فرزندان خود را از دست داده که جهان نیز یکی از بزرگان معنوی خود را از دست داده است.'

چنگیز آیتماتوف هفته گذشته در سن ۷۹ سالگی در بیمارستانی در شهر نورنبرگ آلمان درگذشت و جسدش یک روز بعد به قرقیزستان انتقال یافت. از وی به عنوان بزرگ ترین نویسنده روسی زبان غیر روس در اتحاد جماهیر شوروی سابق یاد می شود.



## روایت اول شخصی

### معرفت شناسی متفکران مسلمان

#### دکتر فریدون بدره ای، مترجم تاریخ و ادبیات فارسی

ویراست جدید و تجدید نظر کامل درمقدمه و یادداشت های کتاب مهم "واژه های دخیل در قرآن کریم" اثر آرتور جفری توسط انتشارات توس آخرین کار من بود که پس از ۲۰ سال تجدید چاپ شد.

البته باید بگویم که به واسطه تعریض های فراوانی که بر اثر حاضر نوشته شده بود و از میان رفتن موانعی که در مورد انتشار زبان ها و خط های نگارشی استفاده شده در اثر حاضر وجود داشت موجب شد تا هم کتاب کاملی عرضه شود و هم از حیث شکلی کار پاکیزه ای ارائه شده است.

اما درباره کتاب های جدیدی که از من در دست انتشار است باید بگویم که پس از انتشار برگردان کتاب تاریخ و عقاید اسماعیلیه، نویسنده این کتاب دکتر فرهاد دفتری تجدید نظر کاملی در اثر خود دادند (که به بازنویسی مجدد شبیه است) و من نیز برگردان آن را تحویل نشر فرزانه روز دادم.

علاوه بر این، کتاب روشنگران مسلمان و قرآن به گردآوری و تلاش یکی از اساتید مسلمان دانشگاه آکسفورد به نام سها تاجی فاروقی را به فارسی برگردانده ام که آن را نیز نشر فرزانه روز روانه بازار خواهد کرد. این کتاب در مقالاتی به آرای معرفت شناسانه ۱۱ متفکر برجسته عالم اسلام نظیر پروفیسور فضل الرحمن از پاکستان، امینه ودود زن امریکایی مسلمان شده و... در مورد قرآن کریم می پردازد.

کتاب بعدی نیز برگردانی است از یک پژوهشگر مسلمان در ذکر مناقب حضرت علی (ع) تحت عنوان ذکر و عدالت. نویسنده در این کتاب ارتباط بین ذکر و عدالت در نظر حضرت مولی الموحدين (ع) را با استناد به نهج البلاغه و روایات مورد اشکافی قرار می دهد و من نیز به نوبه خود خطبه های مورد اشاره نویسنده را به کتاب افزوده ام که در حجمی بالغ بر ۳۰۰ صفحه از سوی انتشارات فرزانه روز منتشر خواهد شد.

سه جلد از مجموعه کتاب (هفت پادشاهی قدیم شرقی) نوشته جرج راولینسون مورخ برجسته معاصر را نیز به فارسی برگردانده و تحویل انتشارات اساطیر داده ام. این سه جلد شامل دوران حکومت هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان است که در اصل سه مجلد آخر (پنجم، ششم و هفتم) پژوهش راولینسون را در بر می گیرند.

برگردان مجلد پنجمین مجموعه (پادشاهی هخامنشیان) را سال گذشته تحویل ناشر دادم و در آینده ای نه چندان دور نیز کار ترجمه مجلد ششم (پادشاهی اشکانیان) به پایان می رسد و قرار شده تا جلد هفتم را تا پایان سال آینده به ناشر تحویل دهم.

### بنیادهای فلسفه سیاسی

#### دکتر صادق زیبا کلام: استاد علوم سیاسی

تصور می کنم کتاب از افلاطون تا جان استوارت میل بنده با زیر عنوان پنج گفتار در باب نظریه حکومت تا آغاز سال تحصیلی جدید از سوی انتشارات روزنه منتشر شود.

در این کتاب سعی کرده ام که مفاهیم بنیادین فلسفه سیاسی از نگاه پنج فیلسوف برجسته سیاسی (افلاطون، توماس هابز، جان لاک، کارل مارکس و جان استوارت میل) به عنوان ارائه کنندگان مدل های حکومتی منسجم، نقد و بررسی کنم.

در این اثر ابتدا الگوی حکومتی آنها به صورت مجزا بازخوانی و بعد با نگاهی انتقادی نقاط قوت و ضعف هر یک موشکافی می شود.

در کتاب حاضر تلاش کرده ام تا نشان دهم که از زمان افلاطون تا کنون مهم ترین دغدغه فلسفه سیاسی ارائه بهترین و شایسته

ترین مدل حکومتی و تبیین مولفه های حاکمان آن بوده است و آرای فیلسوفان سیاسی در شیوه حکومت داری حاکمان چه نمودی داشته است.

### بازخوانی دین پژوهی

#### دکتر عبدالحسین خسرو پناه: دین پژوه

چندی است که کار تحقیق و نگارش کتاب "فلسفه فلسفه اسلامی" را به پایان برده و آن را به همراه دو کتاب دیگر تحویل سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی داده ام.

در این کتاب با یادآوری این پیش فرض که فلسفه اسلامی به عنوان یک معرفت می تواند موضوع نگاههایی از منظرهای بالاتر قرار گیرد با نگاهی مجدد به چرایی و چگونگی فلسفه اسلامی و چشم انداز آینده آن پرداخته ام. در این مورد معتقدم با تمام تلاشی که فیلسوفان مسلمان انجام داده اند و بسیاری از گره های اعتقادی را باز و به شبهات پاسخ داده اند اما فلسفه در مقام تعریف و تحقیق گرفتار پاره ای از کاستی ها است.

فلسفه اسلامی پیشینه بلند و با ارزشی دارد که همه فیلسوفان مسلمان تلاش فراوانی را در این راه انجام داده اند و فلسفه را به قله های بلندی رسانده اند و چندین بار نشان داده اند که فلسفه اسلامی کارآمد است. به عنوان نمونه در جریان فعالیت فکری فرهنگی مارکسیستها فلسفه اسلامی بود که به میدان آمد و با جریان مارکسیسم مبارزه کرد. همچنین در دو دهه اخیر شبهات فلسفه دین و کلام جدید را فلسفه اسلامی پاسخ داده است. با تمام امتیازاتی که فلسفه اسلامی دارد نباید کاستی ها و کمبودهای آن مغفول واقع شود. اگر یک رویکرد معرفت شناسانه و درجه دوم و تاریخی از فلسفه اسلامی داشته باشیم می توانیم پاره ای از کاستی های آن را درک کنیم. برای نمونه فلسفه اسلامی موجود از فقدان فلسفه های مضاف رنج می برد لذا ما در تحقیق فلسفه فلسفه اسلامی در صددیم تا با ارائه تعریف جدیدی از فلسفه به ساختاری نو از حکمت نوین اسلامی دست یابیم و پاره ای از کمبودهای فلسفه را بر طرف کنیم.

نظام معرفت شناسی صدرائی نیز در اصل بازخوانی است از آرای ملاصدرا در حوزه معرفت شناسی و تاثیر آن در متفکران متأخر. کار نگارش این کتاب نیز به پایان رسیده و تصور می کنم به نوبت پس از دو کتاب قبلی روانه بازار شود.

### روایتی آرمان گرایانه از مرگ

#### احمد بیگدلی: داستان نویس

به تازگی کار نوشتن رمان زمانی برای پنهان شدن را با محوریت جنگ تحمیلی، به پایان رسیده است و به احتمال قریب به یقین، از سوی نشر آگه منتشر خواهد شد. توضیح بیشتر درباره این رمان را به پس از انتشار آن موقوف می کنم.

علاوه بر این چندی است که کار نوشتن رمانی با عنوان "فلو" را به پایان برده ام که در اصل روایتی آرمان گرایانه از مرگ است. در این داستان به پسر ۱۲ ساله ای پرداخته ام که تصور می کند مرگ برای هیچ چیز و هیچ کس وجود ندارد و همه آدم ها جایی آن سوی دریاها همدیگر را پیدا می کنند.

درباره عنوان این کتاب هم باید بگویم که فلو در اصل اصطلاحی در عکاسی است؛ اما در جنوب به کسانی گفته می شود که پوست سبزه داشته باشند.

از سوی دیگر، یک مجموعه داستان هم دارم که دربرگیرنده هشت قصه با عنوان "نخستین شب شهرزاد" است و روایت هایی از هستی آدمیزاده در فضای پرافسون جهان ارائه می کند.

### تاریخ ایران شناسی

#### دکتر طهمورت ساجدی: پژوهشگر

چندی است که انتشارات امیرکبیر پس از انتشار ترجمه من از کتاب ادبیات تطبیقی "ایو شورل، در تدارک انتشار مجلد دوم مقاله های بنده با عنوان ایران شناسی و خاورشناسی است. البته بخش هایی این مقالات بیشتر در نشریات علمی منتشر شده اند و

بر اساس حوزه کاری من یعنی ادبیات تطبیقی به بحث هایی نظیر تاثیر و تاثیر ادبیات ایران و فرانسه، نگاه خاور شناسان به ادبیات ایران و... سامان یافته اند.

علاوه بر این در حال حاضر مشغول سامان دادن به پژوهشی درباره تاریخ ایران شناسی در فرانسه با همین عنوان هستم. در این پژوهش رویکرد مستشرقان فرانسوی به ایران را از قرن سیزدهم میلادی تا تحقیقات شارل هانری دو فوشه کور مورد بحث و بررسی قرار داده ام.



عبدالحسین نیک‌بخت



عبدالحسین خسرو پناه

### از جامعه شناسی تا تاریخ انتقادی

#### عبدالحسین نیک‌بخت: مترجم علوم اجتماعی

آخرین کاری که به برگردان من از سوی نشر توتیا روانه بازار شد اثری بود تحت عنوان جامعه شناسی زمبل از فریدریک واندر برگ استاد جامعه شناسی در دانشگاه برنول لندن و عضو وابسته به گروه مطالعات انسانی دانشگاه اوترخت هلند که پیش از کتاب حاضر، دو جلد "تاریخ انتقادی جامعه شناسی آلمانی" را نوشته است و کتاب حاضر ویرایش جدید و کاملاً گسترش یافته ای از فصل سوم "تاریخ جامعه شناسی آلمانی" اوست. کتاب حاضر را می توان مقدمه ای بر تفکر جورج زمبل، فیلسوف جامعه شناس یا جامعه شناس فیلسوف آلمانی معاصر امیل دورکیم و ماکس وبر دانست. پس انتشار این کتاب نشر توتیا اثر دیگری با برگردان من به زیر چاپ برد که عنوان جهانی سازی دیگر را بر خود دارد و تصور می کنم اواخر همین هفته روانه بازار شود.

هنر تزویری عنوان کتاب دیگری است که این ناشر از من در دست انتشار دارد. این کتاب که اثری است از میشل بود کاربردی و عملی راهنمایی برای نگارش پایان نامه برای دانشجویان مقاطع فوق لیسانس و دکتری است که می خواهند از ابزارهایی نظیر اینترنت نیز برای حصول به مقصود استفاده کنند.

یک کتاب هم در دست ویرایش نهایی برای تحویل به انتشارات فرهنگ معاصر دارم که در سال ۲۰۰۷ در فرانسه منتشر شد و همان سال نیز من آن را به فارسی ترجمه کردم اما چون ناشر می خواست آن را در ذیل مجموعه جهان معاصر خود منتشر کند چاپ آن تا به امروز به طول انجامید. این کتاب برگردانی است از اثر منتقدانه او بر و درین وزیر امور خارجه فرانسه در زمان فرانسوا میتران تحت عنوان "درامه تاریخ" به واشکافی مسائل روز اتحادیه اروپا، سردرگمی غرب، فروپاشی شوروی و... می پردازد.

### در آیین شعر عرب و عجم

#### علی خالقی: شاعر

در کنار گردآوردن و سامان دادن به مجموعه شعرهای آیینی برای انتشار کتابی با عنوان "تذکره شاعران دفاع مقدس در استان قم" در یک مجلد آماده انتشار کرده ام که به زودی از سوی بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس روانه بازار خواهد شد.

در این مجموعه ۵۸ شاعر برجسته دفاع مقدس در استان قم از آغاز جنگ تحمیلی تا کنون معرفی و نمونه ای آثارشان ارائه شده است.

علاوه بر این نشر پژوهشگرده تحقیقات اسلامی به زودی کتابی در دو مجلد به پژوهش و نگارش بنده روانه بازار خواهد کرد که در اصل جزو پژوهش های تاریخ محور ادبی محسوب می شود. در این مجموعه که عنوان "حماسه حسینی در ادبیات فارسی" را بر جلد خواهد داشت شعرهای مطرح ادبیات عرب و فارسی پیرامون حماسه کربلا (از زمان حرکت امام حسین (ع) تا امروز) را، گردآورده ام.

کتاب در دو بخش سامان یافته است به این صورت که ابتدا در بخش ادبیات عرب تمام رجزهایی که امام حسین (ع) و تعدادی از اهل بیت (ع) آن حضرت در روز عاشورا خوانده اند، ذکر شده و در بخش ادبیات فارسی نیز شعر شاعران کلاسیک و معاصر در قالب های مختلفی نظیر مثنوی، ترجیع بند، ترکیب بند، رباعی، دوبیتی، شعر نیمایی و نیز شعر سپید درباره حادثه کربلا ارائه شده است.



احمد بیگدلی



صادق زیباکلام

#### دکتر طهمورت ساجدی: پژوهشگر